

 *Memargold.ir*



دانشکده معماری و عمران آزاد قزوین

خلاصه مباحث
معماری معاصر

دکتر ایمان رئیسی

صفحه	فهرست مطالب
۳	روش های دسته بندی معماری معاصر
۵	معماری مدرن
۱۱	آموزش معماری
۲۳	معماری مدرن در ایران
۲۸	معماری مدرن متاخر
۳۳	معماری پست مدرن و دیکانستراکشن
۳۹	معماری پست مدرن در ایران
۴۹	میدان های فضایی
۵۷	هنر و معماری مفهومی
۶۱	معماری های تک
۶۵	معماری امروز ایران
۶۸	فهرست تفکیکی منابع

توضیح: جهت درک بهتر مطالب، لطفا از تصاویر مربوط به هر مبحث در لوح فشرده ی پیوست، استفاده نمایید.

روش های دسته بندی معماری معاصر

الف: نیکولاس پوزنر، پیشگامان طراحی

مدرن، ترجمه فرح اصالت، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول کتاب به زبان انگلیسی ۱۹۳۶
فهرست مطالب کتاب:

۱. نظریات هنری از موریس تا روپوش.
۲. از سال ۱۸۵۱ تا موریس و نهضت هنر و پیشه.

۳. نقاشی در سال ۱۸۹۰ - ۱۹۰۰.

۴. آرنوو.

۵. مهندسی و معماری در قرن نوزدهم

۶. انگلستان از ۱۸۹۰ - ۱۹۱۴.

۷. نهضت مدرن قبل از سال ۱۹۱۴

بیشتر ریشه یابی می کند و همانگونه که از نام کتاب برمی آید پایه های طراحی مدرن را تشریح می کند. تا سال ۱۹۳۶.

ب: زیگفرید گیدئین، فضا، زمان و معماری

دسته بندی براساس تاریخ تحولات تا

سال ۱۹۶۰

ابتدا تحولات را بررسی می نماید، سپس به معرفی آثار معماران می پردازد.

گروپئوس، لوکوربوزیه، میس وندور، آلوار آلتو، یرن اوتزن

ج: لئوناردو بنه ولو- تاریخ معماری مدرن

جلد یک: جنبش مدرن تا پایان جنگ جهانی دوم. جلد دو: پس از جنگ جهانی دوم تا پایان دهه هشتاد.

ج. یک: شرایط آغاز جنبش- باهاوس - شکل گیری جنبش مدرن (۲۷-۱۹۱۸)-

لوکوربوزیه

طرح مسائل شهرسازی:

دیدگاه گروپئوس

دیدگاه لکوربوزیه

دیدگاه سیام

معماری مدرن در آمریکا:

ریچارد نوترا

رایت

میس وندرو

ج. دو: اروپا پس از جنگ جهانی دوم- بازسازی

انگلستان، شوروی، ایتالیا

نشرجهانی معماری مدرن

تحولات دهه ۶۰ - گروه سیام

دوران تردیدها- زمزمه های پسا مدرنیته

د: ویلیام کرتیس: معماری مدرن از ۱۹۰۰

۱. ریشه های تشکیل دهنده معماری مدرن.

۲. نظم یافتن معماری مدرن بین دو جنگ جهانی.

۳. دگرگونی و انتشار پس از ۱۹۴۰، معماری

مدرن آمریکا، لوکوربوزیه، آلتو

۴. تداوم و تغییر در اواخر قرن بیستم.

بحث اقلیم، فرهنگ، منطقه در معماری، نقد

معماری مدرن

ه: دسته بندی با رویکرد تئوری معماری:

مدرنیته ← کانت، نیچه، بنیامین

فنومنولوژی ← تجربه گرا، حادثه گرا ←

مارسل دوشان

ساختارگرایی ← کانستراکتیویست های روس-

یاکوبسن، چامسکی

پسامدرنیته ← چارلز جنکز - لیوتار

پسا ساختارگرایی ← دریدا، دلوز، فوکو

ی: دسته بندی با رویکرد فضاگرایانه:

۱. استراتژی یکپارچه Monolithic

هندسی Geometric

شکل گرایانه Figurative

مجرد Abstract

مدرنیته = شفاف / پست مدرنیسم = کدر

غیر هندسی nonGeometric

۲. استراتژی پراکندگی Fragmentation

۳. استراتژی میدان Field

۴. استراتژی مفهومی Conceptual

سلسله مراتب تاریخی ندارد.

در مجموع :

بررسی خطی با توجه به تاریخ

بررسی سبکی: معماری مدرن، پست مدرن،

لیت مدرن، ...

بررسی فضاگرایانه: یکپارچه، پراکنده، میدان،

مفهومی

برنامه این دوره حاصل مجموع این دسته بندی

ها + سرفصل شورای عالی انقلاب فرهنگی

است.

داستان معماری

داستان معماری داستان پر رمز و رازی است.

در اساطیر سرزمین کرت واقع در جنوب شرقی

یونان کنونی آمده است:

"دایدالوس (Daedalus) صنعتگر افسانه

ای یونان، گاوی از چوب برای پاسیفائه، زن

مینوس، ساخت؛ سیفائه درون آن خوابید و

مینو تا وروس را زاد، مینوس، از سرشرم از این

زاده، به دایدالوس فرمان داد لایبندت (هزار تو)

را بسازد و مینو تا وروس را در آن انداخت

...."

نکته ای که از طرح این داستان نتیجه می شود
اینکه، معمار برای پاسخ به یک مسئله ابتدا یک
ماشین خلق می کند(پرگار) و سپس بوسیله آن
ماشین به خلق یک کانپست می پردازد
(لابیرنت).

ماشین معماری "" عبارتست از تکنیک یا
ابزاری که بوسیله آن کانسپت معماری خلق
می شود.

برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

دورانت، ویل - تاریخ تمدن - جلد دوم - یونان
باستان - شرکت انتشارات علمی و فرهنگی -

چاپ دوم - تهران ۱۳۷۰ - صفحه ۸۷۷.

رئییسی، ایمان - ماشین معماری - مجله فضا و
فضا شماره ۲ - نشریه دانشکده معماری آزاد
همدان ویژه سومین کنگره سراسری دانشجویان
معماری و شهرسازی - صفحه ۳۸

ماشین معماری معماری کلاسیک، هندسه

اقلیدسی و تناسبات طلایی بود. پرسپکتیو

معماری رنسانس را پدید آورد و کوبیسم

معماری مدرن را. معماری پست مدرن هم

محصول کلاژ بود و شاید دیاکرام ادوارد لورنتز

باعث پدید آمدن معماری اواخر دهه هشتاد و

نود باشد.

لابیرنت → پرگار

معماری کلاسیک → هندسه اقلیدسی

معماری رنسانس → پرسپکتیو

معماری مدرن → کوبیسم

معماری پست مدرن → کلاژ

معماری قرن بیستم دو دهه آخر → دیاکرام

ادوارد لورنتز

بنابراین تاریخ معماری وابسته به تاریخ تفکر است. تفکر تحت شرایط زمانی و مکانی خاص، ماشین را بوجود می آورد و ماشین هم معماری تولید می کند.

مدرنیته: سکولاریسم، فرد گرایی، خرد گرایی آلون تافلر: در کتاب "موج سوم: انقلاب صنعتی، افزایش ناگهانی تولید، که در قرن هجدهم با پیدایش تولید کارخانه ای و استفاده از ماشین، صورت گرفت سیمای جهان را بسیار بیش از انقلاب اجتماعی فرانسه تغییر داد"

(گیدئین، ص ۱۵۲)

"در هم ریختن دورانی آرام و مطمئن بشر هنوز بعنوان آشکارترین تاثیر انقلاب صنعتی باقی مانده است، فرد در زیر قدم های تولید ماشینی بر زمین افتاده و استقلال خود را از دست داده است" (همانجا، ص ۱۵۳)

"دگرگونی سیاسی در طول سده نوزدهم از دو سیستم فکری الهام گرفت:

لیبرالیسم و رادیکالیسم. از این دو لیبرالیسم دارای سرچشمه هایی قرن هجدهمی بود و انقلاب های فرانسه و امریکا را الهام بخشیده بود. لیبرالیسم پرچم آزادی را در دست داشت ...

رادیکالیسم اندیشه حمایت از سرمایه داران صنعتی بزرگ را مقبول می دانست و رادیکالیسم هوادار مردان خودساخته بود که یک نظام مهم از ملاحظات اقتصادی بود، به ویژه از ملاحظاتی که از گرایش به صنعت مایه می گرفتند، بود.

(محمد منصور فلامکی، ص ۳۹۸)

آهن قبل از صنعت

بکار رفتن آهن در یونان و روم ← ترجیح برنز بخاطر مقاومت در برابر باران.

در رنسانس هم معمول نبود ← آلبرتی ← بکار بردن مصالح درحالت طبیعی.

میکل آنژ ← در کلیسای سن پیترو ← حلقه های آهنی در گنبد نقش باربر ندارند.

دلیل عدم توجه ← مقاومت کم در برابر باران و تغییرات جوی تهیه آن به میزان ناچیز.

تهیه آن به روش صنعتی:

نخستین بار در ۱۷۴۰ ← شرکت داربی در

انگلستان توانست شمش آهن تهیه کند ← تولید انبوه میسر شد.

پل رودخانه سورن (۷۹-۱۷۷۵) توسط شرکت

داربی دهانه پل ۳۰ متر و ارتفاع ۱۵ متر

نخستین پل چدنی

← ساخته شدن پل های متعدد،

نخستین ساختمان آهنی ← ساختمان تئاتر

فرانسه ۱۷۸۶ سقف شیروانی تئاتر از آهن ساخته شد.

نکته مهم در قرن نوزدهم: تقلید از سبک های

گذشته در معماری قرن نوزدهم است.

پیشرفت صنعت در آن دوره فقط روش هایی

نو برای ساختن بناهایی که کهنه فراهم آورده بود.

جدایی معماری از پیشرفت های صنعتی بوجود

آمده بود.

در حدود ۱۷۸۰ ستون چدنی ساخته شد.

استفاده از ستون آهنی به همراه مصالح دیگر

رواج یافت.

و در تمام قرن نوزدهم ستون چدنی در

ساختمانهای بسیاری بکار برده شد. قصر بلورین، بازارهای سرپوشیده، کتابخانه ها و گلخانه ها و آسمان خراش ها در شیکاگو. تا سرانجام در ۱۸۷۱ نخستین ساختمان کاملاً اسکلتی در فرانسه ساخته شد. کارخانه شکلات سازی - تمام وزن ساختمان را چهارستون تحمل می کردند. و می توان گفت این ساختمان نقش اساسی در شکل گیری آسمان خراش ها داشته است. سرانجام در سال ۱۸۸۳-۸۵ ویلیام لوبارن جنی اولین آسمان خراش را در شیکاگو ساخت. (گیدئون، ص ۱۸۵)

خلاصه ای از اختراعات:

سال ۱۸۵۳ اختراع آسانسور مسافربری توسط شرکت Otis
سال ۱۸۵۶ تولید فولاد آلیاژی توسط کارخانه زیمنس
سال ۱۸۶۷ اختراع دینام توسط زیمنس
سال ۱۸۷۶ اختراع تلفن
سال ۱۸۸۲ اختراع اولین دستگاه ترموالکتریک
سال ۱۸۸۳ انتقال برق به فاصله دور
سال ۱۸۸۴ اختراع اولین چراغ برقی توسط ادیسون
سال ۱۸۸۵ اختراع اولین موتور احتراقی توسط ادیسون (فلامکی، ص ۴۰۹)

قصر بلورین :

به اعتقاد اکثر مورخین: این بنا نقطه آغازی در معماری مدرن است. ساختمان برای نمایشگاه جهانی ۱۸۵۱ لندن توسط سر جوزف پاکتسن طراحی شده بود. نقشه ای کشیده ، مستطیل

شکل به طول ۵۶۳ متر و عرض ۱۲۴ متر سطح زیربنا ۷۴۳۲۲ متر مربع. نخستین بار از قطعات پیش ساخته استفاده شد. قطع شیشه ها تا آن زمان ۱،۲۵ متر بود. بنابراین ساختمان به گونه ای طراحی شد که جام های شیشه بدون نیاز به برش در محل نصب شوند. قاب های شیشه از چوب بود که بر روی تپه های آهنی قرار می گرفتند. ستونهای چدنی هر طبقه بر روی ستون های طبقه زیر پیچ و مهره شده بودند در مدت زمان شش ماه ساخته شد. (گیدئون، ص ۲۱۸)

قصر بلورین از چند جهت حائز اهمیت است:

۱. قطعات پیش ساخته
۲. استفاده از مصالح جدید؛ آهن و شیشه
۳. در معرض دید بودن عناصر سازه ای (مزینی، ص ۱۰)

مکتب شیکاگو:

در ابتدا شیکاگو دارای معماری سنتی با مصالح عمدتاً چوبی بود تا اینکه در سال ۱۸۷۱ آتش سوزی بزرگی در آن رخ داد و مرکز شهر کاملاً تخریب شد. پس از این آتش سوزی امر ساختمان در شیکاگو رونق و رواج ناگهانی یافت و آسمان خراش هایی به ارتفاع ۱۲ و ۱۴ و ۱۶ و ۲۳ طبقه ساخته شدند... مکتب شیکاگو بین سالهای ۱۸۸۳ و ۱۸۹۳ رشد یافت و قدرت گرفت. اساس مکتب معماری شیکاگو به آسمان خراش های کار - یا بعبارت دیگر مراکز اداری این شهر - پیوسته است. موسس مکتب: ویلیام لو بارون جنی، معمار و مهندس ساختمان بود.

ویژگی جنی: به جزئیات و تزئینات علاقه

پرهیز از فرم های پیچیده گذشته

نداشت و نقش بسیار مهمی در تربیت معماران

توجه به فرم های خالص

مکتب شیکاگو داشت حتی لوئی سالیوان هم

توجه به نقش پنجره در ساختمان

مدتی در دفتر کار او مشغول بود.

اسکلت کاملاً باربر

ویژگی دیگر: ترکیب روشهای ساختمانی فرانسه

یکپارچگی فضایی ← پارتیشن بندی

با جزئیات متخصصان آلمانی ← ترکیب جالبی

ساختمان لایتر - ۱۸۸۹

بود.

طراح ویلیام لوبارون جنی

(گیدئون، ص ۳۱۲)

نخستین ساختمانی است که حتی یک دیوار

باربر ندارد.

نخستین آسمان خراش ← جنی - ۵-۱۸۸۳

← شرکت بیمه منازل بنای ده طبقه ← با

ارتفاع هشت طبقه - دارای حجمی خالص و بی

پیرایه.

اصول جدید فن ساختمان - به مقدار زیادی ضد

حریق شده است -

آشکار شدن اسکلت در نما ← مربع

مهمترین موارد اقتصادی دراستفاده

این ساختمان نقطه شروع بی پیرایگی در

معماری است و اهمیت آن در وحدت بین فن

ساختمان و معماری آن است.

- صرفه جویی در هزینه ساخت فونداسیون ←

از کاهش وزن ساختمان حاصل می شد.

ساختمان فروشگاه کارسون، پیری واسکات -

- بالا رفتن امکانات تجاری ساختمان

۱۸۸۹-۱۹۰۶

- امکان استفاده بهینه از فضا

طراح لویی سالیوان ← شاگرد جنی و استاد

- کاهش نور مصرفی در طبقات پایین

رایت

- کاهش کارهای بنایی

این کار مرمت و نوسازی شده است.

- کم شدن زمان ساخت بنا (ماریان

استفاده از فضاهای بزرگ و پیوسته.

بولی، ص ۶)

استفاده از حداکثر نور طبیعی ← توجه به

پنجره ← پنجره های شیکاگو.

همچنین پیشرفت هایی مانند:

پنجره های شیکاگو: در جهت افقی کشیده شده

روش تولید فولاد

و در هماهنگی کامل با اسکلت ساختمان

هستند.

ضد حریق شدن ساختمان

اختراع آسانسور

پیشرفت سیستم لوله کشی

اهمیت مکتب شیکاگو: برای نخستین بار در

قرن

نوزدهم بین مهندسی و معماری آشتی برقرار

بودند، نشان می دهد. اندیشه آن قرن در به

دست آوردن برتری عقلانی به کل جهان

شد.

متمرکز بود ... در عین حال قرن نوزدهم در

نوعی تیرگی احساسات گنگ به سر می برد.

ویژگی های مکتب شیکاگو:

قرن نوزدهم بین جریانهای گوناگون که کاملاً کورکورانه در تمام جهات به آن دست می یافت، دست و پا می زد. قرن نوزدهم رهایی اش را با فرار از گذشته جست و جو می کرد ... "بهبود بخشیدن به این دوگانگی در اندیشه و احساس، هدف اساسی جنبش مدرن در هنر و معماری بود. (شولتز، فصلنامه ما، شماره یک، ص ۱۰۵)

لوکوربوزیه: "عصر مهمی آغاز شده است.

روحیه جدیدی به وجود آمده است ... سنت ها و رسوم باعث سرکوب معماری شده اند. سبک ها دروغ اند ... عصر متعلق با ما و سبک متعلق به آن، روز به روز معین می شوند."

میس وندرو: "نه دیروز نه فردا، بلکه فرم را تنها در همین امروز میتوان معین ساخت"

هانس مایر: "هر عصری فرم جدید خود را می طلبد. رسالت ماست که به دنیای جدید، شکلی جدید با معانی امروز بدهیم. اما دانش ما از گذشته باری است که بر دوش ما سنگینی می کند..."

آنتونیوسانت الیا: "معماری با سنت قطع رابطه می کند؛ ضرورت ایجاب می کند که معماری دوباره از اول آغاز گردد ... تضاد شدید بین دنیای قدیم و دنیای مدرن با چیزی مشخص می شود که پیش از این وجود نداشت ..."(شولتز، معماری ایران، شماره یک، ص ۱۰۰ تا ۱۰۶)

انقلاب بصری در دهه اول قرن بیستم در هنرهای تجسمی روی داد. عدول از نمایش واقع بینانه اشیاء زندگی روزمره. کوبیسم ← دید به شئی از چند نقطه بطور همزمان ↓ فرم آزاد → در تضاد با نقش سنتی → انتزاع * بازگشت به اشیاء ← شئی و روابط بین اشیاء

پل کله: "هنر آنچه را که رویت پذیر است باز گو نمی کند، بلکه رویت پذیر می سازد".
کنستانتین برانکوزی: "سادگی در هنر، هدف نیست بلکه هنر زمانی به دست می یابد که انسان به مفاهیم واقعی اشیاء نزدیک شده باشد. در ۱۹۱۲ ← بطری در فضا می کشفد - بوچونی - اساسی ترین خصیصه جهان هر شئی در تعامل آن با زمین و آسمان نهفته است.

هنر و تولیدات صنعتی در انگلستان:

در اثر حمایت پرنس آلبرت همسر ملکه ویکتوریا از پیشرفت های صنعتی نمایشگاه های متعددی در لندن برگزار شد. آشتی بین هنر و صنعت. تاسیس موزه ویکتوریا و آلبرت، انجمن هنر و تولیدات صنعتی، مدارس هنری.

ورکبوند:

در آلمان بانی ورکبوند هرمان موتسیوس، نقد تقلیدهای رایج از کارهای دستی در صنایع ← پایه گذاری ورکبوند ← مرکب از صاحبان صنایع، هنرمندان، معماران و نویسندگان هدف: اعتلای کیفیت فرآورده های صنعتی بود. هانری وان ده ولد، پیتر بهرنس، والتر گرو پیوس، میس وندرو در آن شرکت داشتند.
پیتر بهرنس ← شرکت آ.ا.گ. ↓ سه معمار در دفتر او کار کردند: گرو پیوس، میس وندرو، لکوربوزیه

برجسته ترین اقدام ورکبوند: برگزاری نمایشگاه در ۱۹۱۴ در شهر کلن بود. ← کوی وایسنهوف ۱۹۲۷ در اشتوتگارت نتیجه همکاری معماران و طراحان صنعتی در آلمان. همچنین میس وندرو از طرف ورکبوند برای طراحی غرفه آلمان در نمایشگاه ۱۹۲۹

بارسلون اسپانیا انتخاب شد.

که واقعاً هست.

آرنوو: لغت فرانسوی آر نوو ← هنرنو ← در بلژیک و اروپا. قهرمان این نهضت: هانری وان ده ولد

والتر گوریپوس: در سال ۱۹۰۷ در دفتر بهرنس کار می کرد. شف آتلیه مهمترین اثر آغازین او ← کارخانه کشش فاگوس ۱۹۱۸ سرپرست مدرسه هنری ← تبدیل به مدرسه باهاوس دروایمار طراحی ساختمان مدرسه باهاوس در سال ۱۹۲۶

ویکتور اورتا: مشخصه کارهایش: طرح های منهی وارو درهم رونده ای که به صورت گیاهان خزنده در هم پیچ و تاب می خورد. ↓ طراحی نرده ، سرستون شبکه جلو پنجره **ویوله لودوک:** معمار و نظریه پرداز فرانسه: کتاب مشهور: رسالاتی در باب معماری ← صداقت در معماری - برنامه ها و نیازهای ساختمان - فن ساختمان تبلیغ کردن استفاده ای آهن.

کوبیسم: ← پل سزان ↓ تمام فرم های طبیعت به استوانه و کره و مخروط قابل تجزیه اند. ↓ براک و پیکاسو ↔ لکوروبوزیه کوبیسم در معماری بیشتر مصداق داشت تا در نقاشی چون معماری بعد زمان را هم دارد. ↓ شکستن عملکردها در احجام مختلف ↓ پیروی فرم از عملکرد.

اتو وگنر: و مکتب معماری وین "هنرمند باید آنچه را عموم باید دوست داشته باشند بیافریند نه آنچه را ایشان دوست دارند." توجه به نقش آوانگارد تاثیر اندیشه های سوسیالیستی اثر برجسته او: بانک وین ۱۹۰۵ مسئله مهم در فضای داخلی: استفاده از آهن و شیشه به حداقل رساندن ستونها

فوتوریسم: پویایی، حرکت، سرعت و بررسی تاثیر زمان در حجم و فضا پدیده های علم و صنعت از آهن و شیشه و سیمان تا کارخانه برق و اتومبیل انگیزه حرکت فوتوریست ها بود. "ما اعلام می کنیم که عظمت و جلال دنیا با زیبایی تازه ای غنا یافته است؛ این زیبایی تازه را سرعت پدید آورده است." معمار معروف: آنتونیو سانت الیا ← خانه گرادنیاتا، 1914 مجسمه ساز: اومبرتو بوچونی ← بطری در فضا می شکند ۱۲-۱۹۱۱

آدولف لوس: مخالفت شدید با تزینیات "تزین جنایت است" ← مقاله: تزین و جنایت در ۱۹۰۸ لوس معتقد است معماری فقط در دو مورد می تواند به هنر نزدیک شود: طرح مقبره ها و طرح بناهای یاد بود. در موارد دیگر چون معماری باید به عملکرد و مقصودی پاسخ دهد در مرحله هنر قرار نمی گیرد. دو ویژگی آثار لوس: - اجتناب از طرح های معمول زمانه - عریان ساختن معماری چنان

کنستروکتیویسم: از روسیه شوروی آغاز شد. زاده انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه بود. کنستروکتیویسم: یعنی سازندگی دو منظور: - هنر ناشی از الهام درونی نیست بلکه باید آگاهانه بوجود آید. - تقلید از طبیعت به هیچ

صورت پذیرفته نیست معمار معروف: تاتلیت
← بنای یاد بود انترناسیونال سوم در ۲۰-
۱۹۱۹ کازیمیر ماله ویچ ← ماکت معمار
ساخت: آرشیتکتونن
ویژگی: ترکیب حجم ها و فضاها بدین صورت
و با مواد مختلف.

دستیل: در سال ۱۹۱۷ شکل گرفت پایه گذار
تئووان دویسبرگ موندریان تاکید بر انتزاع
خالص در معماری خانه ریتوله، شرودر ،

آموزش معماری:

به طور کلی در گذشته، سیستم آموزشی، سیستم استاد و شاگردی بود. یعنی یک استاد بعد از چندین سال تجربه می توانست تجربه خود را به دیگری منتقل کند. در معماری نیز چنین بود. یک کارگر بعد از ۳۰ تا ۴۰ سال به مقام معمار می رسید و او نیز می توانست معماران دیگری را تربیت کند. به همین ترتیب معمار تربیت می شد. معماری علمی است که چندین جنبه در آن دخیل است، از بحث روانشناسی تا بحث اجرایی و ایستایی و غیره ...، کسی معمار می شد که دایره اطلاعات بسیار وسیعی داشت. این روند ادامه داشت تا دوران مدرنیته. در این دوران چون سیستم زندگی متحول شد و در بحث صنعت و تکنولوژی پیشرفت های زیاد حاصل شد و نوع زندگی اساساً تغییر کرد و مقوله سرعت نکته مهمی در زندگی مردم شد، به طبع در همه رشته ها تاثیر گذاشت. یعنی نیاز به ساخت و ساز زیاد شد و تعداد معماران سنتی کافی نبود و مجبور شدند سیستم آموزش را به صورت مدرن مطرح کردند. این یعنی کلاس آموزشی داشته باشند و یک استاد به چندین نفر آموزش بدهد و سیستم استاد و شاگردی که وجود داشت، متحول شد. روابط در آموزش سنتی مرید و مرادی بود. و شاگرد حق چون و چرا کردن نداشت.

در تصوف هم این بحث به صورت جدی مطرح بود، که شاگرد حق چون و چرا کردن درباره ی استاد را ندارد و استاد اگر گفت بمیر، باید بمیرد. به عنوان نمونه می توان به داستان ابوسعید ابوالخیر اشاره نمود. وی از شاعران نامی ایران بود و دو شاگرد داشت به نام های

احمد که و احمد مه. احمد که کوچکتر بود و احمد مه بزرگتر. ابوسعید احمد که را دوست تر می داشت. روزی عده ای از شاگردان او اعتراض کردند که چرا به احمد که توجه بیشتری دارد؟ استاد می گوید: می خواهید بدانید چرا؟ احمد مه را صدا می زند و می گوید این شتر را بر کمر بگیر و از پله ها بر بام رو. احمد بزرگ می گوید: حضرت استاد، این چه فرمایشی است شما می کنید، من پیرم، نمی توانم. در ضمن اگر این را بردارم و ببرم بالا، پله ها فرو می ریزد. استاد می گوید بسیار خوب. سپس استاد احمد که را صدا می زند و این دستور را به او می دهد و او بلافاصله می رود زیر شتر تا آن را بلند کند. استاد مانع او می شود و به سایر شاگردان می گوید: احمد که به من اعتقاد دارد و بی چون چرا دستورات مرا می پذیرد.

این مثال، در واقع نگاه سنتی به مقوله آموزش و رابطه استاد و شاگردی را به خوبی بیان می کند.

پس از مدرنیته بحث پرسشگری به وجود آمد و مقرر شد که ما هر چیزی را بدون چون چرا نمی پذیریم. این امر باعث شد در سیستم آموزش، استاد مقام ولایت خود را از دست داد و از مقام عالیقدری که صادرکننده رای بود، پایین آمد و تبدیل به فردی شد که کمی از دانشجویان بیشتر می داند و قصد انتقال دانش خود را دارد. این نوعی جهش است. اما چرا آموزش معماری مهم است؟ چون ابتدا معماری مدرن و تحولات صنعتی از طرف مردم با عدم استقبال مواجه شد، زیرا همیشه انسان های سنتی در مقابل تحول و نو

شدن مقاومت می کنند و انسانهای آوانگارد معمولا استقبال می کنند از تغییر و تحول، به همین دلیل آدمهای پیشرو تصمیم گرفتند با یکدیگر جمع شوند و یک مدرسه معماری را تاسیس کنند تا بتوانند در جامعه تاثیر بیشتری بگذارند. در واقع یکی از مسائلی که باعث شد آموزش معماری جدی تر شود این بود که مکانهایی برای آنها وجود داشته باشد برای هم فکری. در این مورد اکثر معماران مدرن علاوه بر حرفه معماری با مقوله آموزش معماری درگیر بودند.

به عنوان نمونه فرانک لوید رایت مدرسه شخصی داشت در آمریکا که به آموزش معماری می پرداخت. دفتر لوکوربوزیه در خیابان سور پاریس، در واقع مدرسه کوچکی بود. چون معماران بسیاری را در این دفتر آموزش داد و حوزه فعالیت شاگردان او از برزیل تا ژاپن بود.

والتر گروپیرس، اولین رئیس مدرسه باوهاوس بود و بعد از تعطیلی باوهاوس، به آمریکا رفت و مدرسه معماری هاروارد را پایه گذاری کرد. میس وند روهه، بعد از والتر گروپوس و هانس مایر، سومین رئیس مدرسه باوهاوس بود و بعد از تعطیلی آن به آمریکا رفت و نخستین مدرسه معماری را در دانشگاه MIT پایه گذاری کرد و به این ترتیب یکی از دغدغه های معماران حرفه ای مساله آموزش بود.

دو مدرسه نقش مهمی در شکلی گیری و توسعه معماری مدرن داشتند. ۱- مدرسه عالی ملی هنرهای زیبا (به تلخیص "بوزار" گفته می شود) (فرانسوی) به انگلیسی Beauty Art گفته می شود. ۲- خانه ساختمان در آلمان

(باوهاوس لغتی آلمانی است که ترجمه انگلیسی آن "خانه ساختمان" است). این دو مدرسه از نظر فلسفه معماری و روش تدریس در مقابل هم اند:

مدرسه بوزار:

مدرسه بوزار در سال ۱۶۴۸ توسط شارل لوبرول، نقاش دربار لویی چهاردهم، به صورت آکادمی نقاشی و مجسمه سازی تاسیس شده و در سال ۱۷۹۵ به آکادمی هنرهای زیبا (بوزار) تبدیل شد، که در آن مرحله، رشته معماری به نقاشی و مجسمه سازی اضافه شد. جهت تدریسی دروس نظری کلاس داشتند و برای دروس عملی آتلیه. کار آتلیه آنها متفاوت بود از آنچه ما امروز داریم. سیستم آنها به این صورت بود که معماران بسیار برجسته ای در مدرسه تدریس می کردند و هر معمار یک آتلیه داشت و در آن آتلیه از دانشجوی سال اول آموزش می دید تا دانشجوی سال آخر. یعنی دانشجوی می توانست از قدم اول تا قدم آخر زیر نظر یک استاد درس خود را تمام کند. الگوی تاسیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، مدرسه بوزار بود، که بعد از انقلاب ۱۳۵۷ این سیستم از بین رفت. ورود به مدرسه بوزار ساده نبود. خیلی ها امتحان می دادند و پذیرفته نمی شدند. نوابغ نقاشی مانند: مانه، مونه، ادوارد دگا، هنری ماتیس، نقاشانی بودند که از بوزار فارق التحصیل شدند.

مهم ترین ویژگی بوزار:

کمپوزسیون یا ترکیب بندی اصل و اساس بود در آموزش معماری مدرسه بوزار. تاکید اصلی بر طراحی معماری بود و در طراحی معماری

ترکیب بندی بسیار اهمیت داشت. دروس نظری را به صورت جدی دنبال نمی کردند، در سال اول دروس نظری به دانشجو تدریس می شد و بعد تبدیل به دروس عملی و آتلیه می شد. از نظر سلسله مراتب تدریس:

مرحله اول: دوره مقدماتی و پنج نظم کلاسیک معماری را در این دوره آموزش می داند. پنج نظم معماری کلاسیک عبارتند از: ۱- دوریک ۲- یونیک ۳- کرتین ۴- ترکیبی (کامپوزیت) ۵- توسکانی

مرحله دوم: به دو دوره ی دروه اول و دوره دوم تقسیم می شد:

در سال اول دوره اول، دروس نظری ارائه می شد و در سال دوم دروس عملی بود تا آخر. دوره دوم ۳-۵ سال طول می کشید و تماما دروس عملی بود اصل و اساس بر تقارن، ترکیب بندی و تناسب بود (بیشتر به این اصول توجه می شد تا به عملکرد پروژه ها) کارهای عملی سه بخش داشت:

۱. پروژه ۲. دکور ۳. اسکیس
پروژه: دو ماه یک موضوع را مطرح می کردند و مشابه سیستم امروز طراحی و کرکسیون می شد.

دکور: شامل طراحی داخلی و طراحی صنعتی بود. از طراحی یک خمیر دندان تا محل زندگی یک دانشجو. طراحی داخلی با جزئیات مد نظر بود. از طراحی دیوار، صندلی، گلدان تا لوگو یا جعبه ی خمیردندان و ... در دکور مطرح می شد.

اسکیس: اسکیس ها کرکسیون نداشت و ۱۲ ساعت زمان می دادند تا دانشجویان اسکیس بزنند و در این بخش راندو و گرافیک بسیار مهم بود.

روش کار مدرسه بوزار روش پارتی بود. (از یک لکه گرافیکی به یک شکل می رسیدند) یک شکل کلی طرح می کردند که گرافیک خوبی داشت بعد فضاها را در آن حل می کردند. این روش را روش پارتی می گویند. به این روش نقدهای زیادی شده است، زیرا عملکرد در آن بطور جدی مطرح نمی شود. در اسکیس کروکی و ترسیم دست آزاد بسیار اهمیت داشت.

روش ژورژمان یا قضاوت در بوزار حالت بینابین نداشت. پروژه یا قبول می شد یا رد. بر اساس نمره نبود (مانسیون یعنی قبول و رد هم که مردود بود) هر دانشجو باید ۷-۸ مانسیون می داشت تا فارغ التحصیل شود.

دیگر اینکه شیت ها در قطع بزرگ کار می شد، مثلا ۲×۵ مترمربع قطع آن بود و دانشجویان می توانستند شب در دانشگاه بمانند و بخش عمده آموزش از همراهی دانشجویان سال بالایی با دانشجویان سال پایینی صورت می گرفت. واژه شارت (به فرانسه یعنی گاری)، یعنی فوریت کار چنان است که حتی روی گاری هایی که کار را از خانه به دانشکده حمل می کرد، هم بر شیت ها کار می کردند.

با پدید آمدن انقلاب صنعتی اساتید مدرسه بوزار در مقابل جریان مدرنیته مقاومت کردند و موافق نبودند با این تحولات، در نتیجه در جریان معماری مدرن مدرسه بوزار افت کرد. زیرا همچنان بر ۵ نظم کلاسیک تاکید می کردند. در سال های ۱۹۵۰ توسط لویی کان و رابرت ونتوری، دو معمار برجسته اواخر دوران مدرن، تحول ساختاری در این مدرسه بوجود آوردند.

آقای هوشنگ سیحون از بوزار فرانسه فارغ

التحصیل شده اند.

گرافیک. قبل از اینکه وارد معماری شوند با

تمام صنایع آشنا می شدند و از نظر عملی

بسیار مهارت پیدا می کردند. دروس نظری که

تدریس می شد هم دروسی بود که در کار

عملی کارایی داشت. مثلاً روش عقد قرارداد،

حسابداری و ...، یعنی تئوری آموزش داده می

شد که در خدمت عمل باشد. در سیستم

آموزش آلمان امتحان نداشتند و همه به ترم

بعد راه می یافتند و به نوعی رقابت حذف می

شد. همه پروژه ها در پایان پذیرفته می شد.

سال ۱۹۲۸ گروپیوس کناره گیری کرد و

هانس مایر معمار و شهرساز سوسیالیست

رئیس مدرسه باوهاوس شد. دولت هیتلر دل

خوشی از این مدرسه نداشت به دلیل اینکه

اکثر استاتیدش گرایش سوسیالیستی

داشتند. دلیل دیگر نوگرایی و آزادی خواهی

آنان بود. ۲ سال هانس مایر ریاست را برعهده

داشت، سپس کناره گیری کرد. در زمان

ریاست او دوره شهر سازی در مدرسه

باوهاوس تاسیس شد. سال ۱۹۳۰ میس وندرو

رئیس باوهاوس شد، اما به دلیل درگیری با

دولت نازی داوام نیاورد. ۱۹۳۳ مدرسه تعطیل

شد و ۶ ماه میس وندرو در برلین به حیات

مدرسه ادامه داد و بعد از آن به کلی تعطیل

شد و اکثر اساتید باوهاوس به صورت دست

جمعی به آمریکا مهاجرت کردند. این مهاجرت

باعث تحول اساسی در هنر و معماری آمریکا

شد. میس وندرو در آمریکا، مدرسه معماری

دانشگاه MIT را تاسیس کرد و والتر

گروپیوس مدرسه معماری هاروارد را تاسیس

کرد. موهولی ناگی، که نقاش و مدرس باوهاوس

بود، در شیکاگو، نیو باوهاوس را تاسیس کرد.

یکی از نکات مهم مدرسه باوهاوس همگام

مدرسه باوهاوس:

از ترکیب ۲ مدرسه در اوایل قرن ۲۰ به وجود

آمد، یکی دانشکده هنرهای زیبای ساکسن و

مدرسه هنرهای کاربردی ساکسن. هانری وان

ده ولد ۱۹۱۵-۱۹۰۶ ریاست مدرسه را

برعهده داشت، والتر گروپیوس بعد رئیس آن

شد.

فلسفه مدرسه باوهاوس آشتی هنر و صنعت

بود. می خواستند پیشرفت های صنعتی را در

زمینه هنر استفاده کنند. والتر گروپیوس می

گوید: من می خواهم مرد عمل تربیت کنم نه

مرد کتاب. هدفش "تربیت نوعی درودگر -

معمار" بود. در واقع مسیر خود را از مدرسه

بوزار کاملاً جدا کرد.

تا ۱۹۲۲ تدریس معماری آغاز نشد، زیرا

والتر گروپیوس معتقد بود هنوز دانشجویان

آماده نشدند. برای کار عملی در این ۳ سال

فقط از نظر تئوری دانشجویان را آماده می

کردند. اصل در مدرسه باوهاوس بر ساختن

بود نه بر طراحی کردن. مدرس اصلی در

دروس مقدمات، یوهانس ایتن بود. اصول اولیه

هنرهای تجسمی را ایتن به دانشجویان تدریس

می کرد. ایتن شخصیت عجیبی داشت و بسیار

منظم بود. معتقد بود تمام دانشجویان باید

لباس فرم بپوشند و بسیار سختگیر بود در

اواخر عمر علاقمند شد به دین زرتشتی و به

بودا هم بسیار علاقه داشت و بسیاری از تعالیم

بودا را در مدرسه به دانشجویان آموزش می

داد. کارگاه های کارآموزی دانشجویان شامل:

نجاری و مبل سازی، فلز کاری، سنگ تراشی،

گچ کاری و سرامیک، نقاشی، مجسمه سازی و

شدن با روح زمانه است. یعنی هنر برای معماری امروز باید به زبان خودش سخن بگوید و دیگر فرم های گذشته تکرار نشود. لذا با نظرات و تئوری های جدید مخالفت نمی کردند.

کتاب اتین با عنوان "طرح و شکل" به فارسی هم ترجمه شده است.

طرح ساختمان مدرسه باوهاوس ۱۹۲۶ توسط والتر گروپیوس ارائه شد. باوهاوس ابتدا در وایمار بود، بعد از ۷ سال به دسائ آمد. بازتاب شعار "فرم از عملکرد پیروی می کند"، وجود احجام خالص و حذف تزئینات در ساختمان باوهاوس مشهود است.

مدرسه معماری اروین س. چنن

(کوپر یونیون):

این مدرسه در سال ۱۸۹۵ تاسیس شد. آقای پیتر کوپر بنیان گذار آن بود که از نوابغ و دانشمندان آن زمان بود. او بسیار فقیر و درمانده بود. مجبور بود شبها تا صبح درس بخواند و تمام روز را کار کند. بسیار سخت درس می خواند. او پس از اتمام درس به کشفیاتی دست زد و اوضاع مالی اش بهتر شد. پس از آن تصمیم گرفت مدرسه ای را تاسیس کند که در آن نوابغی که اوضاع مالی خوبی ندارند، درس بخوانند. دانشگاه علوم و هنر کوپر را تاسیس کرد. معماران برجسته ای مثل دانیل لیبسکیند، شیگرو بان و الیزابت دیلر از این مدرسه فارغ التحصیل شده اند. رشته معماری آن ۵ ساله و فقط لیسانس است و فوق لیسانس و دکترا ندارد. آزمون ورودی آن بسیار سخت است و تمام مراحل تحصیل آن

رایگان است. در کنکور ورودی تست هوش و خلاقیت از دانشجو می گیرند.

در این مدرسه ۳ سال درس می خوانند ۱ سال کار عملی می کنند و ۱ سال دوباره بر می گردند و ادامه تحصیل می دادند. مدرک مدرسه کوپر یونین اولین مدرکی بود که توسط انجمن معماری امریکا تایید شد و مدرک آن بسیار معتبر است.

اساس آموزش در این مدرسه بر مسائل فلسفی و نظری معماری بود بر خلاف دو مدرسه قبلی (بوزار و باوهاوس) تاکید بر مسائل نظری و فلسفی در معماری است. جان هیدک (۱۰ سال تدریس می کرد بعد، رئیس این مدرسه شد تا سال ۲۰۰۱ که درگذشت) بحثی را مطرح کرد تحت عنوان "معماری معماری" یعنی دو مقوله داریم، یکی رشته معماری و یکی حرفه معماری. رشته معماری یک علم است و مانند سایر علوم باید تئوری پردازی شود و فلسفه آن مطرح شود تا بتواند پیشرفت کند. اما حرفه معماری چیزی است که منجر به ساخت و ساز می شود. هیدک می گوید: "حرفه چیز است که می آموزیم و از طریق تکرار و بدون دخالت فکر بدست می آید." در واقع این مدرسه می خواست دانشجویی تربیت کند که دغدغه اش علم معماری باشد و در راستای پیشرفت آن علم باشد. شاگرد برجسته این مدرسه دانیل لیبسکیند بود که بعد از فارغ التحصیلی، حدود ۱۵ سال کار تئوری کرد و پروژه های مطالعاتی انجام داد. شیگرو بان بحث معماری کاغذی را مطرح کرد. از دل مدرسه کوپر یونین این بحث پدید آمد و او موفق شد لوله های کاغذی را تولید کند که بتوانند نقش اسکلت یا دیوار را داشته باشند.

"رشته چیز نیست که مطالعه می کنیم و امری است برای رشد و دریافت شخصی مانند تمام روشنفکران دیگر."

مدرسه AA لندن:

این موسسه معماری در قرن ۱۹ تأسیس شد و اولین مدرسه معماری خصوصی انگلستان است. این مدرسه رویکردی مشابه مدرسه کوپر یونین دارد و دغدغه مسائل تئوری را داراست. ولی علاوه بر مسائل تئوری بر مسائل تکنولوژی و فنی هم بسیار تأکید می شود. ریچارد راجرز و نیکلاس گریم شاو از معماران شاخص معماری هایتک دنیا، از این مدرسه فارغ التحصیل شده اند. (AASchool.org). این مدرسه بسیار کامل است هم دانشجویان از نظر تئوری و هم از نظر تکنولوژی، بسیار خوب تربیت می کند. برای مطالعه ی کامل تر، لطفا متن سخنرانی محسن مصطفوی را در مجله معمار شماره ۲۵ و صفحه ۲۵ مطالعه نمایید. محسن مصطفوی چندین سال رئیس مدرسه AA بود.

مقاله ی "حرفی از جنس زمان، نگاهی نوبه شیوه های آموزش معماری ایران" نوشته دکتر عیسی حجت، که در فصلنامه هنرهای زیبا شماره ۱۲، زمستان ۱۳۸۱، ص. ۵۰ منتشر شده است، جهت مطالعه توصیه می شود.

فرانک لوید رایت:

متولد ۱۸۶۷ آمریکا ۱۸۸۷، در شیکاگو شروع به کار کرد. در کارگاه لویی سالیوان (استاد محبوب) و دنکمار آدلر (کهن سرور بزرگ) کار کرد.

معماری ارگانیک: معماری که مانند سنگ و درخت و گیاه و گل از درون طبیعت می شکفت.

- توجه به ویژگی تندیس گونه ساختمان -

استفاده از مصالح طبیعی در کنار بتن.

ویژگی: ترجمه گرایش های قرن نوزدهم به زبان مدرن اوایل قرن بیستم - استفاده از پلان های صلیبی - قرارگیری بخاری - شومینه - در مرکز خانه

فیلیپ جانسون: رایت بزرگترین معمار قرن نوزدهم است!

لوکوربوزیه:

روح ناآرام (به تعبیر منوچهر مزینی) شارل ادوار ژانره ← ۱۸۸۷ تولد در سوئیس. پدر: ساعات ساز ← ابتدا آموزش ساعت سازی دید (ساعت خودش) در ۱۳ سالگی به مدرسه صنعتی رفت ← توسط معلمش با هنر آشنا شد. ۱۰ - ۱۹۰۹ در آتلیه آگوست پره کار کرد ← آموزش خواص بتن مسلح. مدت کوتاهی در آتلیه پیتر بهرنس کار کرد.

سپس به مسافرت پند آموز رفت ← بالکان، آسیای صغیر، یونان، روم و پاریس. دیداری از منابع فرهنگ مغرب زمین. ۱۹۱۷ به پاریس بازگشت ← نقاشی در صبح و معماری در عصر. در نقاشی دائم در تحقیق بود ← اساس کارش تصور فضائی (گیدیون، ص ۴۲۵)

لوکوربوزیه چنین می نویسد: "سنگ را به کار می برید از چوب و بتن استفاده می کنید و از

این مصالح خانه ها و کاخها می سازید ..."

(مزینی، ص ۷۶، از زمان و معماری)

دو ویژگی لوکوربوزیه: منطق گرا و شاعر

"خانه، ماشینی برای زیستن" ← تأکید بر

عملکرد و سودمندی ← منطق گرایی

"معماری بازی احجام در زیر نور" ←

شاعرانه ← تندیس گونه

خانه دم اینو ۱۹۱۵ ← : سقف - کف - پله

← دگرگونی در مفهوم معماری - قابلیت

تکثیر خانه سیتروئن ۱۹۲۰ ← استفاده از

اصول خانه دم اینو (پلان آزاد) برای کارگران

+ حیاط در بام + پیلوتی ویلا ساووا: ۳۰ -

۱۹۲۸ ← جعبه، مکعب برای یک خانواده

بورژوا ← هم منطقی و هم شاعرانه - پیلوتی

نماد معماری مدرن (فضا - زمان) - حیاط در

بام - پنج اصل لوکوربوزیه - پله آزاد - گرایش

تندیسگرانه در ویلا ساووا ← پله - سطح شیب

دار

پنج اصل لوکوربوزیه: ۱ - پیلوتی ۲ - بام، باغچه

۳ - پلان آزاد ۴ - نمای آزاد ۵ - پنجره های

طولی

از 1922 تقریباً در اکثر آثار از این اصول

پیروی می کرد. توجه به معماری خانه - به

خانه آزادی بیشتر دهد. - فضای داخل را به

خارج متصل کند. - فضای داخل را بتوان

بصورت دلخواه تغییر داد. (انعطاف پذیری)

آپارتمان های مسکونی ماری: ۵۲ - ۱۹۴۷

برای ۱۶۰۰ نفر طراحی شده است. ، ۳۳۷

آپارتمان دارد. ۲۳ نوع آپارتمان دارد. از

آپارتمان یک اتاقه تا آپارتمان برای زندگی

۱۰ نفر (پدر، مادر، ۸ فرزند) ویژگی های اصلی

این مجموعه: ۱ - پنج اصل کوربوزیه ۲ - تأکید

بر زندگی جمعی ← فضای تالار اجتماعات در

وسط حجم. ۳- وجود فروشگاهها در دو طبقه (میانی): خواربار فروشی، سبزی فروشی، قصابی، لباس شوئی، سلمانی، آرایشگاه خانمها، روزنامه فروشی، دفتر پست، رستوران و یک هتل کوچک. در تراس بام: فضاهایی برای استراحت، واستخر کم عمقی برای بازی کودکان در بام، یک قسمت سرپوشیده در بام وجود دارد برای ورزش و امور اجتماعی والدین. استفاده از بتن مسلح - بجا گذاشتن خطوط قالب ها و میخ های آنها - استفاده از رنگ های متنوع در جدارۀ تراس ها : قرمز، سبز، زرد. او در اواخر عمر اصول خودش را نقد کرد. لوکوربوزیه ۵ اصل خود را در ۱۹۲۳ اعلام کرد و ۱۹۵۵ اصول خود را نقد نمود. در آخرین کنگره سیام گفته است: "آقایان دوستان به تغییر زمان توجه کنید."

نمازخانه روشن یا کلیسای روشن:

از شاهکارهای لوکوربوزیه در کشور فرانسه در مرز بین فرانسه و سویس در دهکده ای به نام نوتردام قرار گرفته. این نمازخانه را بدون توجه به ۵ اصل خود طراحی کرد و دارای استراکچر فلزی است و قطر دیوارها در بعضی جاها به یک متر هم می رسد. به خاطر به وجود آمدن کیفیتی از نور باعث شده تا حالتی خاص در فضای داخلی به وجود آورد. دارای دو برج ناقوس است که با الهام از برج های ناقوس کلیساها ساخته شده، که در خلاف با مدرنیته است. زیرا در معمارهای مدرن استفاده از المانهای تاریخی گذشته ممنوع بود. لوکوربوزیه در نقاشی سبکی به نام پیوریسم یا ساده گرایی، خلوص گرایی داشت. عدم نظم پنجره ها در نما باعث شده که فضای روحانی در داخل ایجاد گردد. قطر زیاد دیوارها باعث شده نور با یک

زاویه خاص به داخل بتابد و فضای داخل کلیسا را پر رمز و راز می کند. چارلز جنکز معتقد بود ۲ اثر، شاخص ترین آثار معماری قرن ۲۰ هستند: ۱. کلیسای روشن (لوکوربوزیه) ۲- موزه گرگنهایم بیلباتو (فرانک گری) در این کلیسا، دیوارها به سقف متصل نیستند و حدود ۱۰ سانتیمتر با هم فاصله دارند. با این کار او توانست به نوعی معلق بودن سقف را به نمایش بگذارد. کلیسای روشن خاتمه ی معماری مدرن است. هیلبر زایمر ← روشن عدول لوکوربوزیه از اصول پیشنهادی خود است. گرایش تندیس گرایانه در روشن مشهود است. گرایش سازه گرایی ← کاخ شوراها، اتحاد جماهیر شوروی سه ویژگی برجسته کوربوزیه: تندسیگرایی، سازه گرایی و پروتالیسم (توجه به ماهیت مصالح)

میس وندررو

در ۲۷ مارس ۱۸۸۶ در آخن آلمان متولد شد، از ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۳ بعنوان طراح تزئینات دیوارهای گچی در دفاتر محلی آخن مشغول به کار شد، از ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ دستیار و شاگرد برونو هل، طراح مبلمان بود در هیمن سالها بود که در دانشگاه هنر مونیخ تحصیل کرد. وی در فاصله سالهای ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۱ در دفتر پیتربهرنس همکار طراحی بود. در سال ۱۹۱۰ نمایشگاه آثار فرانک لوید رایت در برلین برگزار شد و میس در این مورد گفته است: "کارهای رایت در ما معماران جوان انقلابی

درونی بوجود آورد. " از سال ۱۹۱۱ بطور مستقل بکار معماری پرداخت و در سالهای ۱۹۲۱ تا ۲۴ چهار طرح بسیار خوب برای بنا های بلند، ویلا و ادارات ارائه نمود. او بین سالهای ۱۹۲۵ تا ۳۰ علاوه بر یاد بود رزا لوگزامبورگ و کارل لیبیک نشست خانه معروف TUNGENHHAT را طراحی و اجرا نمود. طرح این خانه بر اساس ایده پلان آزاد و فضای سیال بود و فضا ها در آن سمبلی از "فضای آزاد زندگی". وی در ۱۹۲۹ غرفه آلمان را در نمایشگاه بین المللی در بارسلونای اسپانیا ساخت. ورود نازیسم و بدنال آن متهم شدن معماری مدرن به فرهنگ بلشویسم به کارهای دفتری میس در آلمان خاتمه داد، تا اینکه در ۱۹۳۸ به شیکاگو مهاجرت نمود. او تا سال ۱۹۵۸ مدیر دانشکده معماری موسسه آرمور ARMOUR که بعد ها موسسه تکنولوژی ایلی نویز شد، گردید و همزمان دفتر شخصی خود را در شیکاگو اداره می کرد. وی در مدت فعالیت معماریش در شیکاگو پروژه های متفاوتی را طراحی نمود. از آن جمله خانه فارنس ورث FARNSWORTH در پلانو ایلی نویز، بلوکهای آپارتمانی بلند مرتبه در شیکاگو و ساختمان سیگرام SEGRAM در نیویورک سیتی. او در سالهای ۱۹۶۲ تا ۶۷ نشنال گالری جدید برلین را طراحی و اجرا کرد. میس وندررو در ۱۷ آگوست ۱۹۶۹ در سن ۸۴ سالگی درگذشت. در مجموع کار میس وندررو: دقت و ریزبینی آثار بهرنس ← بکار بردن مصالح تأثیر نقشه های آزاد رایت ← لیبر پلان

تأثیر نهضت هنری دستیل بر میس ← ترجمه افکار تتووان دو یسبرگ ← خانه آجری ۱۹۲۳ ← گسترش فرم در فضا کوی وایسنهوف (۱۹۲۷) بیانیه معماری مدرن: میس، گروپیوس، لوکوربوزیه، هانس شارون، پیتر بهرنس، هیلبر زایمر. ساختمان میس از بقیه مفصل تر است) ویژگی ها: سطوح صاف یکپارچه بدون هیچ گونه تزیین، بدون برجستگی یا فرو رفتگی. ویژگی مجموعه: پیوند خوردن پنجره ها - تأکید بر سطوح افقی، حذف بام های شیب دار - پاریون بارسلون (۱۹۲۹): (غرفه آلمان در نمایشگاه جهانی) استفاده از سطوح صاف و مسطح بدون تزیین، ترکیب فضای بیرون و درون، آزادی پلان ← استفاده از آهن و شیشه ← صداقت ← پرهیز از پرده پوشی آسمان خراش شیشه ای ۱۹۲۲ / کراون هال، دانشگاه IIT. ۵۶-۱۹۵۲ / خانه فارنزورث ۱۹۴۵ - ۱۹۵۰ / آپارتمان های لیک شور ۵۰-۱۹۴۸ / برج سیگرام ۵۸ - ۱۹۵۴ آلوار آلتو: آلوار آلتو در سال ۱۸۹۸ به دنیا آمد و ۱۹۷۶ فوت کرد در شهر فنلاند. در جنگ استقلال ۱۹۱۷ فنلاند شرکت کرده، بسیار ناسیونالیست بوده، سال ۱۹۲۱ فارق التحصیل شد و ۱۹۲۳ اولین کار معماری را انجام داد. در ۱۹۳۹ در نمایشگاه بین المللی نیویورک، پاریون فنلاند را طراحی کرد. ۱۹۴۰ در دانشگاه MIT تدریس معماری کرد و ۱۹۶۳ رئیس فرهنگستان فنلاند شد. آلتو متخصص نوآوری و آزادی فرم بود. او از چوب بسیار استفاده می کرد (غرفه فنلاند) از

ویژگی کارهای او اینکه در یک طرف حجم، یک سطح صاف را طراحی می کرد و در طرف دیگر یک سطح منحنی و نامنظم. در واقع در فضای داخلی کیفیت خاصی را به وجود می آورد. از دیگر پروژه های معروف آلتو خوابگاه دانشجویان MIT است. آلتو به آمریکا رفت و در دانشگاه MIT تدریس کرد و این پروژه (خوابگاه) را طراحی کرد. سایت این خوابگاه در کنار رودخانه قرار دارد، به خاطر استفاده تمام اتاق ها از منظره رودخانه فرم را به شکل مارپیچ طراحی کرد. با مصالح آجر. از نظر سازماندهی فرم بسیار شاخص است. از دیگر کارهای آلتو تالار شهر فنلاند است. برخلاف معماران مدرنیستی که به تزئینات خیلی معتقد نبودند، آلتو ستونها را با الیاف چوب تزئین می کرد. آلتو به نوعی پیرو سنت فرانک لوید رایت است که در دوره دوم کارهایش خیلی پایبند به اصول معماری مدرن نبود (استفاده از آجر و تزئین)

فیلیپ جانسون:

او در تاریخ معماری معاصر به چند دلیل بسیار شاخص است:

۱- حدود یکصد سال عمر کرد و توانست از ابتدای نهضت مدرن تا اولین سال قرن ۲۱ حضور داشته باشد و تقریباً در طول قرن ۲۰ زندگی کرد و حضور فعال در تمام سبک های معماری داشت. ابتدا با سبک معماری مدرن شروع کرد. شاگرد میس وندررو بود (در طراحی برج سیگرام با میس همکاری داشت) خانه شیشه ای ۵۱-۱۹۴۹ را طراحی کرد، به تعبیری شاخصی برای معماری مدرن بود. بعد از شکل گیری جنبش پست مدرن، فلیپ

جانسون با آن همگام می شود و معماری مدرن را نقد می کند و به یکی از پست مدرنیست های شاخص تبدیل می شود. پروژه مرکز پست و تلگراف و تلفن آمریکا، این پروژه نیز شاخصی برای معماری پست مدرن است. سپس فلیپ جانسون همگام می شود با جنبش دیکانستراکتیویست ها و معمارانی که گرایش به سمت فولدینگ داشتند و با فرانک گری چند پروژه مشترک انجام داد و سال ۲۰۰۱ فوت کرد.

۲- سالها رئیس موزه هنر مدرن نیویورک بود (MOMA) که از معتبرترین موزه های هنر مدرن دنیا است و نقش بسیار مهمی در شناخت و معرفی نواوغ هنری دنیا داشت. در مدتی که او رئیس این موزه بود، ساختمان این موزه را طراحی کرد و به علاوه سفر می کرد به کشورهای مختلف دنیا و استعدادهای هنری را شناسایی می کرد و در موزه هنر مدرن برای آنها نمایشگاه می گذاشت و آنها را به سطح جهانی معرفی می کرد.

Glass House یک مکعب خالص و

شیشه ای است که تحت تاثیر اندیشه های میس وندررو است (میس وندررو، استاد ترکیب آهن و شیشه بود و بسیار علاقه مند بود که عناصر معماری را به حداقل برساند و نوعی مینی مالیسم را در معماری پدید آورد). ۸ ستون فلزی دارد. بجز استوانه آجری که سرویس بهداشتی و دودکش در آن قرار دارد، سایر قسمت ها بدون دیوار است. در این پروژه مرز بین بیرون و درون از بین می رود. البته به وسیله یک سری پرده، امکان محدود کردن فضاها وجود دارد. خانه شیشه ای ویلای شخصی فلیپ جانسون بود. فضای داخلی آن

دارای سطوح پارتیشن مانند چوبی است که خواب را از نشیمن جدا می سازد. مبلمان آن هم طراحی میس وندررو است. برج سیگرام: اهدای یک بخش از سایت به شهر از ویژگیهای این برج است. رستوران آن در طبقه هم کف قرار دارد و طراحی داخلی آن تماماً توسط فیلیپ جانسون انجام شد. در این پروژه فیلیپ جانسون با میس وندررو همکاری داشت.

کنگرهای معماری مدرن:

برای حمایت از حرفه معماری تشکیل نشد، هدف از این کنگره متحد ساختن معماران مدرن و رساندن صدای آنها به گوش جهانیان بود. در سال ۱۹۲۸ مسابقه معماری برگزار شد برای ساختمان سازمان بین الملل در ژنو که لوکوربوزیه نیز طرحی ارائه کرد ولی چون داوران این مسابقه اکثراً از اساتید مدرسه بوزار بودند و موافق جریان معماری مدرن و لوکوربوزیه نبودند، کار او را رد نموده و اثری که به سبک بوزار طراحی شده بود را برنده اعلام کردند. در این راستا لوکوربوزیه و دوستانش تلاش کردند به همراه مادام آلن دوماندرو، اولین کنگره معماری مدرن را در سال ۱۹۲۸ در ژنو برگزار کردند، که در این کنگره معماران مدرن راجع به اهداف خود صحبت کردند. در سال ۱۹۲۹ کنگره دوم با موضوع خانه های ارزان قیمت برگزار شد. اندیشه های سوسیالیستی در میان معماران مدرن رواج داشت. معمارانی مانند لوکوربوزیه و آلوار آلتو تحت تاثیر اندیشه های مارکس قرار داشتند و خیلی به افشار محروم جامعه - کارگران و از بین بردن اختلاف طبقاتی - معتقد

بودند به همین دلیل موضوع کنگره دوم خانه های ارزان قیمت شد. یعنی معمار چگونه می تواند پروژه هایی را ارائه دهد که ارزان قیمت باشد و در اختیار عموم قرار گیرد. والتر گروپیوس و آلوار آلتو در کنگره دوم، اولین بار شرکت کردند. کنگره سوم در بلژیک برگزار شد. والتر گروپیوس، لوکوربوزیه، ریچارد نوترا در این کنگره سخنرانی کردند. کنگره چهارم قرار بود در مسکو تشکیل شود، ۱۹۳۳، ولی استالین اجازه نداد. به دلیل حکومت دیکتاتوری او در کشور شوروی، معماران مدرن تصمیم گرفتند که چون در نقطه ای از زمین به آنها اجازه برگزاری این کنگره را ندادند، آن کنگره را بر روی آب برگزار کنند. تصمیم می گیرند، کشتی اجاره کنند. مارسل بروئر از اساتید مدرسه باوهاوس کشتی را اجاره می کند و کنگره چهارم بر روی آب بین بندر ماری و شهر آتن برگزار می شود. نکته مهم این کنگره این بود که طولانی ترین و مهیج ترین کنگره سیام بود. در این کنگره، اساس شهرسازی مدرن در بیانیه پایانی کنگره ریخته شد و این بیانیه تحت عنوان "منشور آتن" ارائه شد. منشور آتن در واقع اصول شهر سازی است که لوکوربوزیه آنها را نوشت. کنگره دهم در سال ۱۹۵۵ - ۱۹۵۶ برگزار شد که گروهی از معماران جوان به نام "تیم تن" یا گروه ۱۰، مسئول برگزاری این کنگره شدند. در این گروه پیتر و الیس اسمیتسون بودند (زن و شوهر) نگاه این گروه انتقادی بود نسبت به معماری مدرن و در همین کنگره دهم به دلیل اینکه معماران جوان مسئول برگزاری آن بودند، بسیاری از معماران مسن شرکت نمی کنند، مانند آلتو، گروپیوس و میس وندررو.

لوکوربوزیه: صحبت می کند که زمانه عوض شده و ما باید دیدگاه خود را تغییر دهیم. در کنگره گروه تیم تن نقدهای اساسی بر معماری مدرن وارد کردند، از جمله نقدی بر سبک بین المللی یعنی همان سبکی که علاقه دارد که یک گونه ی معماری را در جهان تکثیر نماید. یعنی یک سبک بین المللی وجود داشته باشد که مکعب باشد با آهن و بتن یا شیشه و بتوانیم آن را در تمام دنیا تکثیر کنیم. گروه ده این سبک را به دلیل اختلاف اقلیم، عقاید و شرایط مختلف در جهان نقد می کنند. نقدهایی نیز مانند عدم توجه به منابع محیطی و انرژیهای موجود مطرح گردید. یعنی چون تکنولوژی در زمینه ی سرمایش و گرمایش پیشرفت زیادی کرده بود، و سوخت های فسیلی با قیمت ارزان و آسان بدست می آمد، کسی به اتلاف انرژی توجه نمی کرد.

مهم ترین دستاوردهای کنگره های سیام:

- ۱- تقویت اعتقاد اعضای کنگره به اهدافی که داشتند.
- ۲- رسیدن به اهداف مشترک.
- ۳- رسیدن به قوانین ثابت اصول نقشه کشی ثابت در جهان.
- ۴- از کار خود صحبت نمی کردند و به کلیات می پرداختند.
- ۵- به بحث خانه های ارزان قیمت توجه داشتند.
- ۶- به شهر و ابنیه تاریخی توجه کردند. (در منشور آتن اصولی وضع کردند برای نحوه برخورد با ابنیه تاریخی)
- ۷- توجه به رابطه انسان و محیط پیرامون او.

معماری مدرن در ایران:

ایران تا دوران صفویه بر اساس اصول سنتی اداره می شد و ایرانیان از تحولات رخ داده در جهان اطلاع چندانی نداشتند.. در دوره قاجار حضور مستشاران خارجی در ایران زیاد شد و این موضوع سبب توجه و آشنایی با تحولات جهان شد. پادشاه ایران در جنگ چالدران با اسلحه مواجه شد و شکست سختی خورد و در فکر به خدمت گرفتن این تکنولوژی، مستشاران آلمانی به ایران دعوت شدند و اسلحه جنگی خریداری کردند و بدین ترتیب ایران به سمت مدرنیته رفت. در زمان امیر کبیر ایرانیان جهت آشنایی با تحولات جهان تربیت شدند. اولین دوره اعزام دانشجویان برای فراگیری طب و نقاشی بود. کمال الملک در اولین دوره برای یادگیری نقاشی به فرانسه و سپس ایتالیا اعزام شد. در طی سه و چهار دوره دانشجویانی جهت یادگیری دانش های مدرن اعزام شده ،آموزش دیده و اعزام شدند.در دوره ی سوم میرزامهدی خان شقاقی برای تحصیل در رشته معماری به فرانسه اعزام شد

او اولین معمار تحصیل کرده ایرانی بود. پدر او با دربار ناصرالدین شاه در ارتباط بود. او در زمینه راه سازی، مهندسی ساختمان و معماری تحصیل کرده و به ایران بازگشت . پس از بازگشت او به ایران پدرش درگذشت و در نتیجه ارتباط او با دربار شاه قطع شد و دیگر از طرف دربار کاری به او ارجاع نشد. او نیز از بیکاری و بی پولی به کارگری روی آورد و پس از چند سال کارگری، یک روز بصورت اتفاقی وزیر امور خارجه وقت او را دیده و شناخت و سپس او را به ناصرالدین شاه معرفی کرد. پس از این دربار سفارش طراحی سفارت ایران در

استانبول را به او دادند که اجرا شده و چندین سال بعد تخریب شد. سپس مجموعه مسجد و مدرسه سپهسالار تهران در مجاورت میدان بهارستان را طراحی کرد (مدرسه مطهری کنونی) این مدرسه در ادامه معماری سنتی ایران ساخته شد، اما با نوع آوری های جدیدی همراه بود. طراحی ساختمان مجلس شورای ملی در میدان بهارستان که نقش ارزشمندی در تاریخ معاصر ایران دارد، به یک روایت طراحش میرزا مهدی خان شقاقی بوده و به روایت دیگر پیمانکار این پروژه بوده است. در این پروژه از سبک معماری کوشک های باغهای ایرانی و همچنین از سر ستونهای تخت جمشید الهام گرفته شده است. معماری آن از نوع التقاطی است (نئوکلاسیک) نگاه به معماری گذشته و طراحی با استفاده از تکنولوژی روز. این بنا در حدود سال ۱۳۶۹ دچار آتش سوزی شدو حدود سال ۱۳۷۹ بازسازی شد .

آندره گدار:

باستان شناس، تاریخ دان و معمار فرانسوی که سالها در ایران زحمت کشید، او بنیانگذار سازمان میراث فرهنگی ایران و همچنین اولین رئیس دانشکده معماری دانشکده هنرهای زیبا بود. او ذهنیت مسئولین کشور را نسبت به مسائل میراث فرهنگی حساس کرد. موزه ایران باستان که در خیابان ۳۰ تیر واقع است، توسط گدار طراحی شده است. این بنا با الهام از طاق کسری ساخته شده است. ایوان موزه با الهام از طاق کسری ساخته شده است. مقبره حافظ شیرازی هم اثر اوست. او یک دهانه رواق که زمان کریم خان ساخته شده بود را به دو طرف

تکثیر نمود، ستونهای آن از مسجد وکیل شیراز الهام گرفته شده است.

بطور کلی دو جریان در معماری معاصر ایران وجود دارد: ۱- نئوکلاسیک: معماری که از

المانهای تاریخی گذشته استفاده کرد و با استفاده از تکنولوژی روز ساخته شد مانند آندره گدار و نیکلای مارکوف ۲- مدرن:

جریانی که کاملاً همراه با جریان معماری مدرن در دنیا حرکت می نمود و همان جریان را نیز در ایران اجرا نمودند مانند رولان دوبرول و گابریل گورکیان.

ساختمان دانشکده معماری دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران سال ۱۳۱۹، یعنی ۷۰

سال پیش، پایه گذاری شد. هوشنگ سیحون

جزء اولین دانشجویان این دانشکده بود که پس از چند سال تحصیل در این دانشکده، درس را

رها کرده و به مدرسه بوزار فرانسه رفت و در آنجا مشغول به تحصیل شد. دانشکده هنرهای

زیبای دانشگاه تهران بر اساس الگوی مدرسه بوزار فرانسه به وجود آمد و همان سیستم

آموزشی را داشت. طراحی آن به عهده رولاند دوبرول انجام گرفت. اولین رئیس آن آندره

گدار بود و اسایتد آن نیکلای مارکوف، رولاند دوبرول، گابریل گورکیان بودند.

نیکلای مارکوف:

معماری اهل روسیه است که به ایران وارد

شد - خانواده او در قتل عام ترکیه به ایران

مهاجرت کردند. معروفترین کار او دبیرستان

البرز تهران است نام اصلی آن (کالج امریکایی

ها در تهران) بود - الگوی ساخت آن U شکل

بوده و با الهام از بناهای آموزشی اروپا ساخته

شده اما در طراحی آن از المانهای معماری

ایران استفاده شده است. قوس جناغی و فرم ایوانها و پنجره ها همه الهام گرفته از معماری گذشته ایران است. مارکوف نیز از معماران نئوکلاسیک است .

ساختمان پست تهران هم که در مجاور خیابان سپه قبلای و خمینی کنونی واقع شده از کارهای مارکوف است. این ساختمان ۲-۳ سال پیش بازسازی شده و اکنون موزه پست است .

در این پروژه نیز از المانهای معماری ایران

استفاده شده است. مانند طراحی ستون هایی

همند تخت جمشید از جنس که از آجر ساخته شده اند کارخانه قند کرج نیز از دیگر کارهای اوست

کریم طاهر زاده بهزاد:

او جزء اولین دانشجویان اعزامی به آلمان جهت تحصیل در رشته معماری بود. رضا شاه از او

دعوت کرد که به ایران بیاید و به معماری

ایران خدمت کند. او نیز درس دکتر را رها

کرده و به ایران بازگشت. در آلمان اولین کتاب

هنر معاصر ایران را نوشت با عنوان «سرآمدان

هنر». در ایران او دعوت به طراحی آرامگاه

فردوسی شد. او طراحی ارائه می دهد که شبیه

مقبره حافظ بود، سپس آندره گدار طرح مقبره

فردوسی را می کشد که شکل هرمی پله پله ای

را داشت. پس از ساخت از طرف انجمن آثار

ملی مورد اعتراض قرار گرفته و تخریب شد.

پس از آن بار دیگر این کار به کریم طاهر زاده

بهزاد پیشنهاد شد و او نیز طرح کنونی را با

الهام از مقبره کورش هخامنشی به شکل یک

مستطبه طراحی کرد و سپس یک فرم مکعب

شکل برای مقبره در نظر گرفت. از ستونهای

تخت جمشید هم در نما استفاده کرد. کریم

طاهر زاده بهزاد نیز جزء معماران نئوکلاسیک

قرار می گیرد. ابتدا فضای مقبره فضای خیلی کوچکی بود در حدود دهه چهل، انجمن آثار ملی فضای مقبره را توسط هوشنگ سیحون گسترش داد.

از دیگر کارهای کریم طاهر زاده بهزاد طراحی بیمارستان شاه رضای مشهد است. در این پروژه از ستون های شبیه ستون تخت جمشید استفاده شده و گنبدی روی آن قرار دارد که این حجم به عنوان ورودی تعریف شده است.

گابریل گورکیان:

از معماران مطرح معماری مدرن و از دوستان لوکوربوزیه و والتر گروپیوس بود. او در کنگره های سیام حضور جدی داشت و به دعوت مقامات ایرانی به ایران آمد. او معماری مدرنیست بود و از کارهای او طراحی ساختمان دادگستری و ساختمان وزارت جنگ یا همان وزارت دفاع است. ویلای ملک اصلانی را با الهام از اصول لوکوربوزیه به صورت مدرن طراحی کرد. در ویلای پناهی نیز از این اصول پیروی کرد.

پل آبکار:

ارمنی است. او به خارج از کشور می رود و به تحصیل می پردازد، سپس به ایران باز می گردد. از کارهای او ساختمان بیسیم تهران است. - این پروژه رویکرد مدرنیستی دارد (مقاله مینا معرفت) او معماری است که بینابین معماری مدرن و معماری نئوکلاسیک عمل می کند. آجر بهمنی، آجری قرمز رنگ است با رگه های سایه روشن که این به دلیل نحوه پخت آن است و این آجر در بافت نما استفاده

می شد، او ورودی ها را ساده و انسانی طراحی می کرد.

وارتانه آوانسیان:

او نیز در خارج از ایران تحصیل کرد و پس از بازگشت در چندین حوزه فعالیت داشت. هم معماری هم نویسندگی و هم در حوزه فعالیت های صنفی و اجتماعی معماری. در سال ۱۳۲۵ اولین ان. جی. او. ی معماری را تاسیس میکند (انجمن آرشیستیکت های دیپلمه) هوشنگ

سیحون، آندره گذار و عضو این انجمن بودند.

اولین مجله معماری ایران را وارتان تحت عنوان مجله "آرشیستیکت" پایه گذاری کرد در سال ۱۳۲۵. این مجله به سردبیری وارتان ۵-۶ دوره چاپ می شود بعد از مدتی چاپ آن متوقف می شود. سپس در دهه ۴۰ مجله دیگری به نام «معماری نوین» تاسیس نمود. او به معماری مدرن گرایش داشت و تخصص ویژه ای در طراحی کنجهای ساختمان داشت (پخ وارتانی مشهور است) از کارهای او سینما نیاکارای قبلی و سینما رودکی کنونی است که جدیداً بازسازی شده است. ویژگی جالب این طرح حذف تزئینات است. این طرح دارای پیش فضای ورودی دارد.

ایستگاه راه آهن تهران توسط شرکت مهندسين مشاور کام ساکس، که از مهندسين آلمانی تشکیل شده بود، با رویکرد مدرنیستی ساخته شد. ایستگاه راه آهن مشهد هم با الهام از معماری لوکوربوزیه ساخته شد.

محسن فروغی:

پسر وزیر فرهنگ دولت رضا شاه بود، محمد علی فروغی فردی تاثیر گذار در حرکت ایران

به سور مدرنیت به بود. محسن فروغی در خارج از کشور به تحصیل معماری پرداخت و پس از بازگشت پروژه های مهمی را انجام داد از قبیل: هتل هیلتون (هتل استقلال کنونی) در چهار راه پارک که با رویکرد معماری مدرن طراحی شده است. از دیگر کارهای او فرودگاه مهرآباد تهران است. طراحی مقبره سعدی از دیگر کارهای اوست. در این پروژه او از عناصر معماری گذشته ی ایران الهام گرفته است: رواق و گنبد. ضمناً برهم زدن تقارن از ویژگی های مقبره سعدی است.

هوشنگ سیحون:

او بسیار در ترسیم کروکی تبحر داشت. علی اکبر صارمی و محمد قهوه ای از شاگردان او بودند. هوشنگ سیحون شخصیت با نفوذی در دولت بود، بهایی بود و چند سال عضو شورای شهر تهران بود. او همچنین نقاش بسیار معتبری است. قبل از انقلاب در فرانسه نمایشگاهی از کارهای او و پابلو پیکاسو برپا شد. او سبکی در نقاشی به وجود آورد به نام نقاشی - خط، که با استفاده از خطوط نقاشی کشیده می شود. او گرایش نئوکلاسیک داشت. مجموعه آرامگاه ابوعلی سینا در همدان، آرامگاه نادرشاه در مشهد، آرامگاه های خیام و کمال الملک در نیشابور از کارهای اوست. او همچنین تعداد زیادی ویلای مسکونی نیز طراحی کرده است.

مقبره ابوعلی سینا همدان: از سنگ گرانیات همدان ساخته شده است. یک طبقه است و بام آن قابل استفاده است (ایده ی باغ بام لوکوربوزیه) رواق ورودی ستوندار که ورودی ساختمان و پلان آن مدرنیستی است. دارای

کتابخانه و نمایشگاه است. مقبره با ۹ ستون تعریف شده است. این بنا دو پلکان دارد که به بام می رسد و از بیرون ۲ رمپ موجود است که به بام دسترسی ایجاد می کند. بخش عظیمی از بام بصورت کاذب ایجاد شده و با خاک پر شده است که بتوان روی آن درختکاری انجام داد. هندسه و تناسبات طلایی در آن رعایت شده. بخش المان آن از گنبد کاووس (قابوس) در استان گلستان الهام گرفته شده است. المان دارای ۱۲ پره بتنی است. محل اتصال ستون به کف دارای جزئیات خاصی است. نوعی قطعات پلاستیکی قرار داده تا در هنگام زلزله حرکت داشته باشد و به راحت تخریب نشود.

آرامگاه نادرشاه مشهد: در وسط باغ آرامگاه است که فرم مدرنی از گنبد ارائه شده روی بام است. مقبره موزه نادرشاه، مجسمه نادرشاه و سربازانش نیز در آن قرار دارد که توسط استاد صدیقی ساخته شده است. این بنا دارای رواق ورودی است. برای نورگیر مقبره از استراکچر فلزی با مصالح پر کننده سنگ مرمر با ضخامت کم استفاده شده است.

یادمان مقبره خیام نیشابوری: تقویم جلالی کنونی ما از ابداعات خیام است. سیحون با الهام از اندیشه های نجومی و کیهان شناسی خیام این المان را طراحی کرد. این المان کاملاً بتنی است و درون آن کاشیکاری با روش خاصی انجام شده که در آن خط شکسته نستعلیق را در کاشیکاری استفاده کرده است.

مقبره کمال الملک: از نقاشان برجسته ایرانی بود. در این بنا با استفاده از قوس های نیم بیض و بیضوی ساسانی طاق زنی انجام شده و

با استفاده از طرح مدرن کاشیکاری به وجود آمده است. طرح از ۳ قوسی که به یکدیگر متصلند تشکیل شده و هندسه ویژه ای را به وجود آورد .

موزه طوس اطراف مقبره فردوسی و ساختمانی شبیه به کلاه فرنگی هم در همان سایت اثر هوشنگ سیحون است.

معماری مدرن متاخر

چارلز جنکز این دوره را معماری مدرن متاخر نامید. این معماران جنبش معماری مدرن را دچار تغییر کردند. ۵ معمار نیویورکی با هم جمع شدند و تصمیم به احیاء اندیشه های لوکوربوزیه گرفتند. در سال ۱۹۶۹ کنفرانسی در موزه هنر مدرن نیویورک برگزار شد تحت عنوان "کنفرانس معماران برای مطالعه از محیط".

در واقع بعد از استفاده بی رویه از سوخت فسیلی منابع محیطی دچار خطر شد. در حدود دهه ۶۰ بحران انرژی در جهان رخ داد که همه را مجبور به تجدید نظر در نوع نگاهشان به استفاده از منابع محیطی ساخت -

ساختمانهای شیشه ای که در معماری مدرن ساخته می شد بسیار مصرف انرژی داشت . گروه پنج معمار نیویورک متشکل شده از: ۱- جان هیدک ۲- پتر آیزمن ۳- ریچارد مایر ۴- مایکل گریوز ۵- چالز گواثمی - در سال ۱۹۷۲ با هم این گروه را تشکیل دادند.

از ویژگیهای کارهای ۵ معمار نیویورکی: سعی بر این داشتند که عمق فضا را افزایش دهند. دید بیننده هنگام نظاره نما در درون حجم نفوذ کند. از دیگر ویژگیهای آنها استفاده از استراکچر اکسپوز بود. ساختار سازه ای نمایان استفاده می کردند.

مایکل گریوز: جز معماران لیت مدرن

محسوب می شود و از پایه گذاران معماری پست مدرن هم می باشد از آثار او خانه هانزلمان می باشد. گرایش به پروژه ویلا ساوواای لوکوربوزیه دارد. (تاکید بر فرم مکعب و رنگ سفید) دارای ۳ طبقه است و حیاط در

بام دارد .

از دیگر آثار مایکل خانه "بناسراف"، بازسازی یک خانه قدیمی است. استراکچراکسپوز و نفوذ دید به عمق کار.

در دوره پست مدرن بر خلاف دوره مدرن می توان به گذشته نگاه کرد. یکی از دیگر ویژگیهای معماری پست مدرن، استفاده از رنگ های جیغ یا روستایی است.

ساختمان شهرداری فینیکس در آمریکا از دیگر آثار مایکل گریوز است که دارای فرم ویژه ای است..هندسه، نظم و تقارن وارد معماری شده است.

ریچارد میر: او تا اکنون به ایده آل های معماری لوکوربوزیه پایبند است. بقیه این گروه از آن عقاید اولیه منصرف شدند یا تغییر دیدگاه دادند. او معماری حرفه ای با جزئیات بسیار دقیق است . خیلی تاثیر گذار و جریان ساز نبوده. علاوه بر حجم مکعب به حجم منحنی علاقه مند بود و اغلب در کنار حجم مکعب حجم با سطوح منحنی ایجاد می کند. ویژگی ویلاهای میر این است که اکثرا نشیمن خانه مرتفع است و در دو طبقه ساخته می شود. شومینه همیشه حضور دارد. خانه اسمیت از معروفترین کارهای میر است. نشیمن با ارتفاع دوبر و فضاهای داخلی سفید رنگ و در نهایت سادگی است.

چالز گواثمی: خیلی سریع مسیر خود را از این ۵ نفر جدا کرد و به سمت ساخت و ساز روی آورد. خانه شخصی خود او در هنگام همکاری با این گروه با همان عقاید لوکوربوزیه ساخته شده.

جان هیدک: استاد مدرسه کوپر یونیون بود -

۱۰ سال تدریس کرد - حدوداً ۲۰ سال رئیس آن بود تا آخر عمر. (۲۰۰۱ فوت کرد) او تاثیر زیادی بر روی دانشجویان معماری گذاشت از جمله دانیل لیبسکیند از شاگردان او بود.

شیگرو بان و بهرام شیردل از شاگردان او بودند. او بحثی مطرح کرد تحت عنوان معماری معماری یا همان علم معماری یا رشته معماری.

او معتقد بود رشته چیز نیست که ما از طریق تحقیق و پژوهش می توانیم آن را به دست آوریم و در نقطه مقابل حرفه معماری قرار می گیرد. حرفه کاری است که یاد می گیریم از طریق تکرار آن را ادامه می دهیم و به تحقیق دست نمی زنیم و این جدای از رشته معماری است. او بحث تئوری را در مدرسه کوپر یونیون بسیار جدی پی می گرفت.

در این پروژه او ۳ فرم را در نظر گرفت تا ببیند آیا فرم از عملکرد تبعیت می کند یا نه. او کیفیت فضاها را در فرم های مختلف را بررسی نمود. در خانه الماس ۱۹۶۷ پوستر پیرامون را ۴۵ درجه نسبت به شبکه ستونها چرخاند و به بررسی کیفیت فضاهاى آن پرداخت.

اکثر پروژه های او در حد تحقیق و تئوری بود و ساخته نشده اند. خانه ای برای یک شاعر. او بحثی در نقد معماری مدرن مطرح می کند که باید به طراحی تخصصی فضاها دست زد. بر خلاف عقاید معماران

مدرن که معتقد به یک خانه شیشه ای و تکرار آن در جهان بودند. او معماری را می پسندید که به طور تخصصی به نیازهای مصرف کننده توجه کند. او خانه ای برای یک زن و شوهر طراحی کرده که از یکدیگر طلاق گرفته اند و

بخاطر کودکان نمی خواستند جدا از هم

زندگی کنند. لذا با حفره هایی که فقط کودک آنها می تواند از آن حفره ها عبور کند خانه ای خاص برای ایشان طراحی نمود. در عین باهم بودن جدا از هم زندگی می کردند.

او بحث دیگری تحت عنوان فراتر رفتن از نگاه غالب کار فرمانیان را مطرح کرد. او معمار را

اسیر نظرات کارفرما دانست و می گفت معماران باید به خلق عملکردهای جدید توجه کنند. ر این راستا او طراحی فضایی برای خودکشی را انجام داد و ساخت. ضمناً او به بررسی تاثیر معماران بر نهادهای دولتی و قدرت پرداخت. از آثار اجرا شده او یک

مجتمع مسکونی در برلین است. دو فرم مکعبی در کنار و یک استوانه در وسط. دارای شیب تیز به سمت داخل است و آب باران را جمع آوری می کند و در محلی ذخیره می کند، تا برای آبیاری مورد استفاده قرار گیرد ترانس هاوس: از دیگر آثار جان هیدک است که دارای تراسی است که قابلیت بسته شدن دارد.

خانه شماره ۱۰: از دیگر آثار جان هیدک است. در آن فضاهای سیرکولاسیون اصل فضای خانه را تشکیل می دهد. دارای راهروهای طولانی است. در این راهروها می توانستند از مناظر اطراف لذت ببرند. به نظرم بهرام شیردل از این پروژه برای طراحی سفارت ایران در برزیل الهام گرفته است.

معروفترین اثر جان هیدک Wall House یا خانه دیوار (سال های ۷۳-۱۹۷۲) نام دارد. دیواری در وسط قرار داده و در یک طرف فضاهای اصلی خانه، که به صورت فشرده و روی هم قرار دارند و در طرف دیگر فضای

فرعی خانه و فضاهای خدماتی را قرار می دهد که به وسیله دیوار در دید بصری کاملاً از هم جدا می شوند. این پروژه در اواخر عمر جان هیدک ساخته شد و قبل از ساخت کامل جان هیدک مرد. در این پروژه گفته می شود که جان هیدک از شیشه بزرگ مارسل دوشان الهام گرفته (ساختار این شیشه دو بخشی است) تحلیل گران این دو قسمتی شدن کار هیدک را ملهم از شیشه ی بزرگ دوشان می دانند.

پیتر آیزنمن: به نظرم پیتر آیزنمن مهم ترین معمار نیمه دوم قرن ۲۰ است. اگر لوکوربوزیه را مهم ترین معمار نیمه اول قرن ۲۰ بدانیم. اوایل سبک لیت مدرن داشت و کم کم به جنبش دیکانستراکشن روی آورد سپس به جنبش فولدینگ. بعد به معماری نواری Stration روی آورد و سپس معماری پرش کیهانی یا معماری که به تعبیر چارلز جنکز از علوم روز دنیا بهره می گیرد، نظر او را به خود جلب کرد و همچنان به کار ادامه می دهد. او دکترای معماری دارد. یکی از مهم ترین کارهای او تاسیس موسسه پژوهشی IAUS در آمریکا است که موسسه ایست برای

مطالعات معماری و شهرسازی و مجله ای در آمریکا با نام اپوزیشن (مخالفان) چاپ کرد، که ۱۰-۱۵ سال منتشر شد و معماران صاحب نظر در آن مقاله می دادند. رم کولهاس از طریق مجله و موسسه آیزنمن حمایت و مطرح شد. آیزنمن خانه هایی طراحی کرد که با شماره نام گذاری شده بودند: ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ...، ۱۰ در تحلیلی می گویند او از شماره های سمفونی ها در موسیقی استفاده کرد. در پروژه های اولیه اش از حجم و فرم مکعب شروع می کرد. در

یک فرآیند طراحی متحول می شد و شکل می گرفت. او اصالت را به فرآیند طراحی می دهد، نه به محصول نهایی. به همین دلیل وقتی شروع به کار می کرد نمی دانست در پایان به چه چیزی می رسد.

خانه شماره ۱ بر اساس اندیشه های لوکوربوزیه ساخته شد. در خانه شماره ۲ او بحثی را مطرح می کند تحت عنوان BLURING یا تارشدن: «شفافیت ویژگی اصلی معماری مدرن» بود. اما در معماری پست مدرن ویژگی اصلی ابهام یا تار شدن یا کدر شدن است. یعنی انسان به نوعی بعد از ۲ جنگ جهانی و بحران انرژی سرخورده شده، به همین دلیل شفافیت کم کم کدر می شود. او سعی کرد به نوعی کارهایش را مبهم کند. او در این خانه از ساختار مربع ۹ قسمتی را الهام گرفته- این ساختار بسیار ارزشمند است در معماری کلاسیک (ساختار گوشک های ۸ بهشت بر اساس این مربع ۹ قسمتی است) اولین شبکه را در یک طبقه می گیرد. در طبقه فوقانی این شبکه را می چرخاند و رد واقع نوعی ابهام به وجود می آورد. در خانه شماره ۳ فرآیند طراحی به خوبی مشاهده می شود. ابتدا یک مکعب بعد به ۳ و سپس به ۹ تکه آن را تقسیم می کند. تعدادی دیوار در نظر می گیرد و از آن حجم اولیه به یک حجم جدید می رسد.

به دلیل استفاده از صفحات افقی در کارهای او منتقدین نام معماری مقوایی را بر آن نهادند. یعنی نوعی معماری سبک است. و او هم از این نام استقبال کرد. یکی از مهم ترین خانه های او خانه شماره ۶ است. او در این خانه چند نوآوری و ساختار شکنی ایجاد کرده است. مثلاً

مفهوم پله را تغییر می دهد. یک پله سبز رنگ و یک پله به رنگ قرمز طراحی کرده. پله سبز به طبقه اول می رود، اما پله قرمز مسدود است و به سقف بر می خورد. او عملکرد پله را تغییر می دهد. می تواند سکویی برای نشستن، محلی برای بازی بچه ها یا تندیس در فضای داخلی باشد، اما از عملکردش تهی شده است. در این پروژه شکافی در برنه سقف و کف ایجاد کرده تا در اتاق خواب اصلی نتوانند یک تخت دو نفره قرار دهند و دو تخت یک نفره قرار بدهند. او در همه پروژهایش ساختارهای وضع موجود را می شکند. در معماری او معتقد بود فرم می تواند ضعیف باشد و نه همیشه قوی. در مجموع ویژگیهای جنبش لیت مدرن (جدول فصل ۴ کتاب "از زمان و معماری" خوانده شود) عبارتند از: سطح به صورت ناخود آگاه، واقع بین، هر فرمی که حاصل آید، اواخر نظام سرمایه داری، هنرمند تحت فشار، پر زرق و برق، تکنیکی شیک و تکنیکی پیشرفته، سادگی پیچیده، ابهام آمیز، فرم تندیس گون، ساختمان به مانند تزئینات، ضد تمثيل و استعاره و



فلیپ جانسون:

بعد از مطرح شدن جریان پست مدرنیست، به این جنبش می پیوندند. ساختمان AT&T یا ساختمان پست و تلگراف تلفن آمریکا که نماد معماری پست مدرن شد، برج است اما رویکرد این برج متفاوت است. در آن از قوس در سطوح پایینی استفاده شده و در بالا از فرم سنتوری استفاده شده و درجه شفافیت برج کم است. کار مشترک او با میس وندروه برج سیگرام بود. موزه ملی شهر سئول در کره جنوبی هم کار اوست. سیستم سازماندهی آن بسیار عملکردی است. وارد یک هال مرکزی می شوید، سپس به گالری های مختلف هدایت می شوید (در دوره پست مدرن این آثار را داشت). او پس از پست مدرن، به دیکانستراکشن روی آورد و اولین نمایشگاه دیانستراکشن را در زمینه معماری او برگزار می کند. او سالها رئیس موزه هنر مدرن نیویورک بود و در سال ۱۹۹۸ اولین نمایشگاه دیکانستراکتیویستها را در موزه هنر مدرن نیویورک برگزار کرد. پس از آن فلیپ جانسون به دیکانستراکشن روی آورد. کودکستان در یک جزیره کوچک اثر فلیپ جانسون با رویکرد دیکانستراکشن است. ۴ رویکرد طراحی فرم در آن ایجاد شده، مکعب استوانه ای شکل و ۰۰۰ و در واقع این بحث را مطرح کرد که فرم ها برای کوکان باید دارای جذابیت باشد (بازیگوشانه). آخرین کارهایش با فرانک گری بود. ساختمان اداری و بانکی که او طراحی کرد در شهر برلین در حوزه معماری پست مدرن طراحی شد و دارای نظم و هندسه مشخص، استفاده از قوس در آن، درجه شفافیت کم، اهدای بخشی از سایت به شهر،

اتصال سنگها بدون ملات (اتصال خشک) که با پیچ و مهره به استراکچرفلزی پشت وصل می شوند.

ماريو پوتا:

معمار سوئیسی است. در حوزه معماری پست مدرن فعالیت داشت. بسیار شیفته ی لوکوربوزیه بوده. او با چند ویلا و چند پروژه مسکونی به شهرت رسید. تقارن، نظم و هندسه جزء اصول کارهای اوست. نماها را از سنگ ها یا آجرهای نواری همچون معماری یونان باستان طراحی می کرد. به جزئیات بسیار دقت می کرد. شکاف ها که در احجام او وجود داشت، به یک ناودان متصل می شود و آب تراسها را به بیرن می ریزد.

اصول معماری پست مدرن:

این سبک ۱۹۶۰ شروع شده. هر اتفاقی را می پذیرد و ما همچنان در دوره پست مدرنیسم قرار داریم. سبک به صورت دوگانه است (هم این هم آن) پیچیدگی و تضاد، مردم پسند و پیرو عقاید جمع، معماری نشانه ای، متضاد است با معماری مدرن، موافق برداشت های تاریخی، موافق طنز و مزاح و نماد سازی، کلاژ و اختلاط عناصر گوناگون.

فراگمنتیشن:

پراکندگی، در دل پست مدرن مطرح شد. در اثر هنری با یک چیز کلی و کامل مواجه نشویم. اثر هنری را خرد کنیم و پراکنده کنیم به قسمت های مختلف و اجزاء را کنار هم ببینیم در فراگمنتیشن، فضای بین این اجزاء و روابط آنها با یکدیگر ارزشمند است، فرم دیگر

مکعب خالص مدرنیستی نیست، مکعب را خرد می کنند. این شکستن ها و خرد کردن ها را نسبت می دهند به پیکاسو. پیکاسو یکی از معتبرترین هنرمندان قرن ۲۰ است، اکتاویو پاز در مقاله ای راجع به هنرمدرن نوشته است: هنر مدرن بین دو نقطه نهایت زندگی کرده: یکی پابلو پیکاسو (اسپانیایی) و دیگری مارسل دوشان (فرانسوی). پیکاسو به خاطر به وجود آوردن سبکی به نام کوبیسم در نقاشی شهرت یافت. کوبیسم: یعنی به یک شی از یک نقطه نگاه نکنیم و آن را از چند جهت ببینیم. در واقع زمان را در دیدن یک اثر مطرح کنیم. دوشیزگان آوینیون، اثر پیکاسو به عنوان اولین تابلوی کوبیسم مطرح است.

پیام اصلی در نهضت فراگمنتیشن: حذف فرم و تاکید بر فضا و روابط بینابین فضا است. اقتدار فرم زیر سوال می رود و پراکنده می شود. در دل جنبش کوبیسم، تکنیکی ابداع شد که آن را کلاژ می نامند. کلاژ با پست مدرن بیشتر همسو است. کلاژ در ابتدای جنبش مدرن مطرح شد، اما در دوره پست مدرن مورد توجه قرار گرفت. کلاژ: هر چیزی را می توان از هر زمان و مکانی در اثر قرار داد.

دیکانستراکشن:

توسط ژاک دریدا مطرح شد. او فیلسوف مطرح فرانسوی است. حرف اساسی او نقد فلسفه افلاطون و متافیزیک است. افلاطون بحث معروفی دارد به نام مثل افلاطون یا غار افلاطون. او معتقد است که ما در جهانی از سایه ها زندگی می کنیم. یعنی جهان ما مجازی است و سایه وار. جهان اصلی جهان دیگری است به نام جهان ایده که جهان حقیقی است.

نیچه در کتاب: اراده معطوف به قدرت " گفته است تمام ادیانی که ۲ تا جهان را توصیف می کنند. جهان خاکی و جهان عالی تحت تاثیر اندیشه افلاطون شکل گرفته اند. این تفکر افلاطون اساس نوعی نگاه دوگانه به جهان شد: خوب / بد؛ زن / مرد؛ صفر / یک، او ارزش گذاری کرد مثلاً: بین چپ و راست، راست بهتر است، بین این جهان خاکی و آن جهان عالی، جهان عالی بهتر است و این اندیشه ۲۵۰۰ سال تاریخ فلسفه را تحت تاثیر خود قرار داد. ژاک دریدا اندیشه های افلاطون را نقد می کند، او می گوید: ما در جهانی زندگی می کنیم که هیچ قطعیتی وجود ندارد. به دلیل اینکه ما در جهانی از مفاهیم زندگی می کنیم که آن مفاهیم وابسته به سایر مفاهیم هستند: مثلاً وقتی می گوئیم درخت، اجزا آن ساقه، ریشه، برگ، چوب و زمین در نظر ما مطرح می شود. برای تفسیر ساقه یک سری واژه و برای تفسیر زمین به یک سری واژه ی دیگر نیازمندیم و این تا بینهایت ادامه دارد. یعنی دریافت قطعی از هر واژه ای امکان پذیر نیست. او بحث دیگری تحت اینکه ما بسته به فرهنگ و سطح شناخت و نوع زندگی مان مفاهیم متعددی را نسبت به واژه ها به وجود می آوریم، مطرح می کند. مثلاً در عربستان ۱۶ واژه برای شتر وجود دارد، اما در سوئد فقط یک واژه برای شتر وجود دارد، ژاک دریدا می گوید در این دنیایی که اساسش عدم قطعیت است، شاید اشتباه کردیم که همیشه یک جانب را مثبت گرفته و جانب دیگر را طرد کرده ایم. اکنون بین خوب و بد، به بد توجه کنیم؛ بین انسانهای سالم و دیوانه، به دیوانه ها توجه بیشتری کنیم و صحبت های

طرف ضعیف را نیز بشنویم، با توجه به این نظریه در معماری نیز بسیاری از مفاهیم تغییر کردند. مثلاً استفاده از ستون کج به جای ستون صاف و ...

پیتر آیزنمن در جنبش دیکانستراکشن بحثی با عنوان فرم ضعیف را مطرح می کند WEEK FORM یعنی فرم ها حتما نباید مانند دوران مدرن فرم های قوی و مشخص باشند، می توانند فرم های ضعیف و خوابیده و افقی باشد. در خانه های آیزنمن، خانه شماره ۶ عملکرد پله تغییر کرده بود.

بر این اساس دیکانستراکشن یا واسازی یعنی دوباره سازی ساختارهایی که در ذهن همه ما تاکنون شکل گرفته اند و قطعی تلقی می شدند.

عده ای معتقدند از ۱۹۸۸-۱۹۹۴ سبک دیکانستراکشن مطرح شد که پیتر آیزنمن و برنارد چومی در این زمینه فعالیت کردند. بقیه نیز مانند ذاها حدید، دانیل لیبسکیند، فرانک گری نیز در این زمینه کار کردند، اما فقط پیتر آیزنمن و برنارد چومی با ژاک دریدا در ارتباط مستقیم بودند.

مسابقه ای در اواخر دهه ۹۰ به نام پارک لاویل در پاریس برگزار شد. سایت مخروبه ای بوده که رودخانه ای از وسط آن عبور می کرد. ژاک دریدا با برنارد چومی تصمیم گرفتند ساختار شبکه ای - شطرنجی در آنجا طراحی شود. به نوعی سلسه مراتب را در آن از بین بردند. هیچ ورودی مشخص ندارد. اساسش بر اساس فراگمنتیشن است. او می گوید: ۲ فرم خالص را در نظر گرفته سپس آنها را خرد کرده و سپس بر اساس سیستم شبکه ای - شطرنجی نظم داده است. (دیکانستراکشن زیر مجموعه فراگمنتیشن است) در طرح پارک

لاویل برنارد چومی ساختار ۳ قسمتی نقطه، خط، سطح را مطرح می کند و سه سطح نقطه، سطح، خط را روی همدیگر می گذارد مانند ۳ لایه. این تکنیک را در معماری سوپر پوزیشن یا قرار دادن لایه های مختلف روی هم می نامند. اساس کار به این صورت است که طراحی ۳ لایه به صورت جداگانه انجام می شود. سپس این ۳ لایه را به صورت اتفاقی روی هم قرار داده در نتیجه یک کیفیت جدید فضایی به دست می آید.

و بسیاری از فضاهایی که ایجاد می شوند تحت کنترل معمار نیست. او در این پارک فولی هایی (دیوانگی) در درون آن جای داد. جهت حذف همه سلسه مراتب و هم ارزش شدن تمام نقاط سایت. این فولی ها اکثراً کار حجمی است و بدون هیچ کاربری. یک گذر سراسری شمال به جنوب پارک را به هم متصل می کند. بحثی در معماری دیکانستراکشن توسط ژاک دریدا مطرح شده با نام پالیم سست. الواح گلی بودند، که ساخت آنها کار ساده ای نبود، در دوران پادشاهان مختلف روی آن نوشته می شد و در زمان پادشاه بعد این الواح رویه شان ساییده می شد و مطالب جدیدی روی آن حک می شد. بعد از ۳-۴ دوره نوشتن، این لوح حالت رمز گونه پیدا می کرد و لایه های مختلف زمانی بر روی آن آشکار بود. این بحث در معماری گسترش داده شد به عنوان مثال برنارد چومی، تاریخچه پارک لاویل را جستجو می کند و در می یابد در پیشینه تاریخی سایت قبلاً کشتارگاه وجود داشته و از آن تاریخچه برای طراحی کنونی پارک استفاده می کند و فولی ها را به رنگ قرمز طراحی می کند. برای

یاد آوری خونهایی که در آن جا وجود داشته.
رم کولهاس: معمار هلندی در ۱۹۴۴ به دنیا آمده و جایزه پرایتزکر، نوبل معماری را در سال ۲۰۰۰ دریافت نموده است. کولهاس نیز در مسابقه طراحی پارک لاولیت شرکت کرده و از روش سوپر پوزیشن استفاده کرد. اما در هر حال برنارد چومی طرحش برای اجرا برنده شد. فیلیپ جانسون به دلیل قوی بودن طرح کولهاس، پیشنهاد داد که کار او در محلی دیگر اجرا شود.

فرانک گری: معمار آمریکایی است. چارلز جنکز در مورد او بسیار مطلب نوشته (کتاب معماری پرش کیهانی). جنکز سبک معماری او را سبک معماری پرش کیهانی می داند. اولین خانه طراحی شده توسط او در سانتا مونیقای آمریکا باعث شهرت او در سطح جهان شد. در این پروژه او یک خانه قدمی را خریداری کرد و با مصالح دور ریز ساختمانهای دیگر آن را بازسازی نمود. این در واقع نوعی نگاه دیکانستراکتیویتی در مصالح و در معماری محسوب می شود. او زیبایی شناسی جدیدی را مطرح می کند که با نام زیبایی شناسی مصالح فقیر مشهور است. کارهی او بر اساس فراگمنتیشن یا پراکندگی است. روش کار او اینست که عملکرد را خیلی ساده و ابتدایی حل می کند و فرم را بسیار پیچیده و تندیس گون به وجود می آورد. او دغدغه پلان را ندارد و بیشتر به فرم می پردازد.

دانیل لیبسکیند: فارق التحصیل مدرسه کوپر یونیون و شاگرد جان هیدک. معمار برجسته

حال حاضر دنیا. ۱۵ سال کار مطالعاتی در معماری انجام داد و از سال ۱۹۹۳ مشهور شد. نابغه ایست که پیانو را در ۴-۵ سالگی می نواخت. در ۸-۹ سالگی رهبر ارکستر بود. سپس به معماری روی آورد. اسکیسهای بی عنوان او رویکرد فراگمنتیشن دارد. پروژه او مایکرو مگا (ریز درشت) در سال ۱۹۸۹ طراحی شده و مفهوم دیکانستراکتیویتی دارد. او تحت تاثیر جان هیدک اعتقاد بسیار زیادی به معماری دارد و معمار را چیزی در حد خداوند می داند. کسی که می تواند خلق کند. او معماری را اولین ساختار می داند، چیزی که خاص است و ابداع می شود. دانیل لیبسکیند معتقد است: معماری که قصد انجام کار معماری را دارد باید دارای جهان بینی باشد و دیدگاهش را نسبت به جهان هستی مشخص کند. در راستای این بحث پروژه ماکرو مگا را طراحی می کند و ابراز می کند این نوع نگاه من به این دنیا است و گفت: من جهان را پر از هرج و مرج و پر از آشوب می بینم و اغتشاش و بی نظمی در آن فراوان است. او از این پروژه ۱۰ تصویر می سازد. همه پروژه های او از دل چنین فضایی به وجود می آید (مایکرو مگا). از کارهای او موزه جنگ در شهر منچستر است که کانسپت آن یک کره زمین انتزاعی است که در اثر انفجار کره را پراکنده کرده و سپس اجزایش را کنار هم چیده است. موزه تاریخ یهود برلین از کارهای اوست.

ذاحا حدید: او جایزه نوبل معماری را در سال ۲۰۰۴ گرفته، در مدرسه aa لندن تحصیل کرده و شاگرد رم کولهاس بود و حدود ۶ ماه در دفتر او کار کرد، سپس دفتر شخصی اش را

تاسیس نمود. طراح مد نیز است. او با شروع جنبش دیکانستراکش همراه شد. در نمایشگاه ۱۹۸۸ کار ی از او ارائه شد با نام پیک هنگ کنگ. او ۳-۴ صفحه را به صورت معلق با سطح کنسول زیاد در دامنه کوه طراحی کرد در آن مسابقه اول شد. این پروژه اجرا نشده، اما باعث شهرت او شد. پروژه دیگر او ایستگاه آتش نشانی ویترا ی است که از نمونه های معماری دکانستراکشن نام گرفته است. مجموعه فرهنگی در اتریش اثر دیگر اوست که از زمین شروع می شود و به زمین باز می گردد. در معماری معاصر رویکردی به نام "معماری از زمین" مطرح شده است. معماری های قبل به صورت: معماری زیر زمین، معماری روی زمین (مقابر مصری)، معماری روی پیلوت (ویلا ساووا) مطرح شده اند. در این رویکرد، فرم معماری از دل زمین بیرون می آید و به زمین باز می گردد.

پیتر آیزنمن: او از اعضای ۵ معمار نیویورک بود و بسیار تاثیر گذار در معماری معاصر. کلیسای سال ۲۰۰۰ او نیز با روش فرم از زمین طراحی شده است. پروژه مرکز وکسنر که نماد معماری دیکانستراکشن است، توسط آیزنمن طراحی شد و از تکنیک پالیمسست استفاده کرده است. قلعه را از لایه های تاریخ سایت بیرون کشید. او در مطالعه تاریخ سایت متوجه می شود در گذشته قلعه ای نظامی در نزدیکی آن سایت وجود داشته، سپس او نمادی از آن قلعه را در سایت قرار میدهد و شکافی در درون آن ایجاد می کند به نوعی آن قلعه را واسازی می کند. با رویکرد دیکانستراکشن آن را طراحی می کند. سپس با ایجاد یک راهروی

سراسری و شیشه ای کل پروژه را سازماندهی نمود. آیزنمن در این پروژه هم عملکرد را به تمسخر گرفت. مثلا کارفرما یک گالری نقاشی می خواست، اما آیزنمن گفت به جای تابلو های نقاشی، مجسمه به نمایش بگذارید چون این گالری تماما شیشه ایست و مکانی برای نصب تابلو نقاشی ندارد. این پروژه نماد شاخصی از کارهای او در زمینه ضد عملکرد گرایی است. ضمنا مفاهیمی نظیر ستون را به ستون معلق و تزئینی و تیر را به تیر دکوراتیو تغییر داد. پروژه دیگر مرکز گردهمایی کولمبوس از آثار آیزنمن است. به موازات این پروژه مبحث فولدینگ مطرح می شود. ژیل دلوز بحث فولدینگ را در فلسفه مطرح کر. او اندیشه افلاطون را نقد می کند. او عقیده دارد که افلاطون یک ساختار عمودی را در اندیشه پایه گذاری کرد و معتقد است راههای موازی زیادی برای شناخت پدیده ها وجود دارد. بحث اندیشه افقی را مطرح می کند که در تضاد با سلسه مراتب عمودی در اندیشه ی افلاطون است. این بحث او به معماری راه می یابد و معماری افقی را گسترش می دهد. یعنی معماری که به صورت عمودی رشد نمی کند. برج سیرز افقی اثر گرگ لین با این رویکرد طراحی شده است. برجی در آمریکاست بنام سیرز که از یکسری نوار عمودی تشکیل شده، گرگ لین ایده نوارهای عمودی را به صورت افقی در آورد که به یکی از آثار مشهور معماری فولدینگ تبدیل شد. در کولمبوس، معماری آیزنمن نوعی معماری افقی است، سطح زیر بنا بسیار وسیع است، اما مقیاس انسانی دارد. در نما هم بحث دیکانستراکشن را در نظر داشته، نظم و تقارن در

نما وجود ندارد. واژه ی فولد به معنی چین و تاخوردگی است.

ژان نوول: معمار فرانسوی است که پروژه او برای اپرای توکیو را می توان به عنوان نمادی برای ابهام در دوره پست مدرن دانست. اگر خانه شیشه ای فیلیپ جانسون، نماد معماری مدرن و شفافیت بود، این ساختمان د ر اوج ابهام است، عدم شفافیت، و بسته بودن کامل سطوح خارجی بنا، کیفیتی راز آمیز و مبهم داده است. دارای ۲ تالار اپرا است که از حجم بیرونی آن هیچ تصویری از داخل نمی توان داشت.

هرزوغ و دمورن: معماران سوئیسی هستند و شاگردان آلدو روسی که در تراز اول معماری دنیا ایستاده اند. جدیدترین از آنها آشیانه پرنده بود که در المپیک پکن افتتاح شد. یکی از اولین ساختمان های آنها، ایستگاه سوزنبانی شهر باسل است که در سایت آن حجم عظیمی از ریل قطار وجود دارد. به دلیل میدان مغناطیسی بالایی که در آنجا وجود دارد ساختار فقس مانندی که ۲ پوسته است را طراحی کردند و یکسری نوارهای مسی دور آن چرخیده است. فیلیپ جانسون در نقد این پروژه آن را مانند سیرن می داند. سیرن الهه ای بود در یونان باستان که دریا نوردان را جذب می کرد و به دریا می کشاند. اساس کار هرزوغ و دمورن در این پروژه بر اساس پوسته خارجی است و در اکثر کارهای آنها بیشتر به پوسته و سطح پیرامونی کار تاکید می کنند. کارخانه شراب سازی دومینوس در آمریکا؛ از دیگر کارهای آنهاست. ساختمان آن ساده و

خطی است. کار عمده ای که در این پروژه انجام شده، ساخت فقس مشبک فلزی است که داخلش قطعات سنگی ریختند و بافت متفاوتی ایجاد نمودند.

موزه گوگنهایم بیلباو: چارلز جنکز کلیسای رو نشان لوکوربوزیه و موزه گوگنهایم بیلباو را برترین های معماری قرن ۲۰ میداند. بیلباو شهری درجه پنج بود در شمال اسپانیا ایالت باسک. شهر ناشناخته ای بود و اوضاع اقتصادی این شهر در اواخر دهه ۸۰ بسیار بد بود. در سال ۱۹۹۲ بنیاد گوگنهایم تصمیم به ساخت موزه ای گرفت. این بنیاد از نهاد هایی است که بسیار از هنر مدرن حمایت کرده و در سرمایه گذاری کلان جهان هنر نیز نقش دارند. طرح آن توسط فرانک گری داده شد و آنقدر جذابیت دارد که پس از ساخت بیلباو، بسیاری به او مراجعه کردند برای ساخت مجدد بناهایی شبیه آن در کشورهای مختلف جهان. نمای آن از ورق های تیتانیوم است. این ورق مقاومت بالایی دارد و به ضخامت ۰/۲ میلیمتر ساخته می شود و گران قیمت است. بعد از ساخت این پروژه شهر بیلباو بر روی تمام نقشه های جهان می آید و مشهور می شود. هزینه ساخت این پروژه در ۳ سال پس از افتتاح، از محل درآمد های آن تامین شد. این پروژه اقتصاد این شهر را متحول ساخت. (قدرت معماری را می رساند). رویکرد این بنا بر اساس فراگمنتیشن می باشد و می توان تصور کرد که بر اثر یک انفجار به جود آمده است. یک کل واحد را نمی توان دید. از وسط سایت بزرگراه رد می شود که فرانک گری حتی به آن طرف بزرگراه هم فکر کرد. سنگها

را آزار می دهد، اما در موزه بیلباؤ فضاهای داخلی کاملاً ساده و مینیمالیستی است و می توان با دقت بر آثار هنری متمرکز شد.

با جزئیات خشک چسبیده شده اند (با پیچ و مهره). استراکچر آن کاملاً فلزی است سال ۲۰۰۱ افتتاح شد و به تعبیری پلی برای انتقال معماری قرن ۲۰ به قرن ۲۱ بود.

تفسیرهای متفاوتی در مورد آن شده: ۱- عده ای آن را یک گل شکفته نامیده اند ۲- عده ای آن را ملهم از "بطری در فضا می شکند" اثر امبرتو بوچونی می دانند. (مجسمه ساز نهضت فوتوریسم اوایل قرن ۲۰ که بحث پویایی و حرکت و سرعت را در اثر هنری دنبال می کرد).

معماری به دلیل اینکه در مسائل اقتصادی و عملکردی و به خصوص تکنولوژی درگیر است نمی تواند، با جریانان نقاشی یا سایر هنرها به طور همزمان پیش برود. به همین دلیل نقاشان خود را پیشرو تر می دانند.

ویژگی دیگر آن در محل تقاطع احجام است. فرانک گری از یک سری باکس های شیشه ای استفاده کرده (عنصر واسطه شیشه ای) و همه جا در نقاط اتصال box شیشه ای می بینیم. تنها نقد چارلز جنکز از این پروژه اینست که ورقهای تیتانیوم پروژه منظم است، در حالیکه کل پروژه ساختاری بر اساس پراکندگی و بی نظمی دارد. فرانک گری دغدغه عملکرد ندارد و فرم را پیچیده می کند. نکته مهم این پروژه اینست که نوعی تضاد بین بیرون و درون دیده می شود. فضای بیرونی کاملاً شلوغ و پرزرق و برق است اما در درون خیلی ساده و مینیمالیستی است.

مقایسه موزه گوگنهایم بیلباؤ با موزه ژرژ بمپیدو در پاریس: موزه ژرژ بمپیدو در پاریس که سقف آن اکسپوز است و همه ی عناصر سازه ای و تاسیساتی را می بینید، شلوغی چشم

معماری پست مدرن در ایران:

از دهه ۴۰ خورشیدی در ایران گرایش‌ات پست مدرنیستی به وجود آمد. به دلیل تمایلات ناسیونالیستی رضا شاه و اینکه خاندان پهلوی به نوعی به تاریخ قبل از اسلام در ایران وصل شوند (هخامنشیان یا ساسانی) نوعی نگاه به گذشته و عزت و احترام برای معماری گذشته حاکم بود. در آثار ایران در دوره مدرن نیز نگاه به گذشته در معماری به خوبی مشهود است. مثلاً در کارهای هوشنگ سیحون نوعی نگاه به گذشته وجود داشت با اینکه در اوج معماری مدرن بود، یا کارهای مارکوف یا کارهای کریم طاهرزاده بهزاد. این معماران به معماری گذشته نگاه می‌کردند که ما نام آنها را نئوکلاسیک نهادیم. اما در واقع ریشه‌های نگاه به گذشته از زمان پهلوی اول به معماری ایران وارد شد. اتفاق دیگری در ایران رخ داد که باعث تقویت حس ملی‌گرایی شد، کودتای ۲۸ مرداد بود. پس از آن مردم دچار سرخوردگی شدند. پیش از آن، دکتر محمد مصدق توانست حکومتی بر مبنای دموکراسی بنا نهد و ایران قدرت گرفت و صنعت نفت ملی شد و دست انگلستان از صنعت نفت ایران قطع شد، انگلستان ضربه‌ای اساسی خورد. تنها دورانی است که مردم ایران رنگ آزادی را به معنای واقعی دید دوران ۸-۹ ماهه حکومت دکتر محمد مصدق بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد مردم ایران سرخورده شدند، مخصوصاً روشنفکران و هنرمندان. در اوایل دهه ۴۰ جریانی در هنر ایران رخ داد که گرایش پست مدرن داشت. در این راستا شاعرانی نظیر: شاملو و اخوان ثالث نوعی امید تازه را در خون مردم تزریق کردند. توسط اشعارشان. این گرایش

تقریباً همزمان می‌شود با جریان پست مدرنیست در دنیا (۱۳۴۰ مصادف با ۱۹۶۰) تعدادی از هنرمندان ایرانی برای تحصیل به آمریکا و اروپا رفته بودند به ایران بازگشتند. **حسین زنده رودی**: لقب شارل دارد. در فرانسه زندگی می‌کند و بسیار تأثیر گذار بود در نقاشی نوگرای ایران به سمت جریانه‌های پست مدرن. او جدول اعداد و رمزها را در کارهایش قرار داد و با آنها ترکیب بندی‌های مدرن پدید آورد. دیگر نقاشی یک صحنه رئالیستی نبود، بلکه یک صحنه آبستره و انتزاعی شد. او در دوره‌ای نقاشی‌هایش را با سیاه مشق‌های خطاطی انجام داد و ترکیب‌های مدرنی از همان خوشنویسی سنتی ایجاد کرد.

محمد احصایی: از نقاشان معتبر ایران هستند که تحت تأثیر کارهای زنده رودی نقاشیهایی الهام گرفته از سیاه مشق‌های خطاطی به شکل انتزاعی ترسیم کرده است.

آیدین آغداشلو: از نقاشان برجسته معاصر ایران است. او توسط بنیاد فرح پهلوی بورس دریافت کرد و برای تحصیل به انگلستان رفت و دوره تخصصی شناخت و مرمت آثار هنری باستانی گذارند. او جزء برترین صاحب نظران عرصه آثار عتیقه است. قبل از انقلاب او سال‌ها رئیس موزه رضا عباسی در تهران بود و تمام آثار رضا عباسی را مرمت کرد به نحوی که مرمت آن قابل تشخیص نیست. تبحر او در مرمت مثال زدنی است. او نیز بحث پست مدرنیست را در نقاشیهایش دنبال می‌کند و به نحوی آشفتگی انسان امروز را بیان می‌کند. مجموعه آثار او تحت عنوان "خاطرات انهدام" مورد بحث امروز است. در این مجموعه سعی

می کند برخورد کانسپتچوال می کند با آثار هنری، یعنی تعدادی آثار مشهور جهان غرب را می کشد و عمدا آنها را تخریب می کند. مثلا روی چشم های این نقاشی ها دوباره مینایتور ایرانی را ترسیم می کند. این اثر او در دوران جنگ و هنگامیکه خرمشهر به دست دشمن افتاد ترسیم شده. او در واقع در کارهایش از نوعی کلاژ استفاده می کند.

بعد از اینکه فرح پهلوی همسر شاه ایران شد. به دلیل اینکه او دانشجوی سال دوم رشته معماری در فرانسه بود و با هنر آشنا بود، بسیاری از هنرمندان ایران را حمایت می کرد و همین باعث تحولی عظیم در هنر ایران آنزمان شد.

پرویز کلانتری: او برادر ایرج کلانتری معمار مطرح ایرانی است (مهندسین مشاور باوند) که نقش زیادی در معماری ۳۰ سال اخیر داشتند. پرویز کلانتری بحث جدیدی با عنوان نقاشی بر روی کاهگل را مطرح می کند. در نقاشی در واقع نوعی رهایی از بوم را به ارمغان می آورد. موضوع نقاشیهای او عمدتا معماری ایران است (نقاشی معماری ماسوله) به نوعی مدرنیته را با سنت درهم می آمیزد.

انجمن خروس جنگی: در نقاشی ایران دهه ۴۰ مکتبی تحت عنوان مکتب خروس جنگی به وجود آمد. یک عده از نقاشان ایرانی که به فرانسه رفتند پس از بازگشت به ایران قد علم می کنند علیه نقاشی های آن روز و نقد های جدی می نویسند. یکی از اعضای برجسته این گروه استاد جلیل ضیاءپور بود. آنها مدتی نشریه ای به نام خروس جنگی داشتند که نقدهای بسیار تند و تیزی راجع به سیستم هنری ایران می نوشتند. از دل این مکتب

خروس جنگی، مکتب سقاخونه به وجود آمد. این مکتب (سقا خانه) استفاده از المانهای گذشته را رایج کرد: قفل، زنجیر، دخیل، شمع، دست نمادین حضرت عباس و شبکه های توری سقاخونه که دستمایه الهام برای یک جریان نوگرا در نقاشی ایران شد که منتقدین نام آن را مکتب سقا خونه گذاشتند. به عنوان مثال: حسین زنده رودی، مسعود عربشاهی جزء این مکتب بودند. کار نقاشان مکتب سقاخونه جنبه انتزاعی داشت. کارهایشان و خیلی ذغدغه مردم و جامعه را نداشتند. احسان یارشاطر در نقدی که بر نقاشی نوگرای ایران نوشته بر این مسئله تاکید نموده است. بهمن محصص هم از نقاشان مطرح ایران است که نقدهای شدیدی نسبت به ماشینی شدن زندگی و به خصوص تاثیر زیاد مقولات جنسی در زندگی مدرن داشت.

فرح اصولی: نقاشی است که ترکیب سنت و مدرنیته را در نقاشی هایش مطرح کرده است. او اساس کارش را بر نقاشیهای موندریان قرار میدهد و آنها را با صحنه های از مینیاتور ایرانی ترکیب می کند.

پرویز تناولی: استاد مجسمه سازی ایران. او احیاگر مجسمه سازی معاصر ایران است. در قبل از اسلام مجسمه سازی د رایران بسیار رواج داشته (۶۰۰۰ سال پیش تا اسلام مانند مجسمه هایی که در تخت جمشید دیده ایم). بعد از اسلام، مجسمه سازی به دلیل مسائل شرعی و جلوگیری از بت پرستی منسوخ شد. مجسمه سازی حرام اعلام شد. یکی از دلایل پیشرفت خوشنویسی در ایران ممنوعیت مجسمه سازی بود. او اولین کسی بود که

مجسمه سازی را در ایران بعد از ممنوعیتش مطرح کرد. او در اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ به صورت جدی به عنوان مجسمه ساز مطرح می شود. او فرهاد را که در اشعار نظامی مشهور بود و به عشق شیرین کوه را می کند، پدر مجسمه سازی ایران معرفی می کند و مجسمه ای با نقش فرهاد کوهکن تولید می کند. او از بنیاد فرح پهلوی بورس دریافت می کند و به ایتالیا می رود و دوره تخصصی مجسمه سازی با برنز را می گذراند و یک کارگاه کامل و مجهز مجسمه سازی با برنز برای او در کرج خریداری می شود و بسیار مورد حمایت قرار می گیرد. او جزء برترین مجسمه سازان ایران و مطرح در سطح جهانیست. اکثر مضامین کارهایش را از تاریخ و فرهنگ گذشته ایران گرفته مانند: تخت گاه داریوش، پرویز تناولی در دوره ای از کارش بحثی به نام «هیچ» را مطرح می کند که بار معنایی و مفهومی زیادی دارد و چندین سال این مقوله را در آثارش مطرح می کند. مانند: قفس هیچ و قفس هیچ. در پارک شفق تهران، مجموعه فرهنگی نیاورن، تئاتر شهر مجسمه هایی از آثار او قرار دارد.

همه اشخاص ذکر شده در بالا به نوعی در جنبش پست مدرن ایران قرار می گیرند، یعنی نگاه به گذشته را در کارهایشان داشتند.

کامران طباطبائی دیبا: او پسر عموی فرح دیبا بوده و به دلیل روابطی که با دربار داشت مجبور به ترک ایران شد. پیش از انقلاب بسیار در بنیاد فرح نفوذ داشت. او در آمریکا تحصیل کرد. و بعد به ایران بازگشت. وی اکنون در اسپانیا زندگی می کند. اولین کار او پس از

ورود به ایران مجموعه پارک شفق در یوسف آباد تهران است که مورد توجه عموم قرار گرفت. او از معماری گذشته ایران در کارهایش استفاده کرده. مصالح آن آجر است استفاده از طاق، سه دری، قوس، آجر، رواق به عنوان عناصری از تاریخ معماری ایران در این کار شاخص است.

مجموعه موزه هنرهای معاصر تهران از دیگر آثار اوست. به عقیده بسیاری از منتقدین، این اثر یکی از بهترین آثار ۹۰ سال گذشته ی معماری ایران است. از مفاهیم زیادی که در معماری گذشته ایران وجود داشته در آن استفاده کرده از جمله: حیاط مرکزی، المان بادگیر که از آن استفاده فرمال کرده به شکل نورگیر. استفاده از مصالح سنتی در کنار مصالح مدرن: نمای سنگی در کنار بتن اکسپوز، از نکته های مهم دیگر این کار، تناسبات انسانی است، ساختمان افقی و کشیده است، مقوله سیر کولاسیون این موزه به خوبی حل شده و در نهایت هیچ مسیر را به صورت تکراری بیننده طی نخواهد کرد.

مجموعه شهرک شوشتر نو: از دیگر آثار اوست که باعث شد جایزه آقاخان را برنده شود. این مجموعه در خوزستان و در مجاورت شهر شوشتر کهن واقع است. صنعت اصلی خوزستان قند و شکر است و این شهرک برای اسکان کارمندان و کارگران کارخانه نیشکر طراحی شد.

جایزه آقاخان: جایزه ای است که فردی به نام آقا خان که یکی از افراد مذهبی و سیاسی است در فرقه اسماعیلیه - او سرمایه دار عظیمی است - هر چند سال به بهترین بنایی که در کشورهای اسلامی ساخته می شود، جایزه می

دهند در سال ۱۳۵۴ این جایزه به کامران دیبا تعلق گرفت (به این مجموعه) افرادی نظیر: ذاه‌ها حدید، فرانک گری، فرشید موسوی از داوران جایزه آقاخان بوده‌اند. پروژه جداره سازی دروازه قرآن در شیراز کار مهرداد ایروانیان، پارک جمشیدیه تهران، کار حسین پاسبان حضرت و فرهاد ابوضیاء نیز جایزه آقاخان را برنده شده‌اند. شهرک شوشتر نو با الهام از شهرسازی قدیم شوشتر و دزفول ساخته شده است. دارای مرکز محله‌های ۲ طبقه‌ای است که خانمها در طبقه فوقانی قرار می‌گرفتند، چه در مراسم شادی و چه در عزاداریها.

نماز خانه‌ای در محوطه موزه فرش تهران از دیگر آثار کامران دیباست. اولین نمونه‌ای است که از شکاف نور به عنوان مهراب استفاده کرده. این نمازخانه در اوج سادگی طراحی شده (موزه فرش کار دفتر عبدالعزیز فرمان فرمائی‌ان است) در کلیسای نور تادائو آندو، در ضلع مهراب صلیبی قرار داده که نور از آن می‌تابد، کامران دیبا قبل از او این کار را انجام داده است. این پروژه از دو مکعب تشکیل شده، مکعب داخلی رو به قبله چرخیده، دو شکاف در آن قرار دارد که ضلع مهراب است. بسیار مینیمالیستی و ساده طراحی شده.

شهرک دانشگاهی جندی شاپور در اهواز: از کارهای دیگر کامران دیباست. اسم شرکت آنها مهندسین مشاور داض بود. مخفف دیبا و امجد و ؟ بود. مجموعه‌های مسکونی که جهت اساتید طراحی کرد، فضاهای سایه انداز در نمای جلو دارد. ساختمان اداری دانشگاه که دارای حیاط مرکزی مسقف است و مسجد دانشگاه که او در این ساختمان بدعت تازه‌ای

آورد و گریو گنبد را تا پایین و روی زمین ادامه داد. فرهنگسرای نیاوران: از دیگر آثار اوست. رویکردی شبیه به موزه هنرهای معاصر دارد. او جزء اولین کسانی بود که از سنگ مرمر برای نوررسانی به محیط داخل با کیفیت متفاوت استفاده کرد. او در این پروژه از بتن اکسپوز بیشتر استفاده کرد. مجله معمار شماره ۱۰ مجموعه آثار کامران دیبا را معرفی کرده است.

مهدی علیزاده: از حدود دهه ۴۰ در معماری ایران حضور جدی داشت. در دوره اول کارهای معماریش گرایش به معماری گذشته ایران داشت. بعد از انقلاب در خارج از ایران بود و با شرکت‌های بزرگ دنیا همکاری می‌کرد. مانند شرکت som که آسمان خراش در دنیا می‌سازد. گرایش او بعد از انقلاب به سمت معماری هایتک است. حمامی در سر بندر، که از شهرهای خوزستان است، طراحی کرد. در آن فرم‌های گنبدی را با رویکرد مدرن نسبت به گنبدهای معمولی استفاده کرده است. ساختمان شهرداری سربندر از دیگر کارهای اوست. در آن از طاقها و حیاط مرکزی با رویکرد نوین استفاده کرد. او یکی از اولین آپارتمان‌های ضد زلزله با استراکچر فلزی در تهران را طراحی کرد که استراکچر آن اکسپوز است.

حیدر غیایی: به صورت مشترک با محسن فروغی ساختمان مجلس سنا را طراحی کردند. بعد از انقلاب به ساختمان مجلس اسلامی تبدیل شد و اکنون مجلسی خبرگان رهبری است. شاخص‌ترین عنصر این مجموعه زنجیر

عدل انوشیروان است. (در تاریخ آمده است که انوشیروان بسیار عادل بود و زنجیری را به در خانه آویزان کرده بود و هر کس به او ظلمی شده بود اجازه داشته در هر ساعت از شبانه روز آن را به صدا در آورد و انوشیروان به داد او رسیدگی میکرد). (انوشیروان عادل) آقای حیدر غیایی مفهوم زنجیر عدل را به صورت کاملاً انتزاعی استفاده کرده است. به صورت ۲ ستون که کاملاً دکوراتیو هستند، به کار می برد. هندسه، نظم و تقارن از مشخصه های کار او در دوران پست مدرن است. به دلیل بی ذوقی سازمان صدا و سیمای ما سقف این مجموعه تا به حال مورد توجه قرار نگرفته. این سقف از بخشهای مهم این مجموعه است که بسیار تکنولوژیک و خاص است که فرانسویها آن را با تکنولوژی بسیار پیشرفته بتن ساختند. در همان زمان حدود ۳۵-۴۰ سال پیش جزو شاهکارهای تکنولوژی به حساب آمد. با ظرافت و دقت اجرا شده. از آجر شیشه ای و بتن ساخته شده و نور را با کیفیت خاصی وارد فضای داخل می شد. سقف شیشه ای پارلمان مفهوم بسیار زیاد را می تواند داشته باشد، به عنوان مثال از سقف شیشه ای پارلمان آلمان، که توسط نورمن فاستر طراحی شده است، و به گنبد رایشتاک معروف است، مردم می توانند از بالا به کار نمایندگانشان نظارت داشته باشند. به نوعی تمثیل است به این معنی که نور بر کار نمایندگان بتابد و کارهای آنها شفاف و آشکار باشد، بی هیچ پنهان کاری.

حسین امانت: مجموعه شهید (مجموعه آزادی فعلی) حدود سال ۱۳۴۷-۱۳۴۸ مسابقه ای برگزار شد که معماران زیادی از سراسر دنیا

شرکت کردند که در نهایت حسین امانت از معماران جوان ایرانی برنده این مسابقه شد. حسین امانت آیین بهاییت مقام بالایی داشت و فرد برجسته ای بود. او شاگرد هوشنگ سیحون بود، اما مقام معنوی او آنقدر بالا بود که گفته اند هوشنگ سیحون به محض حضور او در کلاس به احترام او از جا بلند می شد. در زمان این مسابقه هوشنگ سیحون رئیس شورای شهر تهران بود، بعضی ها شایعه پراکنی کردند که به دلیل اینکه او شاگرد سیحون بوده طرحش در این مسابقه برنده شد، اما این شایعه حقیقت نداشت و ملاک قبولی این پروژه ارزشهای نهفته در آن بود.

او در این پروژه که قرار بود نمادی باشد برای تاریخ معماری ایران، از دو المان که در تاریخ معماری ایران بسیار کاربرد داشت استفاده کرد: قوس نیم بیض (قوس ساسانی) و قوس جناغی (قوس پنج و هفت) در واقع او معماری ایران را با این کار به دو دوره: ۱- معماری ایران در دوران باستان و ۲- معماری ایران در دوره اسلامی تقسیم کرد. اساس طراحی این پروژه قوسها هستند. بخش اعظم این مجموعه در زیر میدان قرار دارد که امروز به نام فرهنگسرای آزادی است و دارای سینما، گالری، نمایشگاه است. ورودی با پله به زیر دسترسی ایجاد می کند. از طریق پله. به دلیل مدیریت نالایق آن خیلی فعال نیست. قوس بیض ساسانی با یک کاربردی به قوس جناغی تبدیل می شود. اوایل صبح بیشتر قوس بیض دیده می شود و هنگام غروب قوس جناغی آن بیشتر دیده می شود. تکنیک ساخت آن بسیار پیشرفته توسط شرکت خارجی با پیچیدگی خاص اجرا شده. سنگ های استفاده شده در

بدنه آن به صورت غیر مشابه برش خورده و چیده شده است. در درون کاربرندیاها انتزاعی از کاشیکاری قدیم است با بیان مدرن پرشده. تناسبات طلایی و هندسه در آن مشهود است. در اوج کار آبنا قرار داده که نشانگر اهمیت آب در فرهنگ ایران است. از مجموعه زیرین با ۲ مرحله آسانسور می توان به بام رفت و چشم انداز آن بسیار زیباست. ۱۰۰ متر ارتفاع دارد و از دیگر کارهای تکنولوژیک انجام شده در این پروژه اینکه از سنگ گرانیات کوه الوند در همدان که سنگ بسیار مقاومی است به عنوان قالب در جای بتن استفاده شده قالب را خارج نکردند و این باعث افزایش استحکام بنا شده استفاده. در فضای زیرین برج از نورپردازی شاخصی استفاده شده و به تعبیری گفته اند حسین امانت از تعالیم بهائیت در طراحی مجموعه زیرین استفاده کرده که شامل چند فضای تو در تو می باشد که در آیین بهائیت عارفی که می خواهد به حق برسد باید از چند مرحله عبور کند. حسین امانت در کانادا هم اکنون فعالیت معماری می کند. ساختمان سازمان میراث فرهنگی تهران: در خیابان آزادی فعل، این مجموعه با الهام از ساختار بازار ایرانی ساخته شده. در بازارهای ایرانی ۴ سوق وجود دارد که آن ۴ سوق فضای تقسیم است به راسته های مختلف تقسیم می شود. در این پروژه پس از ورود به حیاط می رسید و سپس به یک ۴ سوق و از آنجا تقسیم فضاها می شود. یک ساختمان دیگر بعد از انقلاب به این مجموعه اضافه شده که از کارهای مهدی حجت و دکتر می باشد. هندسه، نظم و سلسه مراتب در این بنا مشهود است. پنجره در عمقی نشسته که نور متفاوتی را به

داخل بدهد و در واقع شفافیت دوران مدرن در این بنا به حداقل رسیده. موزه ملی ایران که در نزدیکی مقبره کورش هخامنشی قرار دارد از دیگر کارهای اوست که متاسفانه به پایان نرسیده و فقط اسکلت بتنی آن اجرا شده و تاکنون متوقف مانده. تمام معماری آن زیر زمین است به دلیل اینکه از خط افق مقبره کورش فراتر نرود و به نحوی احترام مقبره کورش حفظ شود در آن از دیوارهای کج بتنی استفاده کرده است.

نادر اردلان: او در دانشگاه هاروارد معماری را آموخت و فارق التحصیل شد. قبل از بازگشت به ایران با همکاری همسرش لاله بختیار، کتاب "حس وحدت" را نوشتند. این کتاب توسط دانشگاه MIT چاپ شد. آنها با الهام از سنت و مسائل فلسفی این کتاب را نوشتند. لاله بختیار در فلسفه تخصص داشت و به او کمک فراوانی کرد. پس از بازگشت به ایران توسط بنیاد فرح حمایت شد و آثار شاخصی به او محول شد. مجموعه مرکز مدیریت دولتی که تحت عنوان شعبه دانشگاه هاروارد در تهران تاسیس شد، از کارهای نادر اردلان است. حبیب لاجوردی، یکی از سرمایه داران آن زمان، تصمیم گرفت مرکزی جهت مدیران کارخانه هایش در ایرن به نام "مرکز مدیریت دولتی" تاسیس کند. او با عقد قرار دادی با دانشگاه هاروارد ترتیبی داد تا این مرکز جهت تربیت مدیران کارخانه هایش در ایران تاسیس شود. اکنون دانشگاه امام جعفر صادق نام گرفته در نزدیکی پل مدیریت تهران. دارای ساختار باغ ایرانی است او ۴ باغی طراحی کرده که در وسط آن کتابخانه ای شبیه به کوشک وجود

دارد. در پیرامون آن اقامتگاه دانشجویان را به شکل ۶ ضلعی با حیاط مرکزی طراحی کرد. سیستم طراحی این پروژه بر اساس سیستم آموزش حوزه های علمیه است و برخلاف سیستم آموزش مدرن که دانشجویان به صورت ردیفی می نشینند و به مدرس توجه می کنند. او این سیستم را گذاشته که دانشجویان به صورت حلقوی می نشینند و استاد یکی از اعضای این حلقه است و مدرس متکلم وحده نیست. بسیار از رنگ و بوی معماری ایران در این بنا استفاده کرده، آجر، طاق و قوس. او در یک سوئیت اقامت دانشجویان توسط نور گیری از پنجره، اتاق را به ۲ قسمت مساوی تقسیم کرده. قبل از انقلاب ۲ سال این دانشگاه فعالیت کرد و اساتید استادان پروازی از هاروارد می آمدند و تدریس می کردند ۵۰-۶۰ نفر که از این دانشگاه فارغ التحصیل شده اند اکنون جزء برترین مدیران کشور هستند.

نادر اردلان سالها در دفتر عبدالعزیز فرمان فرمائی کار می کرد برجهای سامان را نادر اردلان طراحی کرد، اما به اسم دفتر عبدالعزیز فرمان فرمائی تمام شد. به همین دلیل از این دفتر جدا می شود سپس نادر اردلان و یحیی فیوضی شرکتی به نام ماندالا تاسیس می کنند. یکی از کارهای مهندسین مشاور ماندالا، کانون پرورش فکری کودکان در خیابان حجاب کنونی، کمی پایین تر از هتل لاله است. قبل از انقلاب طراحی شد و در حدود سال ۱۳۷۵ اجرا شد. مجموعه دانشگاه بوعلی سینای همدان از دیگر کارهای مهندسین مشاور ماندالا است. ساختمان کانون پرورش فکری کودکان، که ساختار آن بر اساس بازار ایرانی است، دارای

یک سرسرا، دو راسته بازار که در دو طرف آن غرفه های فروش محصولات فرهنگی کودکان است. نورهایی که از سقف می آید، رواقها بسیار حس بازار ایران را تداعی می کند و زیاد با کودکان در ارتباط نیست.

یحیی فیوضی: او پس از انقلاب به دلایل مشکلات سیاسی مجبور به خروج از ایران شد و در سال ۱۳۷۶ ریاست جمهوری آقای خاتمی تصمیم به ساخت محلی برای برگزاری اجلاس سران کشورهای اسلامی در زمان کوتاهی گرفت. پیشنهاد طراحی این پروژه توسط یکی از شاگردان او به یحیی فیوضی داده می شود و به دلیل کم بودن زمان، عملیات طراحی و اجرا به صورت همزمان انجام شد. یحیی فیوضی قبل از انقلاب طرحی با نام مرکز موسیقی تهران انجام داد که گنبد طراحی شده آن را برای ساختمان اجلاس استفاده کرد. گنبد آن مخروطی بود که محورش به سمت یکی از اضلاع تغییر جهت داده بود. مخروط ناقص بود.

این پروژه رنگ و بوی معماری ایرانی را کاملاً در خود جای داده. استفاده از آجر، هندسه و نظم در آن مشهود است. از روزه هایی که در معماری بازارها وجود دارد، که آنرا هورنو می نامند، الهام گرفته و این روزه ها را تکثیر کرد. و هنگامیکه نور وارد می شود به دلیل همپوشانی نورها سایه ای نمی بینیم و در طول روز نیازی به روشنایی مصنوعی ندارد. بسیاری از اجناس مورد استفاده از خارج کشور وارد شد. از ویژگیهای مهم این پروژه این است که در سال ۷۶ از سیستم درای وال (که هم اکنون توسط شرکت کناف و ... تولید می شود) در

بدنه این مجموعه استفاده شده. دور ستونها
آجر شیشه ای استفاده کرده که حالت معلق
بودن سقف را تداعی می کند.

حیاط مرکزی و گنبد همه و همه در آن جا
داده شده. در این بنا او حتی برای راندو از
تکنیکهایی که در مینیاتور ایرانی وجود داشت،
استفاده کرده است.

علی اکبر صارمی: دکترای معماری را از امریکا

گرفته. استاد راهنمای او لویی کان بوده. لویی
کان تاثیر زیادی بر معماران معاصر داشت، از
جمله نادر اردلان، یحیی فیوضی، کامران دیبا،
علی اکبر صارمی تحت تاثیر او
بودند. ویلایی که صارمی در شمال
طراحی کرده برای خودش، با الهام از ۵ معمار
نیویورکی طراحی شده است. از آثار معروف او
خانه افشار است که قبل از انقلاب طراحی شده
است. این خانه هم تحت تاثیر ۵ معمار
نیویورکی انجام داده (۵ معمار نیویورکی بحث
عمق فضایی در کارهایشان بسیار مطرح بود)
در این پروژه فضاها لایه لایه است و دید به
عمق فضا نفوذ می کند، استراکچر اکسپوز
(نمایان) است، استفاده از آجر، تداعی کننده
خانه های قدیمی ایران با سایه روشنها و پرو
خالی ها می باشد، عده ای کارهای صارمی قبل
از انقلاب را بیشتر می پسندند و کارهای بعد از
انقلاب او را قوی نمی دانند.

فرهاد احمدی: او دو دوره کاری دارد در یک

دوره کاری گرایش به سمت پست مدرنیسم
داشت و در دوره ی دیگر گرایش به های تک و
اکوتک و پایداری .

مجموعه فرهنگی سینمایی دزفول: که جهت
جایزه آقاخان کاندید شد اما رتبه نیاورد. در
سالهای ۷۱-۷۲ ساخته شد. در آن از المانهای
معماری گذشته ایران استفاده شده، به عنوان
مثال: استفاده از بادگیر عملکرد نورگیر، قوسها،

هادی میرمیران: به نظم زندگی کاری او به
دو بخش تقسیم می شود: ۱- قبل از آشنایی
با بهرام شیردل ۲- بعد از آشنایی با بهرام
شیردل.

در دوره اول شیفته معماری ایران بود و سالها
در اصفهان رئیس طراحی شرکت فولاد مبارکه
اصفهان بود. مهندسین مشاور نقش جهان
پارس را تاسیس کرد در تهیه طرح جامع
اصفهان نقش داشت تا سال ۷۴ گرایش به
معماری گذشته ی ایران داشت. در دوره دوم
از مفاهیم معماری ایران در قالب فرم های
امروزی و جدید استفاده می کرد. بعد از پروژه
کتابخانه ملی وارد دوره دوم شد .

مجموعه فرهنگستان های جمهوری اسلامی
ایران: سال ۱۳۷۴ مسابقه ی فرهنگستانهای
جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. طرح هادی
میرمیران از مهندسین مشاور نقش جهان پارس
رتبه اول را کسب کرد اما به دلیل دخالت
مقامات حکومتی، طرح اول اجرا نشد و طرح
چهارم پذیرفته شد (کار مهندسین مشاور
نقش) در آن زمان تشخیص دادند که این
طرح با معیارهای اسلامی مغایرت دارد.

میرمیران از عناصر معمای گذشته ایران در این
پروژه استفاده کرده بود. از جمله: پلکان تخت
جمشید، فرم ۴ طاقی، تالار ستوندار، حیاط
مرکزی، صفا. دارای سه برج برای ساختمان
اصلی سه فرهنگستان جمهوری اسلامی است:
۱- فرهنگستان ادب ۲- فرهنگستان هنر ۳-

فرهنگستان علوم. بعد به صورت نمادین آنها را در بالا به هم وصل می کند و کتابخانه مرکزی را در بالا قرار می دهد که به صورت مشترک استفاده شود. این سه برج را بصورت نمادین سدی در برابر هجوم فرهنگ غرب می داند. این بنا را با الهام از مسجد کاج در اصفهان طراحی کرده بود. این مسجد در حال حاضر تخریب شده و از بقایای آن می توان این الهام را فهمید. (فصلنامه شارستان شماره ۳-۴)

در زمان ریاست جمهوری آقای رفسنجان، دستور ساخت مرکز اسناد ریاست جمهوری در رفسنجان را صادر کرد! میر میران آن را طراحی کرد یک دیوار با یک فرم مخروط بود، این ساختار دقیقاً در یخچالهای مناطق کویری موجود است (برفها را در کنار دیوار جمع می کردند. و از سایه دیوار برای جلوگیری از آب شدن آنها استفاده می کردند سپس برفها را به داخل یخچال می بردند) در دولت بعدی ضرورت وجود مرکز اسناد ریاست جمهوری در رفسنجان مورد تردید قرار گرفت و این طرح به سفارش خانواده ی رفسنجانی به ورزشگاه تغییر کرد. با اینکه عملکرد تغییر کرد اما میرمیران فرم پروژه را تغییر نداد. میرمیران معتقد بود عملکرد خیلی مهم نیست و بر فرم تاکید می کرد و در تضاد با شعار "فرم از عملکرد تبعیت می کند" قرار داشت. پروژه دارای ۲ استخر است. یک استخر در فضای باز و دیگری در فضای بسته - ۲ سالن دارد یکی سالن کشتی و دیگری سالن ورزشهای رزمی. استراکچر بتنی است.

پرویز موید عهد: ساختمان اداری دفتر کار نمایندگان مجلس توسط پرویز موید عهد

طراحی شد. او سالها استاد دانشکده هنرهای زیبای تهران بود، بهایی بود و بعد از انقلاب از ایران خارج شد، هنگام ساخت مصلی تهران توسط یکی از دانشجویان، او دعوت به طراحی این مصلی می شود. این بنا نقطه تاریکی در تاریخچه کارهای اوست. تناسبات ندارد. اما در آن از المان های معماری گذشته بسیار استفاده نموده است.

ساختمان جدید مجلس شورا اسلامی: طرح اولیه آن قبل از انقلاب توسط دفتر سردار افخمی و همکاران انجام شد اما با انقلاب متوقف شد در سال ۷۴-۷۳ دوباره تصمیم به ساخت آن گرفته شد. آقای عبدالرضا ذکایی که قبل از انقلاب در دفتر سردار افخمی مشغول به کار بود، و بعد از انقلاب مهندسین مشاور پل میر را تشکیل داد، طراحی این پروژه به او محول شد و او هم بر اساس همان طرح قبلی سردار افخمی، طراحی را مجدداً انجام داد. نقدهای زیادی راجع به آن شد از جمله: هر می که کار شده بی ارتباط با معماری ایران است. عظمت گرایی آن خیلی زیاد است. انسان را تحقیر می کند، مقیاس انسانی ندارد. سطح این بنا قرار بود شیشه ای باشد که با مخالفت وزارت اطلاعات مصالح آن به سنگ تغییر یافت. این پروژه رویکردی دیکتاتور گونه دارد در آن نقطه شاخصی وجود دارد همه نقطه ها به آن ختم شده . یکی از ستونهای آن که در پشت سر ریاست مجلس قرار دارد، اساس سازه است و ساختمان به نوعی سازه تک محوری را داراست.

ساختمان جدید کتابخانه ملی ایران: قبل از انقلاب مسابقه ای برای آن برگزار شد یک مهندسین مشاور آلمانی به نام فن گرکان و همکاران برنده شد. با انقلاب به اجرا نرسید. رویکردی پست مدرنیستی داشت و البته مقیاس انسانی. ساختمان کاملاً افقی است. حیاط مرکزی و مفاهیم معماری ایران در آن رعایت شده.

بعد از انقلاب هم مسابقه ای میان چند مهندسین مشاور ایران برگزار می کنند. مهندسین مشاوره نظیر نقش جهان پارس، مشاور نقش، دکتر صارمی، فرهاد احمدی، پیر راز و طرح مهندسین مشاور پیر راز که توسط یوسف شریعت زاده طراحی شده بود، برنده می شود. این طرح هم دارای مقیاس انسانی است، ساختمان کاملاً افقی طراحی شده، سازه بتنی را دارد، استعاره ای از قوسهای معماری گذشته در آن وجود. نمای آجر، بتن اکسپوز. از نقدهایی که به این پروژه شده اینست که: خوانایی عملکردی ندارد و بازدید کننده برای اولین بار سردرگم می شود.

میدان های فضایی

دانشمند هواشناسی به نام ادوارد لورنتز در حوزه های مختلف هواشناسی تحقیق می کند و به این نتیجه می رسد که سیستم جهان بر اساس یک سیستم بی نظم، آشوبی و غیر پیوسته استوار است. بر خلاف تصور گذشته - او در واقع بحث افلاطون به عنوان گذشته حال آینده را مانند یک سیستم حلقوی بیان می کند که مرز قطعی بین آنها وجود ندارد، ممکن است گذشته ای ۱۰ یا ۱۵ سال پیش اتفاق افتاد، امروز هم به وقوع بپیوندد. بحث سیر خطی را در زمان تبدیل می کند به سیر چرخشی (دیاگرام پیچیدگی). مدام حلقه در حال تغییر از شکلی به شکل دیگر است. به نوعی بال زدن یک پروانه در برزیل می تواند باعث یک طوفان شود در کالیفرنیا. او مثالی می زند که می خواهد ویژگی میدانهای فضایی را توضیح دهد: مسجد کوردوبا (قرطبه) در جنوب اسپانیا. (کتاب "ایران در اسپانیا"، نوشته ی شجاع الدین شفا بسیار خواندنی است. او در این کتاب به این بحث می پردازد که به وجود آمدن رنسانس در اروپا، ترجمه افکار دانشمندان ایرانی بوده در اروپا) هسته اولیه مسجد بسیار ساده بوده: محراب، سیستم شبستانی ساده. در دوره های بعد مسجد را گسترش می دهند با توجه به افزایش مسلمانان در حدود ۴۰۰ سال توسعه آن ادامه داشت. بحثی که ادوارد لورنتز می کند این است که: با توسعه مسجد در چند دوره ساختار آن از هم نپاشید.

یکی از ویژگیهای میدان های فضایی این است که قابلیت تکرار و توسعه دارند و دیگر اینکه بین کل و جزء رابطه برقرار است و هیچ نقطه

شاخصی در یک میدان فضایی وجود ندارد. سلسه مراتب فضایی نفی می شود. این مسجد در حدود ۴۰۰-۳۰۰ سال است که کلیسا شده است. ادوارد لورنتز مسجد کوردوبا را با سیستم شهرسازی رنسانس مقایسه می کند و بیان می کند شهرسازی در رنسانس بر اساس هندسه استوار است، یعنی بر اساس فرم های خالص و هم هندسه به دلیل قالب های مشخص محدود است و قابلیت توسعه زیادی ندارد و اختلاف این معماری را با معماری قبلی تفاوت میان جبر و هندسه می داند. تکرار شونده گی و نامحدود بودن را جز خصوصیات جبری می داند، ولی در هندسه تنها یک راه حل وجود دارد. او ساختار شهرسازی رایج ایران را که بعدها توسط اسلام به اسپانیا رفت، بر اساس جبر می داند. زیرا قابلیت تکرار شونده گی و گسترش دارد. ولی ساختار معماری اروپا را بر اساس هندسه می داند. به همین دلیل شهرهای دروه رنسانس وقتی ظرفیت آنها تکمیل می شد، دیگر قابلیت توسعه نداشتند. شهرهای رنسانس اکثرا ستاره ای شکل هستند. در ایران سیستم شهرسازی ارگانیک است و گسترش از هر طرف امکان پذیر است؛ که بعدها این کیفیت میدان فضایی نام گرفت. پیرانزی همچنین از نقاشیهای جیووانی پیرانزی، که در کارهای آیزنمن تاثیر گزار بود، یاد می کند که در کارهایش به خوبی می توان میدان فضایی را لمس کرد، نقطه شاخصی در کارهای او نیست و همه جای آن دارای ارزش یکسان است.

مینیمالیسم یا حداقل گرایی

این همان بحثی است که میس وندررو

کرد.

در کارهایش با نام Less Is Mor

یعنی "هر چه کمتر غنایش بیشتر" مطرح کرد.

یعنی با کم ترین اشیا و تکنیک ها حرف خود را

در اثر هنری بزنید. یکی از هنرمندان مطرح

مینیمالیست کازمیر مالویچ است. او نقاش

روسی است که بعد به امریکا مهاجرت کرد.

نقاشی او با عنوان مربع سیاه که در سال ۱۹۱۴

کشیده، یکی از نقاط اوج مینیمالیسم نام داده

اند در واقع هنرمندان مینیمالیست در نقد

نقاشی رئال، واقع گرایانه، این کار را انجام

دادند. به دلیل رواج بیش از حد نقاشی

رئالیستی، هنرمندان آن را بی ارزش شمردند و

بر این باور شدند که اثر هنری باید ذهن بیننده

را به خود مشغول کند، نه اینکه هر آنچه که

در جهان خارج است، هم در نقاشی عینا تکرار

شود. و هر کسی برداشت خودش را باید از اثر

داشته باشد. موندریان هم چنین عقیده ای

داشت و آثار این هنرمندان را انتزاع ناب یا

تجريد خالص نام گذاری کردند. این نقاشان در

اوایل قرن مبنای نقاشی مدرن را گذاشتند.

تابلوی از موندریان که شهر را کشیده و آنقدر

انتزاعی آن را ترسیم کرده که ممکن است

در کی از شهر در بیننده القا نکند. تابلوی

برادوی اثر دیگر اوست که یکی از خیابان های

معروف محله منهتن نیویورک را نمایش داده

که، پر از آسمانخراش است و سیستم

شهرسازی آن کاملا شبکه شطرنجی است. او

انتزاع نابی از این محله را به ترسیم آورده.

موندریان اصولا اساس کارهاش را بر سه رنگ

اصلی: آبی، قرمز، زرد و تنالیته های سفید و

خاکستری گذاشت و در این چارچوب کار می

تادائوآندو: رویکرد مینیمالیستی در معماری دار.

او معمار ژاپنی است که در مکتب لوکوربوزیه

آموزش دیده. او شاگرد شاگرد لوکوربوزیه

است و به صورت تجربی معماری را فرا گرفته.

خانه کوشینو: او ساختار مکعب ساده را در نظر

گرفته و در آن پر و خالی انجام داده. او از بتن

اکسپوز در خارج پروژه استفاده کرده و همه

چیز را در حداقل طراحی کرده. او با محاسبات

دقیق نور طبیعی را به درون هدایت می کند و

نقوشی را بر روی دیوار به واسطه ورود نور

ایجاد می کند.

بروتالیسم در معماری: بسیاری معتقدند اولین

بار بحث بروتالیسم توسط لوکوربوزیه مطرح

شد. لوکوربوزیه مطرح کرد که ما باید مصالح

را همانگونه که هستند به کار ببریم و خیلی

مصالح را پرداخت یا صیقل نکنیم. یعنی سنگ

باید ویژگی سنگ بودن را حفظ کند. در دهه

۶۰ پتر و آلیسون اسمیتسون، زن و شوهر

انگلیسی، بحث بروتالیسم را به عنوان یک

سبک مطرح کردند - در کارهای تادائوآندو

که بتن را به شکل طبیعی در بدنه قرار داده و

هیچگونه صیقلی به آن نداده، نوعی بروتالیسم

را نمایش داده است. مجموعه سینما ملت اثر

رضا دانشمیر هم در ایران نمونه خوبی از

بروتالیسم است.

ماکسیمالیسم یا حداکثرگرایی:

برخلاف مینیمالیسم است و سعی دارد با

حداکثر اشياء و مصالح حرف خود را بیان کند.

از پیروان این سبک واسیلی کاندینسکی است. او

از از اساتید نقاشی مدرن است. سالها در مدرسه باوهاوس تدریس می کرد. اصالتش روسی بود به آلمان مهاجرت کرد و بعد از آن به آمریکا رفت. او تابلویی دارد که هیچ عنوانی ندارد و به نوعی میدان فضایی کاملی است و هیچ بیانگر نیست و امکان برداشت خاصی را نمی دهد و بیشتر فضا و رابطه بین آن مهم است. نقطه شاخصی در کار وجود ندارد. قابلیت توسعه هم دارد. از کتاب های او "هنر و معنویت" و "نقطه، خط، سطح" به فارسی ترجمه شده است.

جکسون پولاک: او نماد نقاشی مدرن امریکا و

از پیروان ماکسیمالیسم است. برخلاف مالویچ که با حداقل رنگ حرف خود را روی بوم می زد، پولاک با حداکثر رنگ اثر خود را نقاشی می کند. نام این نقاشان را اکشن پینتینگ (نقاشان با تحرک) گذاشته اند. جکسون پولاک برای اولین بار قلم مو را جهت نقاشی کردن حذف کرد، او به جای اینکه با قلم مو رنگ را روی بوم بگذارد، با قوطی رنگ را روی بومی می ریزد. نابغه ای بوده که در سن ۳۸ سالگی بر اثر تصادف مرد. یکی از آثار او در موزه هنرهای معاصر ایران، که توسط کامران دیبا خریداری شده بود، موجود است. ابعاد نقاشی های پولاک بسیار بزرگ است و در مواردی به ۵ در ۷ متر هستند.

مارک روتکو: از دیگر نقاشان اکشن پینتینگ

بود. او رنگ را به جای اینکه روی بوم بمالد، بر روی کنده درخت می مالید و سپس روی بوم می کشید.

گروه آسمان آبی (کوپ هیمل بلو): دو

آرشیئتکت اتریشی، خانه ای طراحی کرده اند به نام Open House یا خانه آزاد که در

این پروژه با حداکثر عناصر صحبت می کنند و کارهای آنها در حوزه دیکانستراکشن قرار می گیرد. تفاوت تادائو آندو و گروه آسمان آبی در این است که آندو با حداقل عناصر فضا سازی می کرد، اما گروه آسمان آبی با حداکثر عناصر فضا سازی می کند. این گروه بحثی را با عنوان اسکیس با چشمان بسته مطرح کرد که جالب است. یعنی هنگامیکه ذهنیاتما را می خواهیم به کاغذ منتقل کنیم، اگر چشم باز باشد، تمرکز را برهم می زند. خانه آزاد آنها از همین روش اسکیس های اولیه اش زده شده.

پست مینیمالیسم:

جنبشی بود که در نقد جنبشهای قبلی هنر شکل گرفت. مثلاً چرا اثر هنری باید در گالری باشد؟ اثر هنری می تواند در دل طبیعت باشد. یا در نقد اینکه چرا اثر هنری باید قابل خرید فروش باشد؟ یا مثلاً مقوله دوام اثر هنری را زیر سوال بردند. معتقدند یک اثر هنری چرا باید ۴۰۰ سال عمر داشته باشد. یک اثر هنری می تواند تنها ۵ دقیقه یا یک لحظه عمر داشته باشد.

والتر ماریا: هنرمند آمریکایی که در یک گالری

۵۰۰ چوب به ارتفاع 2 m را در گالری چید و نام اثرش را یک کیلومتر شکسته گذاشت. او در واقع یک کیلومتر چوب را در یک گالری جای داد. بحثی به نام اینستالیشن یا چیدمان در هنر مطرح است که نحوه چیدن اثر در گالری شاخه ای از هنر می شود. از دیگر آثار شاخص ماریا، اثری به نام «آسمان و زمین» است. در این اثر، در مجدوده ای در حدود یک کیلومتر در یک کیلومتر، ۴۰۰ لوله فلزی به ارتفاع ده متر را به فاصله ده متر از یکدیگر در

یک سایت جای می دهد. اثر هنری او هنگامی کامل می شود که رعد و برقی از آسمان به نوک این میله ها بخورد و تصویر ویژه ای به وجود آورد. در واقع این اثر ممکن است یک لحظه کامل شود. او این سایت را هوشمندانه در جایی در مکزیک انتخاب کرده که رعد و برق ها تا سطح زمین می آیند. این اثر او قابل خرید و فروش نیست، دوام ندارد، مالکیت ندارد.

آنیس کاپور: هنرمندی هنری است که ساکن لندن است. او یکسری میدان فضایی و void خلق می کند. در این اثر تعدادی قطعه سنگ را در گالری چیده و اظهار می کند مساله اصلی فضاهای خالی بین قطعه سنگهاست. او در این اثر هیچ نقطه شاخصی قرار نداده و قابلیت گسترش را داراست و بین کل و جزء آن رابطه برقرار است.

یکی دیگر از هنرمندان پست مینیمالیسم کریستو است. تکنیک او بسته بندی کردن است. او آثار هنری و معماری را بسته بندی می کرد تا به گونه ای رمز آمیز شوند. مدتی این آثار را به صورت بسته بندی قرار می داد، و سپس آنها را باز می کرد. در این اثر او مرزی را در جزیره ای به صورت مصنوعی ایجاد کرده است. در اثر دیگری آسمان خراشی در نیویورک را بسته بندی کرده. حتی یک جزیره را در اقیانوس آرام بسته بندی کرد. ساختمان مجلس آلمان (که گنبد رایشتاک اش کار نورمن فاستر است) را هم به مدت ۱۰ سال که در حال مرمت بود، بسته بندی کرده بود.

لند آرت هم در حوزه پست مینی مالیسم است. جزیره های مصنوعی که در اقیانوس به شکل

حروف الفبای انگلیسی درست شد، هم در این حوزه اند. این جزایر به دلیل جزر و مد دریا یک ماه بعد از بین رفت. دان فلاوینگ با نورهای فلورسنت فضاهایی را ایجاد کرد که خاصیت میدانها را داشت. جیمز تورل آتشفشان مصنوعی ساخت، پتر اسمیتسون راه مصنوعی را در آب درست کرد، که یک ماه بعد جزر و مد دریا آن را از بین برد.

دوسیستمی (بینابین):

دانیل لیسکیند در این حوزه بسیار فعالیت داشته. او دو دایره داخل هم را طراحی کرد که جدیداً آرم شرکت او هم شده است. او معتقد است اگر دوسیستم داشته باشیم به نام a , 1 و این دو سیستم محدوده ی هم پوشانی به نام p داشته باشند، وقتی در سیستم a هستیم احساس آزادی نمی توانیم داشته باشیم و وقتی می خواهیم وارد سیستم دیگر شویم، لحظه ای هست که شما بین دو سیستم هستید و آن لحظه ایست که می توان احساس آزادی داشته باشیم. وقتی می خواهیم وارد سیستم دیگر شویم، یک لحظه ای بینابین هست که شما بین دو سیستم هستید و آن لحظه ایست که می توان احساس آزادی کرد. وقتی در مرز بین سیستم ها حرکت کنیم، احساس آزادی خواهیم داشت نه وقتی که درون یک سیستم هستید. کولی ها که خیلی درگیر زندگی شهری نیستند، کسانی اند که همواره روی لبه ها راه می روند و آزاد ترند.

دانیل لیسکیند می گوید: اگر ما خود را در شرایط بینابین قرار دهیم بهتر می توانیم خلاق باشیم.

جریان دو سیستمی از مارسل دوشان آغاز شده. از اثر او بنام «شیشه بزرگ یا عروس را مجردها برهنه می کنند حتی»

دیوید ساله: نقاش دیکانس تراکتیویست آمریکایی است. اساس کار او دوسیستمی است و نوعی دوگانگی را به نمایش می گذارد. او دو تصویر را کنار هم می گذارد که هر کدام یک حرف میزنند و بیننده باید بین آنها رابطه ایجاد کند. این هنرمند معتقد است که از طریق مشاهده این دو تصور، پیامهای بیشتری را می توان منتقل نمود و ذهنی که بینابین این دو حرکت می کند، برداشت های بیشتری دارد.

دیمن هرتز: او انگلیسی است از برترین مجسمه سازان نیمه دوم قرن ۲۰ شناخته شده. او به مرگ توجه کرده و سعی می کند مقوله مرگ را جاودانه کند. دیمن هرتز یکسری حیوانات را در ماده فرمالین معلق می کند. این ماده باعث عدم نابودی جسم می شود و بدن را حفظ می کند. برای پیوند، یک عضو از انسان به انسان دیگری آن را در فرمالین قرار می دهند تا خاصیت خود را حفظ کند. او اثری دارد به نام مادر و فرزند جدا شده (دو نیم شده). او گاو ماده ای که فرزندی را در شکم داشته و به دلایلی مرده را از وسط دو نیم می کند و آنها در دو جعبه ی شیشه ای که از ماده فرمالین پر است، معلق می کند و جدا از هم قرار می دهد. هنگام عبور از میان این دو باکس شیشه ای، از وسط بدن گاوی عبور خواهیم کرد که جای بچه در درون آن خالی است این فضا، فضا ی تجربه نشده ای است.

خانه دیوار جان هیدک که به نوعی دوسیستمی است که یک طرف دیوار فضای اصلی قرار دارد و طرف دیگر دیوار فضاهای خدماتی قرار دارد.

پیتر آیزنمن مبحثی به نام همراهی انسان با کامپیوتر مطرح می کند و سعی می کند این دو سیستم را به موازات هم پیش ببرد در فرآیند طراحی. او سعی می کرد نوعی تعادل میان این دو (انسان، کامپیوتر) برقرار شود. پروسه تولید فرم: شبکه شطرنجی ساده در اثر همراهی کامپیوتر و انسان به موازات هم به یک شکل جدید و بدیع تبدیل می شود. در واقع آیزنمن سعی می کند نقد کند روند طراحی موجود را. این روش طراحی فرآیند محور است. فرم در فرایند شکل می گیرد و از اول اطلاعاتی راجع به محصول موجود نیست.

مجموعه فرهنگی هنری استیتن آیلند: در آمریکا، پروژه در کنار اقیانوس اجرا شده. از نمونه های همراهی انسان و کامپیوتر است.

تالار همایش نارا: اثر بهرام شیردل. در سال ۱۹۹۲ مسابقه ای برگزار شد، معماران مختلف از سراسر دنیا طرح ارائه کردند، کار شیردل جزء ۱۰ طرح برگزیده بود اما طرح آراتا ایسوزاکی برنده شد و اجرا شد. ساختار طرح بهرام شیردل بر اساس بینابینی بود. منتقدین ساختار معابد بودایی را به کار او نسبت داده اند. در معابد شهر نارا، اول فضایی به عنوان معبد ساخته می شد و بعد یک مجسمه بزرگ بودا در درون آن می گذاشتند. یعنی بین ظرف و مظهر رابطه دقیقی وجود ندارد. یعنی با نگاه به مجسمه بودا فضای داخلی را طراحی نمی کنند. شیردل هم در این پروژه دو سیستم

متفاوت طراحی می کند. یکی مکعب ساده و منظم و دیگری پوسته ای که بر روی آن می آید و کاملاً نامنظم است. از این پروژه به نام معماری فولدینگ یاد می شود بعد از این پروژه ی او بحث فولدینگ در جهان بسیار مطرح می شود و تئوریهای آن مدون می گردد.

طرح توسعه موزه یهودیان برلین: اثر دانیل

لیبسکیند است. در این پروژه بینابینی و دو سیستمی وجود دارد. لیبسکیند در مدرسه کوپر یونیون تحصیل کرد. شاگرد جان هیدک بود ۱۵ سال کار تئوری و مطالعاتی معماری انجام داد. در ۱۵ سال اخیر در زمینه طراحی معماری وارد شده است. او استاد بهرام شیردل است. ساختمان قدیمی موزه تاریخ یهودیان برلین به شکل U است. ساختمان تاریخی است و چندین سال قدمت دارد. طرح توسعه آن را لیبسکیند ارائه داد. این پروژه از پربحث ترین پروژه های ابتدای قرن ۲۱ است. بحث اساسی این پروژه دوسیستمی است. دارای یک سیستم پیوسته است و نامنظم و پر است که در دل آن یک سیستم ناپیوسته، منظم و خالی جای داده و این دو سیستم کاملاً متضادند. در مورد

فضاهای خالی گفته اند در واقع جای خالی یهودیان در شهر برلین را نشان می دهد. یکی از منابع الهام او را سمفونی موسی و هارون آرنولد شوئنبرگ می دانند. شوئنبرگ در موسیقی بحثی را مطرح کرد به نام موسیقی ۱۲ تنی و در واقع سیستم های کلاسیک موسیقی را برهم زده و برای ذهنی که به موسیقیهای کلاسیک بتهون و باخ عادت دارد، غیر قابل تحمل و فهم است. شوئنبرگ با یک واسطه

استاد علیرضا مشایخی (صاحب سبک موسیقی پلی فونیک) است.

لیبسکیند نابغه بی نظیری است. در نوجوانی رهبر ارکستر بود و موسیقیدان برجسته ای است. ایده اصلی لیبسکیند این بود که یک موزه تهی بسازد که فضاهایش بیانگر سرگذشت قوم یهود باشد نه اینکه اشیایی که درون آن قرار می دهند بیانگر باشد. در واقع موزه ای که موزه فضاست و از طریق فضاسازی معماری، آن سرگذشت تداعی شود.

بن ون برکل و گروه un استودیو: خانه

موبیوس. در این پروژه فضاهای خانه را بر اساس میزان استفاده و میزان زمانی که در آن فضاها اشخاص طی می کنند، طراحی کرده اند. سیستم خانه به صورتی طراحی شده که در ۲۴ ساعت فرد یکبار از تمام فضاهای خانه استفاده میکند. این را به عنوان نقدی بر فضاهای بلااستفاده در خانه های قدیمی دانستند. فضاهای خانه بر اساس نوع فعالیت سازماندهی شده است. این خانه در دهه آخر قرن ۲۰ طراحی و اجرا شده است. بیمارستان طراحی شده توسط لوکوربوزیه در شهر ونیز، هم از سیستم میدان در آن استفاده شده است. او یک مدول را برای قرارگیری ۲۸ تخت بیمارستانی طراحی کرد و آن را در کل سایت تکرار کرد. او در این کار قابلیت تکرار شوندگی، قابلیت گسترش، و هم ارزشی همه فضاها را به نمایش گذاشته است.

مایکرو مگا (ریز درشت) اثر دانیل لیبسکیند:

او این کارش را جهان بینی خودش معرفی کرده است و معتقد است امروز در چنین فضایی زندگی می کنیم.

آنها در مدرسه aa تحصیل کرده اند و کارمند دفتر رم کولهاس بودند. سپس دفتر معماران خارجی را تاسیس کردند. این پروژه را در سال ۱۹۹۵ طراحی کردند و برنده شدند و هر دو در سن ۲۵ سالگی بودند. رم کولهاس جز داوران این پروژه بود. بحث اساسی در این پروژه با الهام از یک نقاش ایتالیایی به نام لوچو فونتانا شکل گرفته. لوچو فونتانا نقاش مفهوم گرایی بود که از سیستم نقاشی روی بوم خسته شده بود و فضای ۲ بعدی بوم را نقد کرد و با کاتر یکسری شکاف روی بوم انداخت. در واقع او از این طریق فضای بوم را سه بعدی کرد و عمق را به وجود آورد.

طراحان این پروژه هم در بستر سایت ترمینال بندر یوکوهاما یکسری شکاف ایجاد کردند. این شکافها را در برخی جاها به پایین فشار دادند و برخی جاها آنها را بالا آوردند و در واقع تمام فضاها را بینابین این شکافها طراحی کردند.

معماری در دل سایت شکل گرفته. در این پروژه کاملاً ویژگی فیلد یا میدانهای فضایی رعایت شده اعم از: قابلیت گسترش، بین جزء و کل می توان ارتباط برقرار کرد و هیچ مرکز شاخصی در آن وجود ندارد. از ویژگیهای دیگر این پروژه این است که در امتداد شهر طراحی شده است و به نوعی سطح پروژه فضای شهری است و برای استفاده از معماری باید به دل شکافها رفت.

کتابخانه ژوسیو: کار رم کولهاس است. سال ۱۹۹۴ رم کولهاس بحثی به نام سطح پیوسته مطرح نمود. ساختار اصلی این پروژه رمپی است که دور پروژه می چرخد و بالا می آید و پروژه را سازماندهی می کند. کل پروژه یک

پارک لاویت: طرح برنادر چومی برنده شد. در طرح پیترایزنمن از تکنیک سوپر پوزیشن (قراردادن چند لایه روی هم و رسیدن به یک طرح اتفاقی) استفاده شده است.

خانه شیشه ای فیلیپ جانسون در سال ۱۹۴۹-۱۹۵۱ ساخته شد که به عنوان بیانیه معماری مدرن است. ۴۰ سال بعد در سال ۱۹۹۱ فیلیپ جانسون مسابقه بین المللی به نام "خانه شیشه ای دیگر" را برگزار می کند. سوال مسابقه این است: بعد از گذشت حدود نیم قرن از خانه شیشه ای جانسون، در پی فهمیدن این هستیم که نگاه معماری چقدر تغییر کرده؟ یا اینکه امروز معماران راجع به خانه شیشه ای چگونه فکر می کنند؟ معماران برجسته ای از سراسر دنیا مانند: ذاهاحدید و ... شرکت می کنند یک معمار جوان اندونزیایی که مقیم پاریس است برنده شد با نام زینی زینول. او در طرح خود مکعب شیشه ای را در عرض برش هایی داد و قطعه قطعه کرد و در دل هر کدام از لایه ها فضاهایی را خالی نمود. به همین دلیل پروژه n تا سکشن (برش) دارد. پس از این کار او روشی در معماری پدید می آید با نام استریشن یا معماری نواری. معماری ای که در آن لایه های فرم به موازات هم حرکت می کنند و ساختار فرم را شکل می دهند. معمارانی نظیر: ذاهاحدید، پیترایزنمن، بهرام شیردل و با این تکنیک طراحی انجام داده اند.

ترمینال بندر یوکوهاما: در ۱۹۹۵ طراحی شد. اثر دو معمار جوان به نامهای فرشید موسوی و آلاخاندرو زائراپلو گروه f.o.a موسوی ایرانی تبار است و زائراپلو اسپانیایی است. هر دوی

مکعب خالص است که یک رمپ از دل آن شروع می شود و بالا می رود و پیوستگی خاصی را بین فضاها به وجود می آورد. اینجا رم کولهاس تعریف کتابخانه را تغییر می دهد. عموماً کتابخانه ها شامل: مخزن و سالن مطالعه هستند او در این پروژه این دو فضا را ترکیب می کند. کل کتابخانه شامل رمپی است که هم می توان کتاب برداشت و هم مطالعه کرد. پلان هیچ طبقه ای شبیه طبقه دیگر نیست.



هنر و معماری مفهومی:

هنر مفهومی اساساً مدیون مارسل دوشان است. او نقاش، مجسمه ساز و هنرمند بسیار چیره دست معاصر است. او توانست ذهن مخاطب را در هنگام دیدن اثر هنری مشغول به اثر کند. نقدی که مارسل دوشان بیان می کند اینست که تمام تاریخ هنر تا امروز در راستای مسائل بصری پیش رفته، یعنی آثار هنری به گونه ای بودند که چشم بیننده را به خدمت می گرفتند، حالا من می خواهم لذت ذهنی به مخاطبانم بدهم و دیگر زیبایی بصری اثر برایم مهم نیست.

به تعبیر اکتایو پاز، هنر مدرن بین دو نقطه بی نهایت زندگی کرده ۱- پابلو پیکاسو ۲- مارسل دوشان. مارسل دوشان با آزاد کردن اثر هنری از قید مسائل بصری و توجه به مسائل ذهنی، تفاوت پیکاسو و مارسل دوشان در این است که از پیکاسو در حدود ۳۰۰۰ اثر هنری به جا مانده، اما مارسل دوشان دارای ۳۰-۴۰ اثر است. پیکاسو با پرکاری به شهرت رسید مارسل دوشان با توجه به مسائل ذهنی. مارسل دوشان در خانواده هنرمندی به دنیا آمد. در پاریس به دنیا آمد و فرانسوی است دارای دو برادر نقاش و هنرمند که مشهور بودند در فرانسه. از آثار او "برهنه از پلکان پایین می آید" ترکیبی از کوبیسم و فوتوریسم (فوتوریسم نهضتی بود در هنر که سرعت و پویایی و حرکت را نشان می داد و کوبیسم هم از زوایای مختلف به شی نگاه می کرد) است. این اثر قبل از مطرح کردن هنر مفهومی توسط او نقاشی شد. سال ۱۹۱۳ تمام تاریخ هنر را کنار می گذارد و ابراز می کند: هنرمند می تواند فکر کند و یک چیدمان انجام دهد و آن چیدمان

اثر هنری او باشد، نه اینکه ساعت ها وقت خود را با بوم و رنگ سپری کند. او تعریف هنرمند را عوض می کند. او بحث حاضر آماده را در هنر مطرح می کند. هنرمند فقط از چیزهای آماده که در اطرافش موجود است انتخاب می کند و کنار هم قرار می دهد و اثر هنری به وجود می آورد. مثال: بر روی چهار پایه یک چرخ دوچرخه را پیچ می کند و آن را اثر هنری می نامد. از دیگر کارهای او در سال ۱۹۱۷ اثری به نام چشمه است، که شامل یک کاسه توالت است که آن را به نام آر.مات امضا می کند و ارسال می کند برای نمایشگاه مجسمه سازی در پاریس. او با ارسال این کاسه توالت قصد داشت سطح شناخت داوران را محک بزند. او از طریق اسمی که برای این اثر انتخاب می کند، سعی می کند ذهن بیننده را درگیر کند و عکس العمل بیننده را دریابد. در این اثر او در مونالیزای داوینچی دخل و تصرف می کند و برای آن سیل می کشد و نام بی محتوایی چون l.h.o.o.q می گذارد و در تصویر پس زمینه آن هم تغییراتی ایجاد می کند و به نوعی نماد نقاشی کلاسیک (مونالیزا) را به تمسخر می گیرد.

در واقع او زمینه ای را ایجاد می کند که هنرمند می تواند برای خلق اثر هنرمند خود را از آثار هنری خود از آثار دیگر استفاده کند. از دیگر آثار او "شیشه بزرگ" را می توان نام برد. تابلویی دوسیستمی است. او به دلیل دلزدگی که نسبت به بوم داشت نقاشی اش را بر روی شیشه ترسیم کرد و نام آن را "عروس را مجردها برهنه می کنند، حتی" می گذارد او نقاشی بود که خیلی با مسائل جنسی رابطه نزدیکی داشت. پیکاسو و هانری ماتیس هم

@memargold



درگیر مقوله جنسی بودند. او به مدت ۸ سال برای شیشه بزرگ زحمت کشید، سپس آن را کنار می گذارد. کسی که گالری آثار او را داشت تصمیم گرفت آن را به نمایش بگذارد در اثر حمل و نقل و بی احتیاطی می افتد و می شکند. جالب است که دوشان از این اتفاق استقبال می کند و می گوید اثر من تازه تکمیل شد! این کار او بحث جدیدی را در هنرمند باز می کند که هنرمند در خلق اثر هنری دست اتفاق را باز بگذارد و تنها خود او در خلق اثر سهم نباشد و به اتفاق هم امکان دخالت بدهد. بحث هنر مفهومی تا جایی پیش رفت که معتقد بودند که نفس کشیدن هنرمند هم نوعی اثر هنری است. مثلاً او برای شرکت در یک نمایشگاه در نیویورک بطری را ارسال کرد که روی آن نوشته بود، چند سی سی از هوای پاریس! در واقع تولید اثر هنری از یک کار خاص که یک فرد متخصص باید آن را انجام دهد جدا می شود و تمام کارهای روزانه هم می تواند جز آثار هنری باشد.

happennig (هنر اتفاق)

یک صندلی و سه صندلی اثر جوزف کوئوت:

مربوط به ۱۹۶۵ است و متأثر از اندیشه های مارسل دوشان بو. در اثر یک صندلی به سه روش بیان، یک پدیده را به نمایش گذاشته هر سه تای آنها می خواهد صندلی را تعریف کند وسطی خود صندلی است، سمت راست تعریف صندلی از یک فرهنگ لغت و سمت چپ عکس صندلی است، از نظر ذهنی قصد دارد بیننده را درگیر کند که واقعا کدام یک از اینها صندلی است و کدام بیشتر مفهوم صندلی را می رساند.

ژوزف بویز: گرایش کانسپتچوال دارد. آمریکایی است. کارهای چیدمان با مدفوع حیوانات انجام داده است و به سمت برخی از چیزها که رد شده اند نوعی بازبینی مثبت انجام می دهد.

شاخه ای دیگر در هنر مفهومی به اسم هنر اجرا می باشد. یعنی هنرمند خودش در ساخت اثر هنری نقش دارد. با تن و بدنش (در واقع با حضور فیزیکی خودش) ژوزف بویز در یکی از آثارش پتویی را به خودش می پیچد و عصایی در دست می گیرد و با یک سگ در داخل یک اتاق قرار می گیرد و با آن عصا به کف اتاق می زند و سگ از خود عکس العمل نشان می دهد نام این اثر او "من آمریکا را دوست دارم و آمریکا من را" است.

از بویز خواستند یک اثر هنری برای نمایشگاهی در پاریس ارسال کند، یک دست کت و شلوارش را به عنوان اثر هنری ارسال کرد.

هنرمندی به نام ویتا آکونچی هم یکسری تصاویر بی ربط روی تخته سیاه می کشد و جاهایی از آن پاک می کند و اثر او تکمیل می شود.

موزه تاریخ یهود: که طرح توسعه آن توسط دانیل لیبسکیند ارائه شد، بین ساختمان اصلی موزه و ساختمان قدیمی از زیر ارتباط وجود دارد. به نوعی تقابل معماری دوره رنسانس و معماری قرن ۲۰ است. تقابل سنت و اولترا مدرن است. ستونهای بتنی که بر روی آنها درخت کاشته شده، ۴۹ ستون بتنی به نماد ۴۹ انسان است که در دین یهود نمادین است. پنجره ها از هندسه فرکتال تبعیت می کند.

فضا سازی آن بر اساس موزه تهی بود، اما مسئولین تصمیم گرفتند در آن نمایش اشیاء را هم داشته باشند و در آن اشیایی در ارتباط با تاریخ یهود قرار دادند. برای جلوگیری از نشستن کبوتران در پشت پنجره ها یکسری سیم قرار دادند به فاصله چهار سانتیمتر از یکدیگر تا تعادل کبوترام بر هم زده شود و زمان بسیار کوتاهی در پشت پنجره ها باشند. فضای تبعید آن پس از عبور از یک راهروی ۳۰-۴۰ متر و دارای سکوت کامل به یک در خیلی عظیمی که به در گاو صندوقهای بانکها شبیه است رسیده، وارد فضایی می شوید با دیوارهایی از بتن اکسپوز. پس از بستن در، درون فضایی با سکوت محض قرار می گیرید. ارتفاع دیوارهای آن ۸ متر است و تقریباً فضا تاریک است و کورسویی نور از سقف می آید. در فضایی دیگر صورتک های بسیاری به شکل انسان ساخته اند که بر روی کف قرار دارند و هنگام راه رفتن بر روی آن نوعی زجر و درد انسانی که در درون کوره های آدم سوزی ناله می زدند را از طریق صداهایی که از این صورتک ها، در اثر فشار وزن بازدید کننده به وجود می آید، برای بازدید کننده تداعی می کند. تمام این موزه تجربه فضاست و درگیری ذهنی با محیط.

شیگرو بان: معمار برجسته ژاپنی، در مدرسه کوپریونیون تحصیل کرده و شاگرد جان هیدک می باشد. یکی از بحث هایی که او مطرح کرده معماری کاغذی paper architect ture است. او ویلای شخصی خود را در ژاپن تماماً از کاغذ ساخته است. لوله های کاغذی را با فرمول شیمیایی خاص در کارخانه تولید

کرده اند هم ضد حریق است هم ضد آب. به عنوان یک مصالح ساخت و ساز در سازمان مسکن شهر سازی ژاپن ثبت شده. حتی روشویی سرویسها هم از این سیستم کاغذی ساخته شده.

خانه بدون دیوار: از دیگر آثار شیگرو بان است. او در این خانه همه چیز را open طراحی کرده، حتی سرویس بهداشتی و حمام و هیچ دیوار داخلی ندارد. در بعضی جاها می توان از پرده متحرک جهت محدود کردن فضاها استفاده کرد. او در این پروژه حتی مختصر دیواری که در خانه شیشه ای فیلیپ جانسون و کارهای میس وندرو وجود داشت را حذف کرده و تنها به قرار دادن پرده در فضایی مانند سرویس بسنده کرده. از دیگر آثار معروف او یک کلیسای کاغذی است.

رم کولهااس:

از معروفترین کارهای او ویلا دال آو است که این ویلا با الهام از ویلا ساوواي لوکوربوزیه طراحی شده. ویلا ساووا دارای فرم مکعب خیلی ساده با پنجره های خطی و پیلوتی است. رم کولهااس از ویلا ساووا و مشخصاتش استفاده کرده، اما در نهایت به پروژه دیگری رسیده. او مدرس دانشگاه هاروارد است.

کولهااس بحثی را در معماری مطرح می کند با نام برش آزاد (لوکوربوزیه پلان آزاد را مطرح کرد) پروژه مرکز گردهمایی آگادیر در مراکش از کارهای اوست. با این رویکرد (برش آزاد) او معتقد است در طراحی باید به گونه ای عمل شود که آزادی داشته باشیم. مقطع را هر گونه می خواهیم طراحی کنیم (مانند بحث لوکوربوزیه در مورد پلان) یعنی پروژه برشهای

متعددی داشته باشد. در دوران مدرن برشهای طبقات مانند هم بود. او از این طریق قصد دارد تنوع و جذابیت را به فضاها بدهد.

برج سی سی تی وی: در پکن (چین) از دیگر آثار رم کولهاس است. این پروژیه او الگوی برج سازی در دنیا را تغییر داده و دارای حدود ۷۰ متر کنسول است. سیستم آن بر اساس نوعی نوار موبیوس است.

رابرت میلنورپ: عکاس کانسپتچوال آرت است (هنر مفهومی). از نقدهای او در مورد تبعیضات سیاه و سفید بود.

شیرین نشاط: هنرمند عکاس و کانسپتچوال آرتیست ایرانی است که اخیرا فیلم جالبی به نام "زنان بدون مردان" ساخته است. از دیگر پیروان این سبک (هنرمفهومی) در ایران می توان از عباس کیارستمی نام برد. شیرین نشاط اساس کارهایش را بر مبنای تضادهای اجتماعی موجود در جامعه قرار داده، مقوله حجاب را نقد می کند. او ساکن امریکا ست. در دوره ای از کارهایش تکنیکی داشت که تعدادی از عکسها را تهیه می کرد و بر روی صورت آنها کلاژ انجام می داد، کلاژ را اکثرا با دعاهاى مذهبی انجام می داد.

معماری های تک:

این بحث با تاریخ عجین است و همواره تکنولوژی و روش ساخت دغدغه معماران بوده است. اگر به دوره ای های تک می گویند به این دلیل است که این مقوله به نوعی در نمای ساختمان آشکارتر بیان شد. بعضی معتقدند شروع معماری های تک از قصر بلورین است که دارای سازه اکسپوز بود. برج ایفل هم به عنوان نمادی از معماری های تک مطرح بود. به طور کلی در حدود دهه ۶۰ به بعد جریانی وارد معماری شد که آن را معماری های تک یا معماری با تکنولوژی پیشرفته نام نهادند. ریشه های شکل گیری این سبک از آشیانه های هواپیما بود. پیر لوییجی نروی، معمار ایتالیایی، تعدادی آشیانه هواپیما ساخت، که دهانه بین ستونهای آن صدوپنجاه تا دویست متر بود و سطوح عظیم بتنی سقف ها را به وجود آورد. **های تک:** یعنی اثر معماری که سازه در آن نقش اساسی دارد و نمایان است و با تکنولوژی پیشرفته می توانند کارهایی انجام بدهند که تا قبل از آن امکان نداشت. سالن ورزشی: از دیگر کارهای پیرلوییجی نروی است که دهانه عظیم سقف آن را با استراکچر ربتنی توانسته پوشش بدهد. **باکمینستر فولر:** طراح و مهندس سازه آلمانی بود. او گنبدهایی را طراحی کرد که به نام گنبد ژئودزی معروفند. گنبدی که تمام استراکچر آن در درون پوسته است و هیچ ستونی در زیر آن وجود ندارد.

گروه آرشیکرام: مغز متفکر به وجود آورنده معماری های تک نامیده شده اند. در دهه ۶۰ چند جوان خلاق معماری گروه آرشیکرام را با هم تاسیس کردند. مغز متفکر آنان فردی پیتیر

کوک بود که مباحث تئوریک را مطرح می کرد. از دیگر افراد این گروه: ریچارد راجر و رنزو پیانو بودند که بعدها در پروژه ژرژ پمپیدو تبدیل به یکی از شاخص های معماری های تک شدند. این گروه دیدگاه صنعتی به زندگی داشتند، و اکثرا پروژه های خیالی داشتند. برجی که در آن کپسول هایی نصب شود و در این کپسول ها حداقل هایی برای زندگی وجود دارد، این کپسول های قابلیت تعویض و نصب دارد و هر کس بخواهد می تواند کپسول زندگی اش را تعویض کند و آنرا بزرگتر کند. بعدها کیشو کوروکاوا، معمار ژاپنی، خانه ای در ژاپن ساخت که به همین شکل کپسول بود. در دهه ۷۰ یکمسابقه بین المللی در شهر پاریس برگزار شد. اسکار نیمایر و فیلیپ جانسون از داوران این مسابقه بودند. با پروژه ژرژ پمپیدو در این مسابقه بیان شد که انقلابی در معماری به وجود آمد. حرف اصلی آن این بود که بنای معماری مانند ماشینهای صنعتی که چیزی را از دید پنهان نمی کنند، تمام اجزا و عناصر آن در معرض دید باشد. به خاطر اینکه در بافت بسیار متضادی قرار می گرفت (بافت تاریخی شهر پاریس) بسیار سر و صدا برپا کرد. مانند جوی که بر علیه برج ایفل ایجاد شده بود. این پروژه آن بافت از شهر را که خیلی مورد توجه نبود رونق بخشید و امروزه تعداد بازدید کنندگان آن از ایفل هم بیشتر است. نکته دیگری که وجود داشته در این پروژه، زمین پروژه بسیار وسیع بوده در طراحی نصف این زمین ساخته می شود و در جلوی آن میدان شهری بزرگی در نظر گرفته می شود. در واقع نیمی از زمین پروژه تقدیم به شهر می شود. در زیر میدان ۲-۳ طبقه سالن

موسیقی و پارکینگ ساخته شده، اما روی آن به شهر تقدیم شد. تمام اجزاء آن در معرض دید است؛ سازه، تاسیسات و ... به طور تقریبی مساحت هر طبقه ۱۸۰۰۰ متر است. در سقف هم همه ی استراکچر، کانال هوا و تاسیسات اکسپوز است.

طاق لا د فانس: در شهر پاریس است. منطقه لا د فانس در فرانسه که به نام نیویورک پاریس معروف است. تمام آسمانخراشها در آن منطقه واقع است. چون شهر پاریس شهر تاریخی است اجازه ساخت و ساز فراتر از خط آسمان شهر را صادر نکرده اند. تمام آسمانخراشهای آن در منطقه لا د فانس است. طاق لا د فانس نماد شهر پاریس است، که در امتداد محور تاریخی شهر ساخته شده. ابعادش ۱۰۰×۱۰۰×۱۰۰ است. دهانه آن ۷۰ متر است - اجرای آن بسیار طولانی شد. چون دهانه آن بسیار عظیم بود. معمار گمنام آن اسپره کلسن بود. معمارش اواخر طراحی این پروژه مرد و معمار برجسته فرانسوی، پل آندرو طراحی آن را تکمیل کرد. پل آندرو متخصص طراحی فرودگاه در دنیاست و فرودگاه خمینی ایران را پل آندرو طراحی کرده - او بیش از ۵۰ فرودگاه ساخته است.

هرم لوور (در حیاط موزه لوور): جزء معماری های تک محسوب می شود واقع در پاریس. در مورد این موزه ی عظیم گفته اند که اگر یک دوندۀ دو مارا تن به مدت یک هفته بدود، نمی تواند همه جای آن را ببیند. سطوح گالریهای آن بسیار عظیم است. این موزه فرم U شکل دارد به دلیل سردرگمی که بازدید کننده ممکن است دچار آن شود، نشانه ای در وسط حیاط موزه طراحی شد که ورودی باشد و

بازدیدگان را به طبقه زیرین هدایت کند و سپس با کمک نشانه های راهنما مسیر خود را بیابند. این هرم از کارهای آی ام پی، مهندس چینی و ساکن آمریکا است. جنبه سازه ای این پروژه بسیار خاص است و تماما از شیشه ساخته شده است.

ژان نوول: از معماران سبک های تک است. فرانسوی است. پروژه ای که باعث شهرت او شد، انیستیتو دنیای عرب، شرکتی در پاریس که متعلق به عربها بوده، است. ساختمان دارای یک نمای بسیار ساده است و یک مدول تکرار شونده دارد. هر کدام از این مدولها، دیافراگم است که به نور حساس است و بسته به نوری که فضا نیاز دارد باز و بسته می شود و میزان نور فضا را تنظیم می کند. این پروژه در اواسط دهه ۹۰ ساخته شد، بسیار مورد توجه بود.

استادیوم المپیک مونیخ: کار فرای اوتو است که از نظر سیستم سازه ی چادری در زمان خود بسیار پیشرفته بود، ارتش آلمان در مدت زمان ۶-۷ ماه این پروژه را ساخت. این پروژه هم از نظر تکنولوژی ساخت و زمان ساخت بسیار شاخص است در سبک معماری های تک.

رنزو پیانو: او با همکاری ریچارد راجرز مرکز ژرژ پمپیدو را طراحی کرد و بعد از آن از پرچمداران معماری هایتک شناخته شده اند. از آثار او فرودگاه کانسای واقع در ژاپن است. محدودیت زمین داشتند و مجبور به ساخت جزیره بر روی اقیانوس جهت ساخت فرودگاه شدند. سپس با پل ارتباطی با مترو را از رو و زیر ایجاد کردند. ایجاد بستری به نام جزیره بر روی اقیانوس بسیار کار ارزشمند و مهمی بود. معماران هایتک سعی در استفاده از ساختارهایی دارند که در دل طبیعت وجود دارد. مثلاً در پروژه ژرژ پمپیدو از سیستم مفصل آرنج دست انسان الهام گرفته شده برای طراحی یک کنسول. یعنی دهانه های پروژه ۶۰ متر است و سیستم استراکچر برای آن شبیه به آرنج انسان جهت تحمل وزن طراحی کردند. در پروژه فرودگاه کانسای رنزو پیانو از استراکچر دایناسور الهام می گیرد. (سؤال: استراکچر یک دایناسور که وزن سنگینی بیش از ۱۰ تن آن را به خوبی تحمل می کند، چیست؟)

بانک لویدز در لندن: از کارهای ریچارد راجرز است که بارویکردهای تک طراحی شده است. سیستم طراحی آن صنعتی است. void مرکزی آن معماری صنعتی را به خوبی تداعی می کند.

آسمانخراش جان هنهاک: کارگروه S.O.M است که به آسمانخراش سازی در دنیا معروفند. بلندترین آسمان خراش دنیا در دبی کار این گروه است. در حدود ۸۵۰ متر این آسمان خراش ارتفاع دارد. آسمان خراش جان هنهاک در آمریکاست. حجم آن مکعب است و ۵۰۰ متر ارتفاع دارد و سالها جز بلندترین

آسمان خراشهای دنیا بود. سیستم استراکچر آن بسیار قوی و پوسه مانند است و استراکچر را به صورت اکسپوز در فضای داخلی می توان دید.

در دهه ۹۰ گرایش از معماری هایتک به سمت معماری پایدار ایجاد می شود. یعنی معماری هاییتی که سعی می کند الگوهای طبیعی را بیشتر استفاده کند و با طبیعت بیشتر سازگار باشد. اصطلاحاً آن را اکوتک می نامند. یعنی محیط با تکنولوژی ترکیب می شود. رنزو پیانو، نورمن فاستر، کالاتراوا، ریچارد راجرز به سمت معماری اکوتک گرایش پیدا کردند.

ساختمان مجلس آلمان (گنبد رایشتاک) که به توپ بسته شد در جنگ های جهانی و سالها بلا استفاده بود، بعد از اتحاد آلمان شرقی و غربی تصمیم به احیای آن گرفتند. در مسابقه طراحی آن نورمن فاستر برای طراحی گنبد آن برنده شد. که از نمونه های شاخص معماری هایتک است. یکی از ویژگیهای شاخص بنا اینست که به مردم اجازه می دهد به بالای سر نمایندگان بروند و نظارت کنند بر بحث های آنان و به حالت نمادین دموکراسی را بیان می کند. شیشه های آن ضد گلوله است.

به این دلیل مادر ایران معماری هایتک نداریم چون برای ساختن هر یک از جزئیات خط تولید کارخانه نیاز است، که باید راه اندازی شود. (مقاله ی "گرایش به تکنولوژی در معماری امروز ایران" فصل نامه آبادی شماره ۵۲ نوشته ی ایمان رئیسی را ببینید).

مرکز فرهنگی ژان مری تجیبائو: اثر رنزو پیانو که از اکوتک بسیار شاخص است. در جزایر اقیانوس آرام واقع است. ژان مری تجیبائو قهرمان ملی آنان بود. این پروژه با استفاده از

ویژگیهای اقلیمی آن منطقه طراحی شده است. فرم آن از مسکن سنتی رایج در آن منطقه الهام گرفته شده است. (مسکن سنتی با نام کاناک که با شاخ و برگ درختان سقف را پوشش می دادند و بدنه آن هم چربی بوده است). مصالح هم از چوب انتخاب شده و از مان فرم مسکن سنتی ملهم است. بخش اعظم سیستم تهویه این پروژه طبیعی است که از طریق هدایت بادهای اقیانوس تامین می گردد.

کوی پوتسدام: در برلین منطقه شهری بزرگی است که طرح طراحی شهری آن را به مسابقه می گذارند و رنزو پیانو برنده می شود. کار جالب او پس از طراحی شهری، این است که هریک از ساختمانها را به یک معمار معروف دنیا می دهد. جهت طراحی از معمارانی نظیر: ریچارد راجرز، کیشوکورو کاوا، هانس هولاین. ساختمان شرکت دایملر و کرایسلر سابق توسط رنزو پیانو طراحی شده است. او در طراحی این ساختمان از سیستم نمای آجری خشک استفاده کرده و سیستم نما کاملاً هوشمند است. اگر نور ساختمان زیاد شود، پرده ها بصورت الکترونیک بسته می شود و نور را تنظیم میکند.

سیستم نمای آجر: بدون ملات است و با پیچ و مهره محکم شده که هنگام زلزله مشکلی به وجود نیاید.

شیگرو بان هم در زمینه معماری هایتک فعالیت داشته است و با همان معماری کاغذی دهانه های عظیمی را به وجود آورد. سیستم اتصال این لوله های کاغذی بست چوبی است.

طرح توسعه موزه ژرژ پمپیدو در پاریس: کار شیگرو بان است که در آن از استراکچر چوبی

الهام گرفته که شبیه کلاه سنتی است در چین. این کار اخیراً افتتاح شد. مبحثی به نام معماری متحرک در معماری هایتک وجود دارد که توسط سانتیاگو کالاتراو معمار برجسته سازه دنیا بسیار تعقیب شده است. او هم معماری را می داند هم دکترای سازه دارد. او در کارهایش بسیار از پدیده های طبیعی الهام می گیرد. مثلاً طرحی شبیه چنگال حیوان که قابلیت باز و بسته شدن دارد یا در ورودی ایستگاه مترو که متحرک است یا سقف ساختمان عظیمی که می تواند باز، بسته یا نیمه باز شود. کلیسای سال ۲۰۰۰ از طراحی های اوست که این قابلیت را داشت که کاملاً باز، نیمه باز یا بسته شود. او استاد طراحی پل است. او پل پیاده ای را در نزدیکی بیلباو بر روی رودخانه طراحی کرده کف آن شیشه سند بلاست شده است که در شب نور پردازی میشود و بسیار زیباست.

معماری امروز ایران:

هادی میرمیران: طرح کتابخانه ملی ایران را ارائه داد اما هیات داوران گفتند به دلیل هزینه های اجرا، برنده نشد و طرح یوسف شریعت زاده برنده اعلام شد. طرح فرهنگستان های ایران هم از کارهای ایشان است. میرمیران در طرح کتابخانه ملی از شعر ناصرخسرو "چون زر گدازنده که چکانیش به قیر" الهام گرفته است. او این طرح را لوح زرینی تصور کرده که در دل زمین فرو رفته است. بخش سالن مطالعه، که پوسته ای شیشه ای آن را پوشانیده است، به تعبیری اکسپرسیونیستی از دماوند ملهم است. به نظر بهرام شیردل تنها پروژه ای بود که قابلیت مطرح شدن در سطح بین المللی را در آن مسابقه داشت. اما به دلیل مسائل اجرایی و اقتصادی پذیرفته نشد. از دیگر کار های او ساختمان بانک توسعه صادرات و قانون وکلای دادگستری است.

پروژه ی بعد ساختمان سفارت ایران در توکیو کار مهندسین مشاور باوند (حسین شیخ زین الدین) است که با رویکردی مدرن دارای ورودی، سراسری مسقف و بخش های مورد نیاز سفارتخانه است. در مورد این بنا مواردی مطرح شده که از شهرهای سنتی الهام گرفته شده است. یکی از نقدهایی که در این روش طراحی هست، اینکه معمار باید مراقب باشد وارد داستان سرایی نشود.

بهرام شیردل: دوره ای رویکرد کارهایش به سمت معماری استریشن یا معماری نواری بود. در کارهایش از یک مجسمه ساز فنلاندی به نام

رایمو اوتراینن، الهام گرفته. در مسابقه ای که جهت طراحی فرودگاه بین المللی امام خمینی در سال ۱۳۷۴ برگزار شد، طرح معمارانی نظیر میر میران، شیردل، پل آندرو به این مسابقه ارسال شد. شیردل رویکرد جدیدی در طراحی معماری ارائه داد. ساختمان آن بسیار افقی و کشیده طراحی شده است.

کتابخانه عمومی کانسای: کار مشترک آقایان بهرام شیردل، هادی میرمیران و رضا دانشمیر است. بهرام شیردل در سال ۱۳۷۴ به ایران وارد شد و در شرکت نقش جهان پارس با میرمیران به مدتی حدود ۶ ماه همکاری نمود و آنها در این مدت چند پروژه مشترک دارند. جنبه های نمادینی در این پروژه وجود دارد. در این پروژه ۲ جعبه وجود دارد که یکی روشن است یکی تاریک است. جعبه ی روشن قرائت خانه و جعبه ی تاریک مخزن است. در بین این دو فضای خالی است و ارتباط آنها از زیر است. این پروژه با رویکرد استریشن (معماری نواری) طراحی شده و رضا دانشمیر مسئول طراحی این پروژه بود.

ساختمان بانک توسعه صادرات ایران: که در این پروژه طرح بهرام شیردل به دلایلی برنده نشد. از دیالگرام کاسپ الهام گرفته است. این پروژه 11 تا نما دارد و از هر زاویه ای یک نمای تازه دارد (به نظرم یکی از برترین آثار معماری معاصر ایران است).

طرح میرمیران برای این مسابقه برنده اعلام شد و اکنون در حال اجراست طرح میر میران حجمی مکعب شکل است که درش مقداری باز شده گفته اند که نمادی از گاو صندوق است و بسیار ساده است اما پروژه شیردل بسیار پیشرو بود.

ساختمان سفارت ایران در برزیل:

از سال ۱۳۷۸ وزارت امور خارجه تصمیم گرفت که طراحی ساختمانهای سفارتخانه های ایران در کشورهای مختلف را به معماران برجسته ایرانی محول کند. جهت طراحی معمارانی نظیر میرمیران، فرهاد احمدی، شیردل، داراب دیبا و ... انتخاب شدند. نکته مهم این بود این معماران کار سایر معماران را نقد میکردند تا عیوب کار برطرف گردد. به تعبیر کامران افشار نادری شیردل با طرح خود تعریف سفارتخانه را عوض کرده است. او در فضای سفارتخانه، یک فضای عمومی و یک فضای شهری در نظر گرفته و بخش امنیتی و عمومی از یکدیگر منفکند. مسئول طراحی فاز ۲ آن آقای کامران افشار نادری بود.

ساختمان فرودگاه امام خمینی:

طراحی آن کار پل آندرو بود. او معمار برجسته ی فرودگاه ساز دنیاست. او ایده طراحی اش را اینگونه بیان نموده است: می خواهم تداعی انتزاعی از آسمان شبهای کویر داشته باشم. که متاسفانه با اجرای ضعیفی مواجه شد و به دلیل اینکه کیفیت مصالح پایین بود، او معتقد است که ایده اش کاملاً محقق نشده است. بخش فاز ۲ و نظارت بر اجرا به مهندسین مشاور آتک محول شد که متاسفانه با ایده پل آندرو مطابقت نداشت و خوب از کار در نیامد. مصالح نما از خارج از کشور وارد شده. سنگهای تراورتن قرمز آذرشهر با اتصال خشک اجرا شده است

ساختمان میلاد در نمایشگاه بین المللی:

کار آقای مهدی علیزاده است. او ابتدا گرایش به پست مدرنیسم و معماری گذشته ایران

داشت، سپس به سمت معماری های تک گرایش پیدا کرد. این ساختمان در مدت ۷۲ روز ساخته شد. کاملاً صنعتی و با فلز ساخته شده است، حتی کف طبقات آن از ورق فلزی به ضخامت ۱ cm است. به خاطر اینکه سرعت اجرا بالا برود. ایرادش در این است که کف فلزی سر و صدا را زیاد منتقل می کند. سیستم تاسیساتی آن کاملاً اکسپوز است.

فرهاد احمدی: در دوره جدید و در آخرین

کارهایش به معماری اکوتک گرایش پیدا کرده است.

رضا دانشمیر: از معماران جوان کشور ماست.

او حدود ۱۰ سال در شرکت های مختلف مهندسین مشاور کار کرد. مثلاً: دفتر میرمیران، شیردل و بعد از ده سال کار حرفه ای دفتری با نام خودش تاسیس کرد. او قبل از اینکه معمار بشود، نقاش برجسته ای بود. چند نمایشگاه عمومی و انفرادی از آثار نقاشی او برگزار شد. اوسبک خاصی در نقاشی داشت که با ترسیم یک پرتله سعی در مبهم کردن آن داشت. در نقاشی شاگرد آیدین آغداشلو بود. ای ساختمان باشگاه وزارت کشور است، که بعدها به مجموعه فرهنگستان هنر سپرده شد، اجرا، طراحی و نظارت آن کار رضا دانشمیر است اما به دلیل آنکه در دفتر مهندس اسماعیل طلایی و همکاران فعالیت داشت، به نام دفتر او تمام شد. دخل تصرفهایی در آن شده است. رامپی که به زیر زمین می رفت را مسدود کردند و زیرزمین را به سالن تبدیل کردند. در این ساختمان نشانه هایی از معماری دیکانستراکشن وجود دارد. پردیس سینمایی

دانشکده معماری و عمران آزاد قزوین خلاصه مطالب ارائه شده در کلاس معماری معاصر / دکتر ایمان رئیسی

ملت هم از آثار رضا دانشمیر است. سینما ملت
رضا دانشمیر برای چاپ در دایره المعارف
معماری قرن ۲۱ انتخاب شده است.

لازم به ذکر است که جریانی در معماری
معاصر ایران توسط جوانان شروع شده است.
آنان به سمتی پیش می روند که در آینده می
توان حرفی برای ارائه در عرصه معماری جهان
داشت.

فهرست تفکیکی منابع:

انقلاب صنعتی و مدرنیته:

گیدئین، زیگفرد- فضا، زمان و معماری- ترجمه
منوچهر مزینی- انتشارات امیر کبیر- ص ۱۵۱ تا
۲۴۹ و ص ۳۱۰ تا ۳۱۸
بنه ولو، لئوناردو- تاریخ معماری مدرن- ترجمه
حسن نیراحمدی- انتشارات مهندسان مشاور
نیرستان- فصل اول
قبادیان، وحید- مبانی و مفاهیم در معماری معاصر
غرب- انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی- ص
۱۷ تا ۳۶
بانی مسعود، امیر- تاریخ معماری غرب- نشر
خاک- ص ۲۵۴ تا ۲۶۹

مکتب شیکاگو و معماری مدرن:

مزینی، منوچهر - از زمان و معماری- ص ۴۳ تا
۵۸
پوزنر، نیکولاس- پیشگامان طراحی مدرن- ترجمه
فرخ اصالت- انتشارات دانشگاه تهران- ص ۱۰ تا
۳۶ و ص ۹۵ تا ۱۶۵
گیدئین، زیگفرد- فضا، زمان و معماری- ص
۳۶۲ تا ۳۷۲
قبادیان، وحید- مبانی و مفاهیم در معماری معاصر
غرب- ص ۳۶ تا ۴۸

آموزش معماری:

مزینی، منوچهر - از زمان و معماری- ص ۴۳ تا
۵۸
بنه ولو، لئوناردو - تاریخ معماری مدرن- ص ۳۷
تا ۵۸
کاندینسکی، واسیلی- نقطه، خط، سطح- ترجمه
علی پورصالح- انتشارات بهار
ایتن، یوهانس- رنگ و خط- ترجمه عریعلی
شروه- نشر بهار
مصطفوی، محسن- مدرسه معماری - AA

فصلنامه معمار شماره ۲۵- ص ۲۵

حجت، عیسی- حرفی از جنس زمان، نگاهی نو به
شیوه های آموزش معماری در ایران- فصلنامه
هنرهای زیبا- شماره ۱۲- زمستان ۱۳۸۱- ص ۵۰
زایس، راینهارد- کیفیت برای عموم، زیبایی برای
همه (سالگرد تأسیس باهاوس)- ترجمه پریسا
رضایی- فصلنامه معمار شماره ۸- ص ۳۴
سایت مدرسه معماری AA
www.aaschool.ac.uk
سایت مدرسه کوپریونیون
www.cooper.edu
سایت مدرسه معماری هاروارد
www.gsd.harvard.edu

لوکوربوزیه:

لوکوربوزیه- بسوی یک معماری جدید- کتاب از
مدرنیسم تا پست مدرنیسم- ویراسته ی لارنس
کهن- ترجمه ی عبدالکریم رشیدیان- نشر نی-
ص ۲۰۲
مزینی، منوچهر- از زمان و معماری- ص ۶۹ تا
۹۳
گیدئین، زیگفرد- فضا، زمان و معماری- ص ۳۲۹
تا ۳۵۵ و ص ۴۲۳ تا ۴۶۲ و ص ۴۸۵ تا ۵۲۵
کالینز، پیتر- دگرگونی آرمانها در معماری مدرن-
ترجمه حسین حسن پور- انتشارات قطره
بنه ولو، لئوناردو- تاریخ معماری مدرن- ص ۱۵۷
تا ۱۶۳ و ص ۳۰۸ تا ۳۱۴
مزینی، منوچهر- از زمان و معماری- ص ۹۴ تا
۹۹
گیدئین، زیگفرد- فضا، زمان و معماری- ص
۴۸۵ تا ۵۲۵ و ص ۵۴۷ تا ۵۵۳
لوکوربوزیه- منشور آتن- ترجمه ی محمد منصور
فلامکی- نشر فضا
ویلیام کرتیس- آلوآر آلتو و مناظر اساطیری
ترجمه فرزانه فرزانه طاهری- فصلنامه معمار -
شماره ۴- ص ۷۰

بنه ولو، لئوناردو- تاریخ معماری مدرن - ص ۱۳۵ تا ۱۳۹

معماری مدرن ایران:

معرفت، مینا- پیشگامان معماری مدرن ایران-
کتاب تهران، پایتخت دویست ساله- نشر انجمن
ایران شناسی فرانسه
اردلان، نادر- معماری دوره پهلوی- ترجمه شیرین
رضایی- معمار ۱۵، ص ۸۶
کیانی، مصطفی- معماری پهلوی اول- نشر موسسه
مطالعات تاریخ معاصر ایران
شافعی، بیژن و همکاران- معماری حسین
طاهرزاده بهزاد- نشر دید
دانیل، ویکتور و همکاران- معماری نیکلای
مارکف- نشر دید

بانی مسعود، امیر- بناهای یادمانی، هوشنگ
سیحون- فصلنامه معمار- شماره ۲۸- ص ۱۴۶
حکیم، نگار- معماری گابریل گورکیان در ایران-
معمار ۱۴، صفحه ۵۲ و معمار ۱۵، ص ۷۸
رولاند دوبرول- فصلنامه معمار- شماره ۱۱
افشار نادری، کامران- معماری صنعتی ایران بین
دو جنگ جهانی- فصلنامه معمار- شماره ۲۵- ص
۱۳۵

جهانیگلو، رامین- ایران در جستجوی مدرنیته-
نشر مرکز

آشوری، داریوش- ما و مدرنیته- انتشارات صراط
دهقانی، محمد رضا- تاریخچه آموزش آکادمیک
معماری در ایران- فصلنامه آبادی- شماره ۳۷-
ص ۴

معماری پست مدرن:

مزینی، منوچهر- از زمان و معماری- ص ۲۴۳ تا
۲۶۶
هیداک، جان- مجله معمار- شماره ۱۲، ص ۶۶
بتسکی، آرون- چهار پدر خوانده- ترجمه آبتین
گلکار- معمار ۱۲، ص ۶۸

میر، ریچارد- ترجمه نیلوفر محوی- نشر خاک (در حال انتشار)

جودت، محمد رضا و همکاران- تو معماری را
ترسیم می کنی، ولی من آن را می سازم- نشر
سمر

تافوری، مانفردو- مقدمه ی کتاب پنج معمار
نیویورک- ترجمه ی محمد منصور فلامکی- در
کتاب "ریشه ها و گرایش های نظری معماری"-
نشر فضا- پانوش ص ۲۲۹ و ص ۲۸۹ تا ۲۹۹
جنکز، چارلز- پست مدرنیسم چیست؟ - ترجمه
فرهاد مرتضایی- نشر مرندیز

ونتوری، رابرت- پیچیدگی و تضاد در معماری-
کتاب از مدرنیسم تا پست مدرنیسم -ویراسته ی
لارنس کهن- ترجمه ی عبدالکریم رشیدیان-
نشر نی- ص ۳۳۵

ونتوری، رابرت - پیچیدگی و تضاد در معماری-
ترجمه محمود بشارتی

جورگولا، رومالدو- لویی کان- ترجمه عبدالله جبل
عاملی- نشر خاک

مزینی، منوچهر- معماری و مردم- معمار ۱۸-
ص ۵

فتحی، حسن- ساختمان سازی با مردم- ترجمه
علی اشرفی- انتشارات دانشگاه هنر.

مزینی، منوچهر- در قبول و رد مدرنیسم در
معماری- فصلنامه معمار- شماره ۱۱- ص ۵۰

معماری دیکانستراکشن، فولدینگ و ... :

شایگان، داریوش- افسون زدگی جدید، هویت
چهل تکه و تفکر سیار- ترجمه فاطمه ولیانی-
انتشارات فرزاد روز.

جودت، محمدرضا و همکاران- نو مدرن ها
کجایند- انتشارات معانی

جودت، محمد رضا و همکاران- معماری
دیکانستراکشن، معماری دیکانستراکتیویست-
نشر پیام

زاهای، حدید- برآمدن طرح از زمین سار- ترجمه

د. سمرقند - معمار ۱۳ - ص ۸۱

قبادیان و داریوش ستارزاده - دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تبریز

جفری براد بنت - واسازی - ترجمه منوچهر

رئسی، ایمان - میدان تهی - فصلنامه آبادی -

مزینی - نشر شرکت پردازش و برنامه ریزی

شهری

شماره ۳۶ - ص ۲۰

قبادیان، وحید - مبانی و مفاهیم در معماری معاصر

قبادیان، وحید - مبانی و مفاهیم در معماری معاصر

غرب - فصل یازدهم

غرب - فصل نهم و دهم

بانی مسعود، امیر - ژیل دلوز، مردی که افقی می

اندیشد - فصلنامه معماری و فرهنگ - شماره ۲۰

- ص ۴

لوسی اسمیت، ادوارد - مبانی و مفاهیم در آخرین

جنبش های هنری قرن بیست - ترجمه علیرضا

سمیع آذر - نشر نظر

دانشمیر، رضا - شئی نامرعی - فصلنامه معماری و

شهرسازی - شماره ۵۲-۵۳

فصلنامه معماری و فرهنگ ویژه ی مفهوم در

مزینی، منوچهر - واسازی - فصلنامه معمار شماره

۹ - ص ۵۷ و شماره ۱۰ ص ۴۴۰

معماری - شماره ۲۲

دوشان، مارسل - پنجره ای گشوده بر چیزی

مزینی، منوچهر - از زمان و معماری - ص ۲۸۴ تا

۳۰۶

دیگر - ترجمه لیلی گلستان - نشر فرزانه روز

کولهاس، رم - کوچک، متوسط، بزرگ، خیلی

ضمیران، محمد - ژاک دریدا - نشر هرمس

بزرگ - ترجمه ایمان رئیسی - نشر خاک

ضمیران، محمد - میشل فوکو - نشر هرمس

رئسی، ایمان - شیگرو بان - فصلنامه معمار -

شماره ۲۰

معماری پست مدرن ایران:

افشار نادری کامران - رم کولهاس - فصلنامه معمار

گنجی، اکبر - سنت، مدرنیته، پست مدرن -

- شماره ۱۰

انتشارات صراط

معماری های تک:

اردلان، نادر - آفریدن نو - فصلنامه هنر و معماری

دیبا، کامران - معرفی و تحلیل آثار معماری -

فصلنامه معمار - شماره ۱۰

مزینی، منوچهر - از زمان و معماری - فصل ششم

قبادیان، وحید - مبانی و مفاهیم در معماری معاصر

فرمان فرمایان، عبدالعزیز - تحول معماری در

ایران در سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ - فصلنامه

غرب - فصل هفتم

معمار - شماره ۲۵ - ص ۱۲۹

جنکز، چارلز - حرکت تدریجی های تک به اورگانی

تک - فصلنامه آبادی شماره ۳۶ - ص ۳۸۰

موسوی، میر سعید - بوم شناسی در معماری

فصلنامه معماری و فرهنگ، ویژه ی معماری

معاصر ایران ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰ - شماره ۱۸ و ۱۹

نورمن فاستر - فصلنامه معمار - شماره ۲۶ - ص

دیبا، کامران - مروری بر ربع قرن معماری

۱۹

عبدالعزیز فرمانفرمایان - معمار ۱۵ - ص ۶۶

فاستر، نورمن - ترجمه میر سعید موسوی - نشر

سایت حسین امانت

خاک

www.amanataarchitect.com

افشار نادری، کامران - رنزو پیانو - فصلنامه معمار -

جلسه دوازدهم :

شماره ۸ ، ص ۶۲۰

فصلنامه آبادی - ویژه ی معماری پایدار - شماره

جنکز، چارلز - معماری پرش کیهانی - ترجمه وحید

گروه -MVRDV ماهنامه ی ساخت و ساز-

شماره ۳۲

آیزمن، پیتر- سخنرانی در بیست و دومین کنگره

ی اتحادیه بین المللی معماران -استانبول ۲۰۰۵

- فصلنامه معماری و شهر سازی - شماره ۸۲-

۸۳ - ص ۹۸

موسوی، فرشید و آخاندرو زائر پولو-پایانه بین

المللی یوکوهاما- فصلنامه معمار شماره ۱۷ ص ۷۴

و شماره ۱۸- ص ۲۲

آیزمن، پیتر- سخنرانی در بیست و یکمین کنگره

اتحادیه بین المللی معماران- برلین ۲۰۰۲-

فصلنامه معمار ۱۹- ص ۱۰

حکیم، نگار- گونه شناسی آثار فرشید موسوی و

آخاندرو زائر و پولو- فصلنامه معمار ۲۱- ص ۲۴

فصلنامه معماری و فرهنگ، ویژه معماری در عصر

اطلاعات- شماره ۲۰

فصلنامه معماری و فرهنگ، ویژه ی معماری در

جهان امروز- شماره ۱۷

گفتگوی چارلز جنکز با پیتر آیزمن- گذر از جهان

مکانیکی به جهان الکترونیکی- فصلنامه معماری و

شهرسازی- شماره ۷۰-۷۱

معماری امروز ایران:

فصلنامه معماری و شهرسازی- ویژه ی معماری

معاصر ایران - شماره ۸۴

فصلنامه آبادی- ویژه ی معماری معاصر ایران -

شماره ۵۲

حبیبی، محسن- شرح جریان های فکری معماری

و شهرسازی ایران- انتشارات دفتر پژوهش های

فرهنگی

شیخ زین الدین، حسین- گفتگو درباره ی زبان و

تکنیک - معمار ۱۷- ص ۲۸

رئسی، ایمان- رویکرد شکلی به معماری هادی

میرمیران و بهرام شیردل- فصلنامه شارستان-

شماره ۴۳

رئسی، ایمان- پنج معمار جوان در مسابقه پارک

فناوری پردیس- فصلنامه معمار- شماره ۲۰- ص

۵۵

رئسی، ایمان و فیروزه امامی- گرایش به

تکنولوژی در معماری معاصر ایران- فصلنامه

آبادی- شماره ۵۲

معماری در دهه آخر قرن بیستم و دهه اول قرن

بیست و یکم:

کاتوزیان، شهاب- فضا و آزادی آن در آستانه ی

هزاره ی سوم- فصل نامه معماری و شهرسازی-

شماره ۵۲-۵۳

جودت، محمد رضا همکاران - شش مفهوم در

معماری معاصر- انتشارات مهندسان مشاور

جودت و همکاران.

جودت، محمد رضا و همکاران- فرا معماری،

فضاها در عصر الکترونیک

جودیدیو، فیلیپ- معماری امروز- ترجمه حمید

حسین مردی- فصلنامه آبادی- شماره ۳۷- ص

۶۴۰

رئسی، ایمان- رویکرد نقادانه به آثار معماری